

نابود باد امپریالیسم جهانی  
بسرکردگی امپریالیسم امریکا  
وبایگاه داخلیش

کارگران و زحمتکشان  
متحد شوید

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

صفحه ۳۰ ریال

Germanische Bibliothek in Hannover

چهارشنبه ۲۱ مرداد ۱۳۶۰

سال سوم - شماره ۱۲۲

### سازماندهی جوخه‌های رزمی و عملیات رزمی

امروز مسئله سازماندهی جوخه‌های رزمی و عملیات مسلحانه بصورت یکی از مسائل حادثه‌جانش در آمده است. گرچه در سطح جنبش کمونیستی بحث‌های مطلق بر سر این مسئله صورت نگرفته است، اما بهررسانا زمانها و گروههای مختلف به نحوی به مخالفت یا موافقت با آن - برخاسته‌اند. البته گرچه این بحث در جنبش ما تا زکی دارد، اما سابقه آن به سه ربع قرن پیش در قاصد سالهای ۷ - ۱۹۰۵ بازمیگردد. هنگامیکه طرح مسئله تدارک قیام سازماندهی جوخه‌های رزمی و عملیات رزمی بصورت یک مسئله حادثه‌جانش انگیز در اندوختن خود را بصورت اختلاف در تاکتیک میان بلشویکها و منشویکها بروز داد. سراسرنوشتی‌های - لنین طی این دوران، سرشار است از مسائلی که بنحوی بمسائل فوق مربوط می‌شود. جنبش کمونیستی ایران نیز بویژه امروز که درگیربهای مسلحانه در سراسر ایران بصورت یک پدیده متداول در آمده است و از قیام تا با مروزیک جنگ داخلی بر میهن ما حاکم بوده است، موظف است که پاسخ صریح و روشن خود را بمسائل زیر ارائه دهد:

۱ آیا سازماندهی دوران رکود سیاسی را از سر میگذرانند یا یک دوران انقلابی را؟ آیا تدارک قیام بصورت امری عاجل و فوری در شرایط کنونی ضروری است؟

۲ آیا سازماندهی جوخه‌های رزمی بعنوان یک جزء لاینفک تدارک قیام امری ضروریست؟ آیا جوخه‌های رزمی مجازند دست به عملیات نظامی بزنند؟ و اگر این عملیات مجازند، تا کجا و با عملیات

بقیه در صفحه ۲

### در این شماره

● جنبش جهانی

● جنبش کارگری

● دو شعرا از برنولت برشت

● مردم چه میگویند؟ مردم چه میخواهند



با زندانیانی را که محکومیتشان به اتمام رسیده، همچون ساواک شاه در زندانها نگهداری می‌شود. این روش ردیالانه در دنیا بی سابقه است که زندانی را پس از تعیین محکومیت مجدداً "محاکمه" و اعدام نماید و یا زندانی را پس از پایان محکومیت در زندان نگهدارند. شاه تنها در آخر عمر زندگین حکومتش به چنین شیوه‌هایی متوسل بقیه در صفحه ۳

بدنیال موج خفقان و ترور و اختناقی که رژیم جمهوری اسلامی پدید آورده است و در سایه دیکتاتور افسارگسیخته‌ای که حاکم ساخته است، دیگر از هیچ جنایتی بر علیه نیروهای انقلابی فروگذار نمی‌کند. علاوه بر دستگیریها، ترورها، کشتارها و اعدامها، اخیراً "زندانیان در بندرانیز" با چرمهای واهی و اتهامات بی اساس در یک دادگاه فرمایشی دوباره محاکمه کرده و دسته‌دسته بجوخه اعدام می‌سپارد و

رژیم جمهوری اسلامی  
دیکتاتوری ارتجاعی  
دموکراسی انقلابی  
در صفحه ۸

### حذف بهره کلاه شرعی دیگر

هیاهو بر سر "حذف بهره" با ردیگر بالا گرفته است. بویژه پس از تعیین مهلت شش ماهه از طرف مجلس برای تنظیم مقررات حذف بهره زشیکه با نکهای با صلاح "ملی" بحث در راههای اجرای این تکلیف "اسلامی" شدت بیشتری یافته است و این در شرایطی است که انواع و اقسام شیوه‌های پنهان و آشکارا استثماریتبعاً "موردا عتای متفکرین و مسئولین اموری جمهوری اسلامی نیست. ضرورت حذف بهره از نظام اقتصاد "اسلامی" یکی از ترجیح‌بندهای دائمی نظریه پردازان اسلامی و اقتصاددانان با صلاح مسلمان است. این اقتصاددانان به استناد متن برخی آیات قرآن و احادیث و اخبار، معتقدند که دریا فست و برداخت بهره (که به گمان آنها نام امروزی "ربا" است) مطلقاً "حرام" است و "استثمار" محسوب می‌شود و حتی بعضی از آنها فقط - "ربا" را مصداق استثمار می‌دانند و یا "بذرترا" استثمار می‌شمارند و تلاش می‌کنند که با دگرگون کردن نظام بانکداری، مقوله بهره را از میان بردارند.

بقیه در صفحه ۱۰

### کاهش بودجه رفاهی، افزایش بودجه نظامی اوج مبارزات کارگری در آمریکا

نظام امپریالیستی با بحران‌های ژرف و غیرقابل کنترل روبروست. در کشورهای امپریالیستی میلیونها کارگر با مسئله بیکاری، تورم و فقر روبه‌تزا بدموچارند. مادرشماره‌های پیشین به حرکت‌های اعتراضی و جنبش‌های توده‌ای در انگلستان و حرکت انقلابی زاغه‌نشینان آلمان غربی و نیز به نحوه برخورد دولت‌های این کشور های امپریالیستی در خروج زبحران - بقیه در صفحه ۱۵

### بازداشت خانواده شهدا

اکنون رژیم و قاجار را تا بدانجا رسانده است که بدستگیری خانواده‌های شهدای سازمان دست می‌زند. تنها جرم این خانواده‌ها اینست که فرزندانشان

در رژیم گذشته یعنی در دورانی که بقدرت خزندگان کنونی اکثر "درخارج" بسر می‌بردند، میمبارزه مسلحانه بر علیه رژیم شاه و ساواک جهنمیش دست زدند و جان خویش را نثار انقلاب ایران نمودند. آری جرم این خانواده‌ها اینست که فرزندانشان در رژیم گذشته بخاطرهای کارگران و زحمتکشان جان باختند.

بقیه در صفحه ۳

مرکز بر حزب جمهوری اسلامی زنده باد شوراهای انقلابی پیش بسوی تشکیل مجلس مؤسسان

بقیه از صفحه ۱

چه اهدافی مجاز است؟ این مقاله که در حقیقت منتج از تحلیل سازمان از شرایط اقتصادی - اجتماعی و سیاسی ایران پس از قیام تا با مرور سرنوشت انقلاب ایران است، بیانگر بخشی از تاکتیکهای ما محسوب می شود. در اینجا کوشش ما اینست که نه تنها مجاز بودن بلکه ضروری بودن سازماندهی جوخه های رزمی و عملیات رزمی را در شرایط کنونی نشان دهیم و در همان حال مرزبندی خود را از یکسو با کسانی که عادت کرده اند طوطی وار درس خود را حفظ کنند و در نتیجه خواه در تئوری و یا در عمل مجاز بودن سازماندهی جوخه های رزمی و عملیات مسلحانه را بدون توجه به شرایط حاکم نمی بینند و از سوی دیگر با کسانی که وظیفه ای دیگر جز تدارک قیام، با اهداف دیگر برای عملیات مسلحانه قائلند، روشن نمائیم. البته بقول لنین باید در نظر داشت که "اختلافات درونی احزاب یا اختلافاتی که بین احزاب سیاسی پدید می آید معمولاً نه نقطه پایتیمک بر سر اصول بلکه از طریق جریان پیشرفته های سیاسی نیز حل میگردد. بویژه اختلاف بر سر تاکتیکهای حزب... (انقلاب می آید)..." این مسئله خصوصاً در شرایطی که بر سرعت تغییر و تحولات و رویدادهای غیر مترقبه، جامعه دستخوش تحولات سریع است، از اهمیت استثنائی برخوردار است.

در یک دوران انقلابی، یعنی در دوران درگیریها و مبارزات حادثه توده ها فعال در عرصه سیاسی حضور دارند، در دوران - بیداری توده ها و یا لایحه در دوران تغییر و تحولات سریع، فشار شرایط و سرعت تحول رویدادها، مقتضای تقویت عملیات و مسائل مورد اختلاف را بر سرعت روشن میسازد و بیایمان نظرات نادرست را - یا رو کرده بکناری می ریزد، در حالیکه در یک دوران رکود سیاسی، در دوران آرامش و خواب آلودگی توده ها، خط و مشی نادرست و تاکتیکهای غلط و غالباً زیان آور یکسانی همان تحولات اجتماعی، نادرستی خود را نشان می دهند. بهر رو اینکه پراکنیک و مسیر تکامل رویدادها خود به بهترین وجه محک و معیار ارزیابی تاکتیکهاست، یک جنبه واقعیت است اما هیچوجه نمیتواند مانع از آن گردد که ما در تعیین تئوریک تاکتیکهای خود و اختلافاتی که در این زمینه در سطح جنبش وجود دارد تصور ورزیم.

اساس اختلافات ما بر سر تاکتیکها یا این بیان گروه بود مسئله اساسی یا - میگردد یکی از این دو مسئله ارزیابی متفاوت از شرایط کنونیست مسئله دیگر به درک های متفاوت از تاکتیک و مبنای اتخاذ آن مربوط می شود. لنین در اثر خود (مارکس، انگلس، ما رکیسم) مینویسد: "وظیفه اساسی تاکتیک های پروولتاری توسط مارکس در انطباق دقیق با تمام اصول جهان بینی ما تریالیست دیاکتیکی و توضیح داده شد، فقط در نظر گرفتن عینی مجموعه مناسبات بین مطلقاً همه طبقات در یک جامعه معین و در نتیجه در نظر گرفتن مرحله عینی تکاملی که آن جامعه بدان رسیده است و مناسبات بین آن جامعه و جماع دیگر میتوانند تعیین مبنای برای تاکتیکهای یک طبقه پیشرفته بخدمت گرفته شود. در عین حال تمام طبقات و تمام کشورهای ایستا یعنی

## سازماندهی جوخه های رزمی و عملیات رزمی

در حالت بی حرکتی بلکه در حرکت (که قوانین آن از طریق شرایط اقتصادی وجودی هر طبقه تعیین می گردد) در نظر گرفته می شوند. حرکت نیز بویژه خود نه فقط از نظر گاه گذشته بلکه همچنین آینده، نه بمعنای عامیانه آن که "تحول گرایان" درک میکنند و فقط تغییرات - آرا می بینند، بلکه دیاکتیکی در نظر گرفته شود. ما رکن به انگلس نوشت "در تحولاتی با چنین مقیاس بیست سال به اندازه یک روز است، گره بعد از روزهای فرا میرسد که بیست سال در آنها تجسم یافته است. در هر مرحله تکامل، در هر لحظه، تاکتیکهای پروولتاریه ایستی این دیاکتیک عیناً "اجتناب ناپذیر تا ریخ بشری را بحساب آورد. از یکسواز دورانیهای رکود سیاسی یا تکامل بی نظمی آرام به اصطلاح "مسأله بهره میجوید، تا اینکه آگاهی طبقاتی، قدرت و رزمندگی طبقه پیشرو را تکامل بخشد، و از سوی دیگر هر گونه کار این بهره جوئی را بسوی هدف نهائی پیشبرد آن طبقه، بسوی ایجاد توانائی در آن، در جهت یافتن راهلهائی عملی برای وظائف بزرگ در روزهای بزرگ که در آن "بیست سال تجسم یافته است" معطوف خواهد کرد."

آنچه که لنین بنقل از مارکس در مورد مبنای اتخاذ تاکتیکهای پروولتاریه بر آن تاکید میکند، در نظر گرفتن مناسبات میان طبقات مختلف و مرحله تکاملی آن جامعه، از جهت رشد توده های اجتماعی و سببهای طبقاتی، موقعیتی که طبقات مختلف در آن بسر میبرند. توازن نیروهای طبقاتی، موقعیت نیروهای انقلاب و ضد انقلاب، سطح مبارزه و روحیات توده ها، بعبارت دیگر حاکم بودن دوران رکود سیاسی، یا دوران انقلابی. مناسبات یک جامعه معین با جوامع دیگر است، که در همین زمینه باید بسا ثلی که بنحوی مشخص تریکی از موارد مذکور مربوط می شود چون میزان تشکل و آگاهی طبقه کارگر، موازنه نیروهای طبقاتی در سطح جهانی، و عوامل دیگر اشاره کرد، و اهم جنبش در اینجا از مسئله پیوند تاکتیکها و رابطه استراتژی و تاکتیکها سخن میگوید.

لنین در نوشته های دیگر خود بویژه بر مسئله توازن نیروهای طبقاتی و روحیات توده ها تاکید میکند. برای این پایه اساسی ترین مسئله ای که مادر - ایجاد تاکتیکهای خودباید بدان پیوند زیم، اینست که اکنون جامعه مادر چه مرحله تکاملی بسر میبرد. سطح مبارزه و روحیات مردم چگونه است. توازن - نیروهای انقلاب و ضد انقلاب بجه منوال است. حاکمیت از جهت موقعیت داخلی و خارجی در چه وضعی بسر میبرد یا لایحه - مسیر عمومی و گرایش تکامل جنبش در چه جهت است. با این مسائل قبل از همه در گروپاسخ یا این مسئله است که آیا دورانی که ما در آن بسر میبریم بیست سال آن با اندازه یک روز است، یا روزهائی که تجسم بیست سال آنند، بعبارت دیگر ما در

دوران با تطلخ مسالمت سکون، آرامش و بی تفاوتی توده ها بسر میبریم یا در دوران حادثه ترین مبارزات و درگیریها و تغییر و تحولات بسیار سریع.

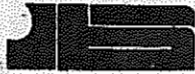
دوران رکود سیاسی یا دوران آرامش در زندگی ملتها آن دورانی است، که توده های مردم از زندگی سیاسی فعال و مبارزات آشکار و انقلابی، با روحیه تعرضی و اعتراضی بدورند. در این دوران تغییرات کمی و تدریجی و سرعت تحولات بسیار محدود است. اشکال مبارزاتی توده ها در سطوح پائین و در نهانیت در حد خواستهائی در جهت بهبود شرایط زندگی روزمره آنها در چارچوب نظم موجود است. از جوش و خروش و بیوایی انقلابی چندان خبری نیست. از آنجا که این دوران از زندگی توده ها، قبل از هر چیز تابع عوامل مادی و عینی است و از آنجا که وضعیت و شرایط اقتصادی توده ها و طبقات، میزان رشد و حدت تضادها است که تعیین کننده هر دو حالت انفعال و رکود سیاسی و یا روحیه انقلابی توده ها است. پیش آهنگ باید با توجه به خصوصیات حاکم بر جنبش در این دوران در جهت تدارک قوا، آگاهی و سازماندهی پروولتاریه و توده های مردمگام بردارد و خود را برای فرارسیدن یک تغییر کیفی و یک دوران نوین در زندگی توده ها آماده نماید. طبیعی است که تاکتیکها یعنی روشهای جدید آهنگ برای از پیش بردن مبارزه اتخاذ می نمایند یا توجیه با این مرحله رکود سیاسی اتخاذ شود. اما این مرحله در مبارزات توده ها پس از مدتی به پایان میرسد. پس از گذشت مدت زمانی چند، تضادهائی که طی سالها بدرجه معینی از رشد و تکامل خود رسیده اند، بجز مناسبات مرحله ای از مبارزه و ستیز می رسند که خود را در یک تحول کیفی در مبارزات توده ها در رفتار و روحیات آنها نشان می دهد. توده های که در دوران رکود سیاسی، در دوران مسالمت، بدون زندگی پروولتاریه سیاسی باز زندگی بنده و ابر انقیاد و انفعال زندگی می کردند، وارد عرصه مبارزه فعال میگرددند، دوران انقلابی فرا میرسد. در اشکال مبارزات توده ها تحولی کیفی پدید می آید و تغییراتی در ژرف در روحیات، خلقیات، و حالات آنها بروز میکند. توده ها فعال و رزمنده وارد عرصه مبارزه سیاسی می شوند. دوران تغییر و تحولات سریع آغاز میگردد و چرخشهای عظیم در تاریخ ملتها بوقوع می پیوندد. این دوران، دوران حادثه ترین درگیریها مبارزات و برخوردها، دوران پیشرفته های عظیم سیاسی، دوران بیداری و فعالی توده ها است. منطبق با این دوران نیز تاکتیک که "عبارت است از تعیین روش پروولتاریه در مدت بسیار کوتاه جذریا مدنهیض، صعودی نزل انقلاب (استالین) اتخاذ میگردد. اگر بنا ریخ توده ها خیرجا مع خود نظر افکنیم در -

میبا بیم که همزمان با فرم ارضی و تحولات فرم میستی دهه چهل و تغییراتی که در زندگی توده ها و تخفیف تضادها، امکان نسبی رشد نیروهای بولد پدید آید. اشکال مبارزات انقلابی و آشکار توده ها و روحیه تعرضی آنها فروکش کرد و جای خود را بیک دوران رکود سیاسی در زندگی توده ها، یک دوران انفعال و بی تفاوتی سیاسی داد. این پروسه تا اواسط دهه ۵۰ آدامه یافت. از این پس تحت تاثیر رشد و حدت تضادها، نخست فشار شرایط اقتصادی و وضعیت مادی -

بقیه در صفحه ۳

# استقلال - کار - مسکن - آزادی





## سازماندهی جوخه‌های رزمی و عملیات رزمی

بقیه از صفحه ۲

توده‌ها، مرحله‌کیفا "توبیتی درمبارزه توده‌ها" را می‌گیرد. توده‌ها از انفعال و بی‌تفاوتی سیاسی دست برمی‌دارند. اشکال مبارزاتی توده‌ها از مبارزه‌های تعارضی و اعتراضی توده‌ها از مبارزه‌های تعارضی و اعتراضی توده‌ها، در دوران تغییرات بزرگ، آسان و در یک کلام دوران انقلابی.

فراموشید، رژیم شاه که مانی عمده‌تر سرار شد، تحولات اجتماعی، رشد نیروهای مولده و تحقق خواسته‌های توده‌ها - زحمتکش بود، با قیام مسلحانه خلق، بی‌سهمه مناسبت عالی‌ترین شکل مبارزه توده‌ها سرنگون شد. طی این دوران از مبارزات آشکار، توده‌ها تجارب گرانمایه‌ای کسب کردند و دست‌آوردهای انقلابی بسیار عظیمی که نتیجه مبارزات خود آنهاست، یکف می‌آورند. اما قدرت سیاسی نه در دست نیروهای انقلاب بلکه در اختیار ضدانقلاب قرار می‌گیرد، بنا به علی‌که پیش از این مکرر بار ذکر کرده‌ایم در اینجا از تکرار آن خودداری می‌کنیم، انقلاب نیمه کاره، تکمیل نشده و بنا تمام باقی ماند و با هدف نهایی خودنا اثل تمامه در - سازد دوران پس از قیام مبارزه میان دو جنبه نتایج انقلاب، حفظ دست‌آوردها و تداوم انقلاب از یکسو و تلاش ضدانقلاب در برابر گرفتن دست‌آوردهای انقلاب و شکست قطعی کشاندن آن، بصورت - کشاکش میان انقلاب و ضدانقلاب ادامه می‌یابد. دورانی که همچنان عرصه‌خادترین مبارزات و درگیری‌ها، اعتبارات، اشکال اعتراضات، قیام‌های محلی و اشکال گوناگون جنگ‌های داخلی و بالآخره تغییرات سرگشته‌وار است. علیرغم تمام افت و خیزهایی که در سراسر این دوران تاب آورده مبارزات توده‌ها وجود داشته است، و علیرغم تهاجمات آنها نسبت به حاکمیت، جنبش اعتراضی و آشکار توده‌ها و مبارزه انقلابی آنها، در مجموع فروکش نکرده و توده‌ها همچنان فعال در صحنه مبارزه سیاسی حضور دارند. در این شرایط که از یکسو توده‌ها فعال در صحنه مبارزه سیاسی حضور داشته، از دست‌آوردهای انقلابی خود دفاع - کرده‌اند، حتی منجر به قیام‌های مسلحانه محلی و اشکال دیگر جنگ داخلی شده است و ضدانقلاب بنا به مجموعه شرایط حاکم برجایش، توازن نیروهای طبقاتی، پراکنندگی صفوف ضدانقلاب و پتانسیل انقلابی توده‌ها، و از سوی دیگر مقاومت مداوم و مزاحمتی توده‌ها، تشدید تضادهای طبقاتی، عمق بای بی‌بحران سیاسی همچنان چشم‌انداز اشکال مبارزه آشکار و انقلابی و احتمال وقوع یک قیام مجدد در برابر ما قرار می‌دهند، کمترین تردیدی باقی نمی‌گذارد که مانده در یک دوران رکود سیاسی، بلکه در یک دوران انقلابی بر سر می‌بایست، کسی که چشم‌انداز نیروی واقعیت موجود نیست به باشد، نمیتواند از یک دوران - رکود سیاسی در جامعه ما سخنی بماند. آورد، هر انسان اندک آگاهی با بین مسئله واقعا است که - ما می‌بایست از قیام نه تنها با یک بحران اقتصادی ژرف که با یک بحران سیاسی روی روبرو بوده است. این بحران که در اساس معلول تشدید تضادهای مبارزه طبقاتی است از یکسو بصورت دیگری بصورت انقلاب و مبارزات و از سوی دیگر بصورت درگیری‌ها و مبارزات درونی ضدانقلاب، بحران حکومتی و

بحران قدرت خود را نشان داده است. تمام شواهد نیز نشان می‌دهد که این بحران سیاسی نه بحرانی قانونی، که با تغییر و تحولات سطحی در چارچوب نظام قانونی و تغییر و تحولات در مهره‌های حکومتی فروکش کند و از میان برود، بلکه بحرانی انقلابیست که تغییر و تحولات ژرف را می‌طلبد، و با گذشت هر روز و تحت تاثیر مبارزه طبقاتی تشدید شده و باز هم خواهد شد. بقول لنین تفاوت این دو بحران یعنی بحران قانونی و انقلابی در اینست که "اولی بر اساس قانون اساسی مربوطه و اوضاع و احوال حکومتی مرتفع می‌گردد در حالی که دومی مستلزم از بین بردن این قوانین و بساط قانونی (سیگاری کشی) می‌باشد" (پلاتفرم سوسیال دمکراسی انقلابی). بنا بر این در انتخاب تاکتیک‌های این دوران، ما بایست امر توجه داریم که در یک دوران انقلابی قرار داریم، نه در یک دوران رکود سیاسی. روحیه اعتراضی و تعرضی برجسته توده‌های حاکم است. ضدانقلاب دچار درگیری‌ها و نشست‌های گوناگون است. از یکسو مبارزه میان ضدانقلاب غالب و منسوب و از سوی دیگر مبارزه و تضادهای حاد میان ضدانقلاب غالب. در همان حال هم اکنون بایست در نظر داشت که ضدانقلاب حاکم، در سیاست داخلی و خارجی خود دچار ورشکستگی شده و بیش از پیش در سطح توده‌های مردم در داخل و در سطح جهان ایزوله و منفرد است. علاوه بر این چشم‌انداز تحول اوضاع نیز که در اتخاذ تاکتیک‌های ما بایست حساب آورده شود و با توجه به این رهنمود لنینی که دوران انقلابی باید "بر پایه گرایش‌های اساسی تکامل تدریجی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی ارزیابی شود" (پلاتفرم سوسیال دمکراسی انقلابی) نه تنها هیچگونه دلیلی بر تخفیف بحران اقتصادی و سیاسی وجود ندارد، بلکه تشدید آنرا می‌بینیم. و با توجه به اینکه شکل عمده مبارزه توده‌ها نه مبارزه‌های قانونی بلکه انقلابیست و اشکال عالی‌ترین مبارزه را محتمل‌ترین می‌دانیم و احتمال وقوع یک قیام مجدد در پیش بینی می‌کنیم، بنا بر این در ارتباط با وظیفه تکمیل انقلاب تدارک قیام نه بصورت امری کلیسی بلکه بصورت امری فوری و عاجل در دستور کار قرار داد و در این رابطه سازماندهی جوخه‌های رزمی و عملیات رزمی - لایحه‌ای تدارک قیام محسوب می‌شود. برای این اساساً اقت موقت کنونی جنبش توده‌ای نیز بهیچوجه بمعنای رکود سیاسی یا نسبه طولانی و لزوم تجدید نظر و تغییر اساسی در تاکتیکها محسوب نمی‌شود. در این شرایط هرگونه سرکوب و هر شکست نیروهای انقلابی هر چه همراه با یک رکود موقت و حالت انفعال بسر بخشی از توده‌ها و یادریک مقطع باشد، باز هم نیروهای تازه‌تری را بر صحنه مبارزه خواهد گذاشت. ما بایست بر اساس محتمل‌ترین چشم‌انداز حرکت کنیم. کسانی که می‌کوشند بدون توجه به مجموع شرایط حاکم برجایش و بدون ترسیم چشم‌انداز تحول اوضاع از هر رکود و حالت انفعال موقت دلیل و توجیهی برای تجدید نظر در تاکتیک‌ها ارائه دهند، آگاهانه یا ناآگاهانه ضرباتی جدی با انقلاب وارد می‌آورند. در سال ۱۹۰۶ هنگامیکه یک رکود موقت همراه با یک سرکوب عریان گسیخته برجایش انقلابی روسیه حاکم شده بود، و مخالفین لنین از جمله

منشویکها خواستار تجدیدنظر در تاکتیک‌های بیرونی و نفی نظری یا عملی تدارک قیام بودند و می‌گوشیدند، این اقت موقت را بکل دوره مربوطه تعمیم دهند. لنین پاسخ می‌دهد: "او (ما را کسی) یک مسئله مشکل را بدون توسل به "حالت" افسردگی و خستگی حاکم در میان بخش خاصی از بیرونی‌ها (کازی که بعضی از سوسیال دمکرات‌ها می‌گویند) که بموضع دنباله‌روی افتاده‌اند، انجام می‌دهند. حل می‌کنند. ما دام که هیچ فاکت دیگری بجز این در برابر خود نداشته‌اند که "روحیه توده‌ها در حال فروکش است (در مارس ۱۸۵۰) او خواستار تسلیح و قیام بود." او و تمام زمانیکه معتقد بود یک دوران انقلابی وجود دارد، تا زمانی که معتقد نشده بود انقلاب با شکست قطعی روبرو شده است و ما دام که اشکال عالی‌ترین مبارزه انقلابی را احتساب تا پذیرا بهر حال محتمل‌ترین آن میدانست و احتمال وقوع یک قیام مجدد وجود داشت، از تدارک قیام، سازماندهی جوخه‌های رزمی و عملیات با رتیزانی سخن می‌گفت: "ما بایست کوششهای خود را برای سازماندهی و تسلیح جوخه‌های رزمی مسلح ده برابر کنیم. در آن صورت ما بایست هم چنین از طریق عملیات با رتیزانی رزمی برای قیام تدارک ببینیم" (انقلاب روسیه و وظایف بیرونی‌ها) و در جای دیگر ضمن خاطر نشان ساختن شرایط دشوار حاکم "حزب سوسیال دمکرات روسیه دوران - بسیار دشواری را می‌گذراند. حکومت نظامی، تیرباران و شکنجه، زندان‌های انباشته از جمعیت، قحطی و گرسنگی است که بیرونی‌ها را خسته و فرسوده کرده است. هر چه و مرج در تشکیلات و تشدید آن بنا نبودی بسیاری از امرا کز بر زمین می‌افتد و فقدان مرکز قانونی و بالآخره مجادله بر سر تاکتیکها. .... با بهم با توجه به چشم‌انداز تحول جنبش معتقد بود که نباید صرفاً "با این دلایل مسئله قیام را بکنار گذاشت. او ادامه می‌دهد که "ما حقیقتاً هیچگونه زمینه‌ای برای کنار گذاشتن مسئله قیام نداریم، ما بنا بر تدارک تاکتیک - های حزبمان تجدیدنظر کنیم که با شرایط لحظه کنونی ارتجاع وفق داده شود. اگر ما مسئله قیام را در این شرایط کنار بگذاریم، بگوئیم یعنی، تسلیم برده و به شرایط کنونی است" (وضعیت در روسیه و تاکتیک‌های حزب کارگران). و این سیاس خوبی است یکسانیکه از هر اقت موقت دلیل و توجیهی برای تجدیدنظر در تاکتیکها و نفی تدارک قیام می‌جویند.

بهر رو تدارک قیام مستلزم سازماندهی جوخه‌های رزمی و عملیات رزمی است. بدون عملیات رزمی و بدون آموزش - نظامی جوخه‌ها و عملیات با رتیزانی - صحبت از تدارک قیام ما سازماندهی جوخه‌های رزمی حرفی بچوب است. جوخه - های رزمی ما بایست آموزش و ورزیدگی خود را در جنبش عملیات نظامی کسب کنند. در اینجا ست که این سؤال مطرح می‌شود: با توجه به اینکه فقط احتمال یک قیام وجود دارد، و با توجه به اینکه محتمل‌ترین چشم‌انداز اشکال عالی‌ترین مبارزه است، چگونه عملیات نظامی انجام خواهد گرفت و هدف از انجام آنها چیست؟

خودویژگی شرایط پس از قیام، عدم شکست قطعی انقلاب، کشاکش انقلاب و ضدانقلاب، سبب شده است که ما در دوران پس از قیام علیرغم رکودهای موقتی در مبارزات توده‌ها شاهد خادترین درگیری - ها و برخوردهای مسلحانه، قیام‌های محلی، عملیات با رتیزانی، ترور و ...

بقیه در صفحه ۴

### سازماندهی جوخه‌های رزمی و عملیات رزمی

بقیه از صفحه ۳

باشیم، ابعاد این درگیریهای مسلحانه تا بدان حد است که میتوان با قاطعیت گفت در سراسر این دوران که هنوز نیز ادامه دارد یک جنگ داخلی تمام عیار از یکسویین انقلاب و عدالت و آزادی دیگر در درون اردوی ضدانقلاب ادامه داشته است.

سراسر گردستان تا با امروز همچنان عرصه درگیریهای مسلحانه، قیامها، عملیات غافلگیرانه، ترور و اشکال دیگر مبارزه قهرآمیز بوده است. و در آذربایجان غربی درگیریهای مسلحانه برآکنده هنوز ادامه دارد، در طی یک دوران نیز شاهد بروز قیامها و درگیریهای مسلحانه در تبریز، گرما نشاه، خرمزلی، گنبد، سیستان و بلوچستان، نزل، آستارا، لاهیجان، بابل، فارس و... بوده ایم. این مبارزات را "جنگ داخلی" نامیده اند. علاوه بر این در برخی مناطق صورت پراکنده عملیات مسلحانه از سوی توده‌های بی سازمان به مراکز سرکوب رژیم، ترور عناصر صنفی و مقامات دولتی و مصادره مالی صورت گرفته است. امروز نیز ترورها و بمب گذاریهای سراسری که میتوان گفت نام چنین ابعادی در نوع خود در تمام جهان کم سابقه است و نمیتوان آنها را صرفاً کاریکشت روشنفکر جدا از توده دانست به درگیریهای مسلحانه ابعادی تازه بخشیده است. آنچه گفته شد، همه و همه بیانگر این جنگ داخلی و خصوصیات دورانی است که بین دو نیروی قطععی در جریان است و این درگیریها و برخورد های مسلحانه امری کاملاً طبیعی و اجتناب ناپذیر است. لنین در پاسخ یکسانیکه خصوصیت یک چنین دورانی را درک نمیکردند می گفت: "با بد شرایط عینی مبارزه را در نظر گرفت و دانست که مراحل گذار میان قیامهای بزرگ دارای چه مشخصاتی هستند، باید درک کرد که در این شرایط کدام یک از اشکال مبارزه ضرورتاً بوجود می آید. نمیتوان و نباید با چند کلمه حفظ شده مانسند آثار شیم، تاریخ، تجا و زات و زیاده روی و کلمات، کلیاتی که ورد زبان گادنتها و کارکنان نشریه "نویه ویرتا" است خود را راضی کرد." (جنگ پارتیزانی) در چنین شرایطی ویرزمینه این جنگ داخلی، احزاب و سازمانهای انقلابی باید ضرورت تشکیل جوخه‌های رزمی و عملیات پارتیزانی را در جهت تدارک قیام بپذیرند.

برای حزب یا سازمانی که میخواهد جوخه‌های رزمی را برای قیام آینده، در فاصله دو قیام بزرگ آماده نماید، شرکت در اشکال مختلف جنگ داخلی از جمله عملیات پارتیزانی، از جهت تجربه و آموزش نظامی ضروری است. در این شرایط تشکیک، جوخه‌ها، رژیم، با هدف کوتاه مدت و بلندمدت نه تنها مجاز بلکه ضروریست.

هدف بلندمدت عملیات رزمی جوخه‌های رزمی، سازماندهی، آموزش و تربیت رهبران جنبش توده ای برای زمانی است که قیام صورت میگیرد. آنها باید بنحوی آموزش ببینند که بتوانند در شرایط قیام، توده‌های وسیع مردم را رهبری کنند و قیام را به عملیات غافلگیرانه و تهاجمی "راپیش برند" اما در یک دوران انقلابی، در دوران میانی

دوقیام بزرگ، در دورانی که یک جنگ داخلی در سطوح مختلف و با اشکال گوناگون در جریان است و هیچکدام از دو نیروی انقلاب و ضدانقلاب نتوانسته است بر دیگری سلطه قطعی یا بد عملیات رزمی جوخه‌های رزمی دارای اهداف فوری نیز میباید شد. هدف فوری عملیات رزمی عبارتست از مبارزه جدی علیه

باند های سیاه، درهم کوبیدن سازماندهی آنها، حمله به ارگانهای سرکوب، ترور انقلابی رهبران باند های سیاه و واخستین به خلق، مصادره های مالی، تامین سلاح و... لنین معقول بود و میگوید: "عملیات پارتیزانی و نیز خصلت و هدف آنها را در پلان تقویم تاکتیکی وحدت جنبش جمع بندی می کند. " عملیات پارتیزانی رزمی، باید با وظیفه آموزش رهبران توده های کارگردانای قیام و کسب تجربه در امر هدایت عملیات غافلگیرانه و تعرضی منطبق باشد. "

"اینکه برترین هدف فوری این عملیات تخریب ماشین حکومتی، پلیسی و نظامی و تامین زدن به یک مبارزه بی رحمانه علیه سازمانهای فعال باند های سیاه است که به قهر علیه مردم متوسل میشوند و آنها را مرعوب می سازند. " هدف فوری این عملیات بازگردیم می دادیم که در شرایطی که سطح مبارزه توده ها به مرحله ای رسیده باشد که دیگر ارگانهای منظم سرکوب، برای سرکوب توده ها کافی نیست، در چنین شرایطی مرتجعین به سازماندهی باند های سیاه تعیین گردند و از توده ها متوسل شوند و با استفاده از ترمز آو ورتترین و ددمنشانه ترین شیوه ها خلق را مرعوب سازند.

امروز در میهن ما ابعاد جنایات ایمن گروه های شبه فاشیستی تروریست موسوم به حزب الله بر کسی پوشیده نیست تمام تلاش آنها از همان آغاز شکل گیری شان این بوده است که جلومبارزات توده ها را سد کنند، با چاقو، سنگ و... به راهیما بیها و اجتماعات مردم حمله کرده اند، اعتمادات کارگری را با قهر درهم شکسته اند، به دفاع سازمانها و گروه های سیاسی یورش برده اند. در موارد بسیار می با جا قووسلاح گرم مردم را مورد حمله قرار داده اند، انقلابیون را ترور کردند، به درون راهیما شیها و گرد هم آشیها نارنجک و بمب پرتساب کردند. این باندها که با حکومت پیوند نزدیکی دارند و تقویم و غیر مستقیم از طریق سرمایه داران و امیرالایستها حمایت و تامین مالی میشوند خود را مقید به هیچ قانونی نمیدانند و مقدودیت های بوروکراتیک حکومت و راضی پذیرند. آنها در همه جا به قهر علیه توده ها متوسل شده و کوشیده اند توده ها را مرعوب سازند. در چنین شرایطی یکی از وظایف جوخه های رزمی و عملیات - مسلحانه آنها، ضربه زدن به باندهای سیاه، ترور رهبران آنها و متلاشی کردن سازماندهی آنهاست. از سوی دیگر مقابله با ارگانهای سرکوب مورد نفرت توده ها که در هر حالت عصاب، راهیما می جمع کرده ها رودر روی آنها قرار می گیرند و قهر علیه خلق متوسل میشوند و ضربه زدن به آنها در جهت بی سازمان نمودن این ارگانها یکی دیگر از وظایف و اهداف فوری جوخه های رزمی است. هدف از ضربه وارد آوردن به

باند های سیاه و ارگانهای سرکوب بی سازمان کردن نیروهای دشمن و هموار کردن راه برای گسترش اشکال گوناگون مبارزه توده ها در لحظه کنونی و اشکال مبارزه مسلحانه توده ای در آینده است. لنین ضرورت عملیات پارتیزانی را در جهت این اهداف چنین توضیح میدهد: "سلطت وجود دو نیروی مسلح متخاصم که رودر روی یکدیگر قرار گرفته و هنگامیکه سرکوب موقتاً پیروز مند نظامی حاکم است، این عملیات پارتیزانی در خدمت بی سازمان کردن نیروهای دشمن قرار دارد و راه را برای عملیات مسلحانه توده ای و آشکارا توده هموار می کند." علاوه بر این عملیات پارتیزانی در - چنین شرایطی ترور انقلابی خائنین به خلق و عناصر صنفی را که منطبق با روحیات و خلقیات توده ها با شد در بر می گیرد. در شرایط کنونی ترور انقلابی نیز با در نظر گرفتن جوانب مختلف مسئله امری مجاز شمرده می شود. تدارک قیام همچنین شامل تدارک مالی و تسلیحاتی نیز میشود، بنا بر این یکی دیگر از وظایف جوخه های رزمی و عملیات آنها در زمینه مصادره های مالی و - تسلیحاتی است. اما با دیدن نظر داشت که تمام این عملیات رزمی باید تحت نظارت و کنترل سازمانهای انقلابی باشد تا منطبق با اهداف تعیین شده و سطح مبارزات توده ها و خلقیات و روحیات توده ها باشد. تا اولاً بقسول لنین وضعیت جنبش طبقه کارگر روحانیت توده های وسیع این منطقه معین در نظر گرفته شود " (پلان تقویم تاکتیکی کنگره وحدت اوئانیا "دقت شود تا آنجا که ممکن است این عملیات هیچگونه آسیبی به توده ها وارد دنیا ورد، هدفها درست تعیین گردند و از زیاده رویها که نمیتواند یک تاکتیک درست را با مری زبان آور و تبدیل کنند، اجتناب شود.

واحدهای رزمی سازمان، واحدهای رزمی وابسته به سازمان، واحدهای رزمی هواداران) تشکیل می گردند. این واحدها وظیفه دارند که تا در نظامی را مطالعه کنند، با سلاحهای مختلف آشنائی پیدا کنند، آموزش خود را در جنب عملیات نظامی فرا می گیرند و در پیش نشریات سازمانی و کسب اطلاعات فعالانه شرکت کنند. منظور تسهیل فعالیت جوخه های رزمی مقتضی است که در یک محل تشکیل شوند تا افراد عضو جوخه بتوانند فعالتر با یکدیگر در ارتباط قرار گیرند. در سازماندهی جوخه های رزمی بویژه باید بر سازماندهی جوخه های رزمی کارگران تاکید کرد. زیرا این جوخه ها بهنگام قیام بیش از همه قادرند، توده های وسیع را رهبری کنند. جوخه های رزمی بویژه جوخه های رزمی هواداران باید انتظار هیچگونه توقعی از سازمان داشته باشند و باید بخود متکی و خودکفا باشند.

این بود مختصری پیرامون ضرورت سازماندهی جوخه های رزمی و عملیات نظامی آنها، اما در سطح جنبش ایمن ضرورت توسط پارهای افراد و گروهها درک نمی شود. آنها بدون در نظر گرفتن شرایط تاریخی کنونی و دورانی که ما در آن بسر می بریم بدون توجه به جنگ داخلی که هم اکنون بر میهن ما حاکم است، بدون در نظر گرفتن درگیریهای مسلحانه در سراسر این دوران و اساساً بدون درک تدارک قیام، عملیات رزمی را در می کنند و از آنرا شیم و بلانکیسم دم میزنند. این آئین پردازان تصور



### هموطنان مبارز بقیه از صفحه ۱

می‌شد و این شیوه بمعنوم زیربانی نهادن حقوق اولیه انسانها محسوب می‌شود. اگر رژیم شاه برای انتقال مجوسی از سازمانهای انقلابی و ایجاد رعب و وحشت در محیط زندان تنها یک مورد دست به کشتار رفریق بیژن جزئی و همزمانش زدا ما این امر برای رژیم جمهوری اسلامی به شیوه‌ای متداول بدل گشته است چرا که گویا رسالت ادامه جنایات شاه را بعهده گرفته است و با اینگونه ترفندها سعی دارد از سوئی هرگونه اعتراض را در زندانها خفه سازد و از سوی دیگر سازمانهای انقلابی در آزادی اعدامهای انقلابی انتقام مجوسی کنند. رفتار زندانیان یعنی همان اوپاش کمیته‌ها از قبیل ما تا الله قصاب - ها، تار و خسته است که با دسپاهال - های قرون وسطایی را در ظاهرها زنده می‌سازد.

زندانی در نظر آنان حکم برده‌ای را دارد که باید وضع بد زندانها، نبیند و بهداشت و درمان و غذای کافی نبیند و ملاقات را تحمل کند و دم فرو بندد و به هر شرایطی تمکین کند و گرنه هرگونه اعتراضی با مشت و لگد و شلاق و با لاشه با گلوله پاسخ داده می‌شود. نگاه برای زندانیان مبارز را بر زندانها شک تمساح میریزند و با اصطلاح خوارانان دفساع میکنند تا افکار عمومی جهان را بغیر بیند. این جنایات و رفتارها همچو رسا زندانیان تا بد تا جایی رفته که حیرت ما موران شهربانی و مسئولینی را که در زمان شاه تصدی زندانها را داشته‌اند برانگیخته است بطوریکه بین لاجوردی و مسئول زندان قزلحصار (که بدست شهربانی اداره میشود) برخوردی روی - داده است اینک لاجوردی روی زندانیان زمان شاه را سفید کرده است بعلوه دست جانیان هیتلری و صهیونیست را در قسارت و جنایت از پشت بسته است در - چنین شرایطی وظیفه همه نیروهای مترقی و انقلابی است که بدفاع از جان زندانیان سیاسی و بدفاع از حقوق حقه این مبارزین در بند برخیزند. جان فرزندان انقلابی خلق که در دست رژیم جمهوری اسلامی اسپرند در خطر جدی قرار دارد. با مبارزه یکبارچه خود به دفاع از حقوق زندانیان سیاسی برخیزیم.

### بازداشت خانواده شهدا بقیه از صفحه ۱

در هفته گذشته ما در شهید بیژن جزئی درجائیکه بسیار بودیدست عمال رژیم جمهوری اسلامی روانه زندان شدند - حدودیکه پیش خواه این شهید نیز دستگیر گردیدیم چنین پیش از یکماه پیش ما در خواهر و برادر و پدربزرگهای شهیدمان پنجه‌شاهی‌ها دستگیر و زندانی شدند. ما در این شهدا درجائیکه مبتلا به تب مالت بودا ز در دشدید مفاصل رنج میبرد دستگیر و همچنان در زندان است. این جنایات که در رژیم شاه نیز سابقه داشته است خشم و نفرت مردم و زحمتکش میهنمان را برانگیخته است و دیگری نخواهد با شید که خلق زرمنده ایران - پاسخ دندان شکنی به این جنایات خواهد داد.

## پالایشگاه اصفهان

در اذمه دستگیری نمایندگان شوراهای کارگری، هفته گذشته نمایندگان پالایشگاه اصفهان نیز دستگیر شدند. رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی بدنبال موج سرکوب و پورش خود به شوراها و کنسرتی تناسا کنون تعداد زیادی از نمایندگان شورا - های مختلف صنعت نفت را به سباهالهای اسلامی خوار تاخته است. نمایندگان جنگزدگان صنعت نفت آبادان و خونین - شهر اولین نمایندگان بودند که بخاطر دفاع از منافع جنگزدگان توسط عمال جمهوری اسلامی دستگیر شدند و به دنبال آن دستگیری های متعددی صورت گرفت. آخرین مورد دستگیری در صنعت نفت، بازداشت چندتن نمایندگان شورای پالایشگاه اصفهان است که به منظور درهم شکستن مقاومت کارگران، تقویت انجمن های اسلامی، زهم پاشیدن شوراها، ایجاد محیط رعب و وحشت صورت می‌گیرد و اینها همه که بر سر مردم خصوصاً رژیم است که خود را لبه پرتگاه می‌بیند

## جنبش کارگری



و کارگران و زحمتکشان را دشمن شماره یک خود میدانند. از اینرو شکل های آنان را مورد هجوم و خشیانه قرار داده و نمایندگان شوراها را به زندان می‌اندازد. و این اقدامات خودکینه و نفرت کارگران را از جمهوری اسلامی صندچندان کرده است.

برای اعتراض به دستگیری نمایندگان شورا جمع آوری شده بود بی جواب مانده است و آیت الهی نماینده نخست وزیر در صنعت نفت زمانیکه از سوی کارگران مورد سؤال قرار گرفت که "چرا ساواکیها و کودتاچیان آزادانه میگردند و لوسی نمایندگان شوراها را کارگری دستگیر میشوند؟" خستگی و روزه بودن را بهانه قرار داد و از جمع کارگران دور شد. تنها اطلاعی که از دستگیرشدگان در دست است حاکی از آن است که یکی از آنها بعلت فشارهای بیش از حد اکنون در بیمارستان روانی امین آباد بسر میبرد.

## پالایشگاه تهران

از دستگیری نمایندگان شوراهای پالایشگاه تهران مدت یکماه و نیم میگذرد ولی هنوز از وضعیت آنها اطلاع دقیقی در دست نیست. مدیریت پالایشگاه از وضع آنها اظهار بی اطلاعی میکنند و مسئولیت آنچه را برای دستگیرشدگان پیش آید مطلقاً "بر عهده نمی‌گیرد. اما" - های که چندی پیش در کنترل ۲ جنوبی

## شرکت واحد

انجمن اسلامی شرکت واحد که اکنون توسط افراد فرصت طلب اداره می‌شود، افرادی که تا دیروز جیره خوار رژیم شاه بودند و امروز در غالب اعضای قفسال انجمن اسلامی به اقدامات ضد کارگری خود ادامه میدهند. همکارها را در دست گرفته اما با تمام تلاش خود قادر نیستند به کارها سر و سامان داده و شیرازه از هم گسیخته شرکت را جمع و جور کنند. شرایط نامساعد اقتصادی و سیاسی تا شیرخو را بر محیط کار بیخوبی نشان داده است. کم کاری و بی علاقه‌گی و بی اعتمادی به کار بصورت آشکاری نمایان است. دستگیری نمایندگان شورای مرکب سازی به خاطر اوضاع افزوده و خشم و نفرت کارگران را دامن زده است. از سوی دیگر اشکالات فنی، نداشتن لوازم و قطعات و ناتوانی مدیریت با لاجسار مکتبی شده شرکت مزید بر علت شده و

راندمان کار را فوق العاده با شین آورده است. تقریباً "نیمی از اتوبوس - های شرکت آمادگی لازم برای کار ندارند. در آمدشکرت از ۲۲ میلیمون تومان در ماه کمتر شده و به همین دلیل در ماه گذشته حق بهره‌وری (کارانه) به کارگران پرداخت نشده است. سیاستمداران در ماه رژیم جمهوری برای جبران این خسارات و مقابله با تارما شیهه تعدادی از دانشجویان و فارغ التحصیلان عضو انجمن اسلامی خارج از کشور را استخدام و بقسمت های مختلف شرکت فرستاده‌اند تا جای خالی رؤسای قبیر مکتبی را بپر کنند. تعداد ۸ نفر از اعضای بسیج نیز بعنوان راننده و کارگر فنی برای شناسائی کارگران مبارز و جاسوسی به استخدام شرکت واحد درآمده و در قسمتهای مختلف تقسیم شده‌اند. اما علیرغم این تلاشهای مذبحانه کارگران مبارزات خود را در اشکال متنوع ادامه داده و به اشکال گوناگون حمایت خود را از نمایندگان دستگیر شده خود اعلام میکنند. اقدام دستجمعی آنها برای ملاقات با نمایندگان زندانی خود گوشه‌ای از استقبال و علاقه آنها به نمایندگان شورا است.

### درستایش انقلابی

#### برتولت برشت

هنکا می که نوبت سرکوب و خفقان می شود بسیار دل به یاس می سیارند او، ولی، دلیریاش دو چندان می شود. سازمان می دهد مبارزه اش را برای هزد، برای استراحت بین کار برای مسئله قدرت دولت می پرسد از ما لکیت: "از کجا آمده ای؟" می پرسد از عقاید:

### آزادیهای دموکراتیک و پرولتاریا

بقیه از صفحه ۷

(لنین - امپریالیسم و شکاف در سوسیالیسم - تا کنون زمان است) انگلس میگوید "زحمتکش انکلیس عملاً" و روز بروز خط های بورژوازی پیدا می کنند، به نحوی که بنظر می رسد اکثر این بورژواها در میان غالب ملل به نوعی اریستوکراسی بورژوازی رسیده و یک پرولتاریای بورژوا در کنار بورژوازی بوجود آمده، البته برای ملتی که دنیا را غارت می کند، این گرایشها تا حد مشخصی قابل توجیه است (انگلس تا به خطاب به ما رکن به تاریخ ۱۷ اکتبر ۱۸۵۸) انگلس در نامه های متعددی - وهم چنین در مقدمه چاپ دوم کتاب وضعیت طبقه کارگر انگلس - این مطلب مورد بررسی قرار می دهد و لنین در مورد سخنان وی تصریح دارد که با وجودیکه "ما رکن و انگلس هیچ یک دوره امپریالیستی جهان سرمایه داری را که از ۱۸۹۸ تا ۱۹۰۰ آغاز گردیدند هدیسه اند، لیکن این ویژگی انگلستان بود که حتی در نیمه قرن نوزدهم جدا قل دو جنبه "کاملاً" مشخص امپریالیسم را آشکار نمود (امپریالیسم و شکاف در سوسیالیسم - لنین) اما بهر رو آنچنان که امپریالیسم که خود "سرمایه داری و رویه زوال" سرمایه داری - انکل و فاسد شونده است رویه مرگ می رود دیگر قادر نیست تطبیق کارگران زور شوه به آنها برآورد تا منین نمایانیش از پیش به شکل دهی اشرافیت کارگری و اتکاء به آن روی می ورد. لنین میگوید "انحصار از طریق سرمایه های مالی جدید، بطور سرخستی با رقابت و پروروست، دوره جنگها می امپریالیستی قرار رسیده اما در آن دوران رشوه دادن و رشه فساد کشیدن طبقه کارگر یک کشور امکان - پذیر بود امروزه این امر اگر غیر ممکن نباشد بسیار مشکل است. ولی از طرف دیگر هر قدرت "کنیر" امپریالیستی به قدری که کوچکتری از "ریستوکراسی کارگری" رشوه میدهد... اکنون تشکیل یک "حزب بورژوا کارگری" در تمام کشورهای امپریالیستی اجتناب ناپذیر است. (لنین - هما نجا فقط تا کنون اول و دوم زمان است) در چنین شرایطی است که حزب بورژوا کارگری و یا احزاب سوسیالیست، اریستوکراسی کشورهای امپریالیستی شکل می گیرند و در این سازمانهای کارگری قرار گرفته، کارگران را از مبارزات انقلابی منصرف می نمایند و بورژوازی امپریالیستی قادر است در عین اینکه رشوه خواری عده قلیله در سطحها یا بالا مکان پذیر می

"بده کسان سود می رساند؟" - هر کجا سکوت فرما تراوش می کند او سخن می گوید و هر کجا سخن کم است مردم به بخت و سر - نوشت می اندیشند او بر می آید، آنجا که بر سر میز می نشیند غذا به می شود و فضای تنگ اتاق را انسان می بیند. هر کجا که او را برانند آشوب به دنبالش می آید، او از هر کجا که او را برانند او را برانند با زهم بی نظمی به جای خود می ماند.

سازد، بطور دائم، توده های زحمتکش و نیمه زحمتکش را سرکوب، متلاشی، تا بود شکنجه نماید (لنین همانجا) بهر رو با سوجدویسی از زحمتکش اشرافیت کارگری که در حقیقت از منافع سرمایه داران حمایت می کنند و همچنین با استفادها وجود احزاب اپوزیو نیست (که رشوداران در این کشورها خود بریا به وجود داشته ر بودن اشرافیت کارگری) است که کارگران کشورهای امپریالیستی از مبارزه انقلابی جهت سرنگونی سرمایه داری منصرف گردانیده می شوند، مبارزه طبقاتی تعدیل میگردد و بدین طریق امپریالیسم مکان میزاید تا با وجود روبنای دموکراسی بورژوازی به بقای خود ادا می دهد. "لنین خطاب به "حضرات کارگوش" میگوید "نکته اینجا است که در حال حاضر، شما در کشورها امپریالیست اروپائی اپوزیونیستها را که... خدمت گذار و عامل سرمایه داران و هرمنفوذانان هستند، تملق میگویند و تا زمانی که نهضت کارگری خود را از شر آنها خلاص نکنید، بصورت یک تهمت کارگری - بورژوازی باقی خواهد ماند" (لنین - همانجا، تا کنون زمان است) باید در نظر داشت که برسترا این شرایط و این زمینه مسا عدانتهارات شیوه های متنوع و گسترده تحمیل و تبلیغات بورژوازی را نیز بکار می گیرند، هر گاه به اخصارجهان و وسایل ارتباط جمعی چون نشریات تارادیو تلویزیون، سینما و... در دست امپریالیسم توجه کنیم، اهمیت این گونه تبلیغات جهت حفظ سلطه امپریالیسم پیش از پیش روشن میگردد. بهر حال امپریالیسم با بکارگیری تمام وسایل و شیوه های ممکن میگوید که نظام مطلوب انحصارات را در شرایط حفظ روبنای دموکراسی بورژوازی یعنی دیکتاتورزی پوشیده ادا می دهد. نکته ای که باید در نظر داشت اینست که تمام این شیوه ها فقط تا زمانی بکار گرفته می شود که بتوانند محیط مناسب برای بقای سلطه انحصارات را تا مین کنند. ولی در هر کجا که بورژوازی خود و نظم موجود را در خطر بیند، سرکوب مستقیم و غیرین را بکار می گیرد، نمونه های بین مساله را بشکسل گسترده ای در تمام کشورهای امپریالیستی شاهدیم. ترورسیاها، تنها جمو حشیا ننه پلیس به تظاهرات دانشجویان و نیروهای مترقی، وجود گروههای سرکوب و باندهای سیاه پوشکلیتی چون کولکوس گلان، سر کوب زحمتکش شهر یورنگین پوسستان و... همگی شاهدی برایین مدعا است: "ترور دیکتاتورزی بورژوازی بر دمکراتیک ترین جمهوریهها مسلط است و هر گاه ناستها بر آن گمان کنند که قدرت سرمایه به بلرزه در آمده است آشکارا به نمایش گذاشته می شود" (لنین ترزا و گزارش مربوط به دموکراسی بورژوازی و دیکتاتورزی پرولتاریا) ادا می آید.

### اطلاعیه امور مالی سازمان

در شرایط حساس و بحرانی کنونی سازمان جهت پیشبرد وظایف انقلابی درقبال کارگران و زحمتکش و پاسخگوش به خواسته های مردم جنبش پیش از پیش نیاز مبرم به کمکهای مالی شما داران و هر طریق که می توانید کمکهای مالی خود را همراه با کد مربوط به دست سازمان برسانید.

امور مالی سازمان

۲۱۲۰	ب	رفقای بیروورد	الف	۳۴۵۶
۱۲۶۶۵	ب	۵۰۰۵	۵۵۵	۵۱۲
۲۲۰۴۴	ه	۱۰۰۵	۵۱۱	۱۲۳۳
ع - ش توماج -		۱۰۰۵۲	۱۱۱۱	
اما شت شمار سید		۱۰۰۰	۱۲۴۵	
رفقای مهران		۱۰۰۰	۵۰۰	
۵۱۱۱	ب	نیسا	۵۰۱۹	
۱۰۲۶۱	ق	۱۰۲۲	۲۵۷۷۷	
۲۱۱۲	ق	رفیق کارگر -	۹۲۱	
۵۱۵۹	ک	۱۰۵۵	۹۲۲	
۱۸۰۰	ش	۲۰۰۱	۳۲۱۱	
۲۱۰۰	م	۱۰۳۲	۱۹۹۹	
۱۰۱۰۲	م	رفیق مادر ۱۰۰۰	۳۰۰۰	
۱۱۲۳	ط	۳۰۵۵		
۷۱۱	م	۱۶۲۱	۲۱۱۱	
۲۰۰۰	د	۱۶۲۲	۵۹۸	
	ن	۲۲۴۱		
رفقای ما شهر	ک	۱۴۸۱		
۳۰۲۳	س	تویجا شتری -	۱۱۱۱	
۵۰۱	م	۲۵۰۰	۶۵۰۲	
۵۰۲	م	۱۲۰۰	۵۵۰۲	
۱۰۰۵	ع	۲۱۰۰		
۲۰۰۲	ف	نیسا	۵۲۲	
۵۱۰۰	ق	۱۷۰۰	۵۲۵	
۳۱۱۱	ک	۱۰۱۰	۲۴۸۲	
بدون کد ۱۱۱۳		رخا	۱۰۰۲	
رفقای خورشان		۱۱۱۱	۸۱۹	
رفقای یغولاد شهر		تویج	۱۰۵۵	
۸۶۲۲	ب	۱۰۱۱۵	۱۰۵۵	
امتحان ماه	ع	۷۲۱۶	۱۰۵۵	
مسجد سلیمان	ک	۱۰۰۰	۵۶۶	
زیبا ۱۰۰۰	همایین	۱۰۰۰	۱۱۲۰	
ع سرباز ۱۱۵	بهم ۱۲۴ اکوین	۱۶۱۲	۱۶۶۶	
رفیق کارمند	بنزین	۱۰۱۵۲	۵۲۸	
۲۰۰۰	رفیق میوه فروش	ه	۲۱۲۳	
۱۱۱۳	کوبین بنزین	۵۴۵		
رفقای جنگ زده	رفیق ۱۵۱ سانت	۱۰۲۳۶	۱۵۰۰	
شیراز	رسید	۱۰۴۲۵		
سام	رفقای نهانند	۱۲۱۷	۵۹۹	
کوال	رفیق سرباز ۵۰۰	۲۵۰۹	۱۰۰۰	
خوستانی ۳۴۲۲	نامر ۱۵۰۰	۱۵۰۵		
ع - خ	م	۸۲۲		
۱۳	ک	۱۵۰۰		
بنزین	رفقای شهر کد	۳۳۳۳		
۲۰۰۷	رفیق آرا زکون	۱۰۰۱		
پیشگاه سربندر	ژلیط	۱۱۱۱		
۴۵۰۰	چادارو	۱۱۱۱		
۵۰۰۰ و	رفقای فرانسه	سودابه		
۵۶۴۴	ف	۸۷۲		
۲۱۱۱	د	۱۳۳۳		
۳۰۱۱/۵	سامان	۵۵۵۵		
۲۰۰۰	ف	۱۰۰۰		
۱۰۲۲	ک	۵۰۰		
۱۳۳۴	ب	۱۵۰۰		
آلبوم تمیز لنین	رفقای یه رود	۲۱۴۱		
رفقای مسجد سلیمان	ع	۲۲۰۰		
۳۰۰۰	الف	۶۱۱۲		
رفقای سرباز	ل	۲۴۲۲		
۲۳۰۰	الف	۲۱۱۱		
رفقای خیاب ۷۰۰۰	لطیف	۱۱۰۰		
۱۰۱۱۱	ت	۱۱۰۰		
۱۰۳۳۳	سودابه	۲۱۰۱		
۲۵۱۶۰	رفیق بلغمه ۵۰	۵۵۵۵		
۱۲۱۱	سحر	۳۰۰۰		
۵۳۵۰	د	۱۰۱۱		
۳۰۲۰	ع	۱۵۵۵		
۶۰۰	م	۲۱۱۱		
۳۳۲۲	س	۳۳۲۲		
دانش آموزان	رفیق ماموق ۲۰۰۰	۲۲۰۰		
پیشگاه ۱۸۰۰۰ ریال	رفیق مادر الف	۵۵۵۵		
۵۴۴۲	ب	۲۲۲۲		

## حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست



# آزادیهای دموکراتیک و پرولتاریا (۲)

# دموکراسی و دیکتاتوری

مرحله رقابت آزاد وجه عمده مبارزه شان در این زمان عدم رشد، تشکل و آگاهیهی کارکنان پرولتاریا و نوبت اجازه این شکل از حکومت را به دولت های پرولتاریائی میداد.

اما "رقابت به انحصار مبدل می شود" از بطن رقابت آزاد انحصارات سربرآیند. در نتیجه حرکت "آزاد" سرما به در خارج از حیطه کنترل و عمل انحصارات نه تنها لزوم خود را از دست داد بلکه انحصارات بشدت با آن به مقابله برخاستند. این دیگر به هیچ وجه آن رقابت آزاد سابق کارفرم - ما بیان پراکنده و از یکدیگر بی خبر نیست که برای فروش در بازار ما معلومی کالا - تولید می کردند... "رقابت آزاد که بطور ظاهری مورد قبول است در همان حدود - عمومی خود باقی می ماند و ستمگری معدوم می ماند. انحصارات بر باقی ها لای صدمه بارش قوی تر، محسوس تر و توان فرسای تر می گردد... آنچه که اکنون با آن روبرو هستیم دیگر مبارزه رقابت آمیز بین کارهای کوچک و بزرگ و یا از لحاظ تکنیکی عقب مانده و مترقی نیست، بلکه عبارات است از اختناق آن بینکارهایی که تابع انحصار و فشار و فتنه ای انحصار نیستند، بتوسط ما حیوان انحصارات (امپریالیسم به مثابه... لنین) بهمراه سربر آوردن - انحصارات دیگر ضرورت وجودی بسیار لنین بعنوان روبنای سیاسی در چنین جوامعی از نقطه نظر پرولتاریائی منتفی است. - پرولتاریائی دیگر نیازی به لنین نیست که در حقیقت تا مین گذشته شرایط مناسبی برای رقابت آزاد سرما به داران بوده، در خود نمی آید. روبنای سیاسی، اقتصاد نوین روبنای سیاسی سرما به داران انحصاری (امپریالیسم سرما به داران انحصاری) چرخشی است از دموکراسی بسوی ارتجاع سیاسی. رقابت آزاد دموکراسی تطابق دارد. ارتجاع سیاسی مطابق با انحصارات... هم در سیاست داخلی و هم در سیاست خارجی امپریالیسم تمایل به نقض دموکراسی و برقراری استبداد ارتجاع دارد، به این معنی امپریالیسم بطور غیر قابل انکار "نفی" دموکراسی بطور عام هر نوع دموکراسی است. (لنین - کاریکاتور از مارکسیسم...)

در شرایط حاکمیت انحصارات چرخشی چه در سیاست داخلی و چه در سیاست خارجی بسوی ارتجاع سیاسی پدید می آید. امپریالیسم بطور کلی نا فدی دموکراسی است (لنین - پاسخ به - کیوسکی... امیر - یا لنین) تمایل به نابودی تمامی آزادیها و حقوق دموکراتیک، لغو تمامی آزادیهای سیاسی و برقراری ارتجاعی به داران است. در شکل دادن این خواسته خود با مانع روبرو است. بهمراه تحول پرولتاریائی پرولتاریا نیز تحول و تکامل بسیار یافته است. دیگر در مقابل پرولتاریائی کارگزارانی متشکل و منسجم قرار دارند که در پروسه ای طولانی برای شرمناک زارت آید دیده گشته اند. کسار اجتماع در اینجا دوسمی شکل گرفته است دیگر تشکل پرولتاریائی نیز بر اثر "یکپارگی" و یکپارچگی پرولتاریائی بلکه بشکلی مستقل و بعنوان یک طبقه ایجاد گشته است. کارگران که در مقطع انقلابات پرولتاریائی و ابتدای

مبارزه با دشمن خود یعنی سرما به داران بلکه با دشمنان و زمینداران قرار داشت. اینک دیگر مستقیماً "رودر بوی پرولتاریائی قرار دارند. در چنین شرایطی مسلم است که طبقه کارگر اجازه نخواهد داد تا پرولتاریائی به پایمال نمودن آزادیها و دستاوردهای آن در طول سالین با شرمناک زارت پیگیر گسترش یافته و تشبیه شده است بپر دزد آزادی های سیاسی، حق تشکلی اتحادیه ها و اجتماعات، آزادی پرولتاریائی مطبوعات و تمامی دیگر آزادیهای پرولتاریائی. چرخشی های پرولتاریائی جهت مبارزه با پرولتاریائی اند و مسلم است که هرگاه پرولتاریائی به پایمال کردن آن بپردازد کارگران - مبارزات خود را تشدید خواهند نمود. در - چنین شرایطی است که چرخش امپریالیسم بسوی ارتجاع سیاسی در کشورهای امپریالیستی با مقابله و مقاومت روبرو می گردد. امپریالیسم مجبور می شود بقا یسطه خود را در این جوامع حفظ نماید. پرولتاریائی آزادی را به دهد. اما باید دید - امپریالیسم - که بطور کلی نا فدی دموکراسی است - چگونه میتواند در این تضاد، تضاد انحصارات با روبنای دموکراسی پرولتاریائی فایده ای بیابد. باید دقت کرد این تا فایده ای امپریالیسم که "ارتجاع سیاسی همه جا نه فساد، رشوه خوری در سطوح وسیع و انواع - خیانت" است (امپریالیسم و شکاف در - سوسیالیسم - لنین) - تا کنیزما است (نیست بلکه این سطح مبارزه طبقه ای ورشد تشکل و آگاهی و مبارزه پرولتاریائی در این جوامع است که بقا یسطه دموکراسی پرولتاریائی در شکل حکومت، راست می گردد. زمینه عینی فرم در این کشورها را در کشور های وابسته شکل میدهد. انحصارات بر اثر غارت و چپاول و حشیا نه خلقهای کشورهای وابسته و اعمال استعمار شدیدی کارکنان این جوامع به ارزش اضافی کلان دست می یابند. بهمین علت نیز فاقد در دستم کوچکی از این ارزش اضافی را به تطفیل کارگران کشورهای خود اختصاص دهند. آنها از سویی با بنکارگیری این سهم کوچک با با لاسردن سطح رفاه اجتماعی در کشورهای متروپول مختصر کرده ای بر رویان آزادی کارگران کشورهای خود می اندازد و آزادی دیگر قشری را شرافت کارگری را (بسیار وسیع تر از کشورهای وابسته) در طبقه کارگر شکل میدهد که نقش ستون پنجم پرولتاریائی را در بین کارگران ایفا می کند. و بدین وسیله زمینه مساعدی جهت تعدیل مبارزات طبقه کارگر و همچنین به انحراف کشاندن آن و ادامه نظم مورد نظرشان بوجود می آورند. بقول لنین "انحصار، سودهای کلان به همراه دارد و فاسد سودی به مراتب بیشتر و بالاتر از سود سرما به داران جهان عادی و طبیعی است. سرما به داران می توانند قسمتی از سودهای سرشار خود را - برای رشوه دادن به کارگران اختصاص دهند تا از این طریق اتحادی... بین کارگران یک ملت مشخص و سرما به داران آن علیه دیگر کشورها بوجود آورند. -

بقیه در صفحه ۱۴

بورژوازی سیادت طبقه ای خود را به اشکال مختلف اعمال میکنند. بورژوازی به شیوه های گوناگون سعی در برقراری نظم مطلوب خویش دارد. با وجودیکه این شیوه ها تماماً "در نهایت خود همان اعمال دیکتاتوری طبقه سرما به داران است اما مسلماً است که چگونگی و شکل ستمگری اعمال شده از سوی پرولتاریائی همواره - برای پرولتاریائی مسالمت طلب توجه است. زیرا "ن شکل از مبارزه طبقه ای و ستمگری طبقه ای که در آن منتهی است، از آنجا که شکار است برای پرولتاریائی در مبارزه برای محو طبقات بطور عام، تسهیلات - عظیمی را فراهم می نماید" (دولت و انقلاب لنین، تاکید از ما است)

مناسبات سرما به داری در بطور مناسبات فئودالی شکل گرفت و با سده گیری حاکمیت سیاسی توسط پرولتاریائی، قدرت سیاسی و ثا لوده مناسبات فئودالی - بعنوان مناسبات غالب جامعه - درهم شکسته شد. در او ان پیدایش سیستم سرمایه داری رخ داد. در آنجا که سرمایه داری داشته شد چندان نی کرده بود. کارهنوز شکل اجتماعی خود را بدستی نیافته بود. زنجیره های بهم پیوسته تولید سرما به داری شکل نگرفته بود تا میلیونها کارگر در صنایع و کارخانجات مختلف بیکدیگر پیوسته بودند، در عین حال هنوز کارخانجات عظیم با چندین هزار کارگر وجود نیافته بود. کارمفهوم اجتماعی خود را در اشکال ابتدائی چون کارگاههای چند نفره و کارخانهای کوچک بیاففت. از سوی دیگر مالکیت خصوصی بر ابزار تولید نیز اشکال ابتدائی خود را داشت. سرما به داران از طیف وسیعی از صاحبان کارخانجات و کارگاهها، تجار، ربا خواران و... تشکیل میشدند. هنوز تفاوتی در سرمایه به داران بین شکل اجتماعی کار و مالکیت خصوصی بر ابزار تولید اشکال ابتدائی خود را داشت. بهمین علت نیز رقابت آزاد متضمن رشد و تکامل سرما به داری بود. بهمین خاطر "رقابت آزاد دوسالمان اجتماع و سیاسی متناسب با آن همراه تسلط اقتصادی و سیاسی طبقه پرولتاریائی جانشین آنها شد. (ما نیفت)

سرما به داران در رقابت آزاد روبنای را می طلبند در عین خود کردن سلطنت مطلق بعنوان روبنای حافظ منافع اشرف و زمینداران، بتوانند رقابت آزاد سرما به داران را نیز بر اجتناب ممکن و میسر سازد. بقول لنین "رقابت آزاد دموکراسی تطابق دارد" (کاریکاتور از مارکسیسم و درباره "اکوئومیسما امپریالیستی" - لنین). این روبنای مناسبات آزادی حرکت سرما به داران که روجوه متفاوتی چون آزادی عقد قرارداد، آزادی حرفه و پیشه، آزادی تجارت آزادی حرکت نیروی کار در شکل آزادی مسافرت و انتخاب محل سکونت (جلوه گر می شد تا مین نماید. لنین) بعنوان روستا خت سیاسی - اجتماعی سرما به داران در رقابت آزاد شکل گرفت. یا به معنای دیگر این مرحله پرولتاریائی - دیکتاتوری خود را در شکل امپریالیسم (که در این مقطع به معنای واقعی خود یعنی

بورژوازی سیادت طبقه ای خود را به اشکال مختلف اعمال میکنند. بورژوازی به شیوه های گوناگون سعی در برقراری نظم مطلوب خویش دارد. با وجودیکه این شیوه ها تماماً "در نهایت خود همان اعمال دیکتاتوری طبقه سرما به داران است اما مسلماً است که چگونگی و شکل ستمگری اعمال شده از سوی پرولتاریائی همواره - برای پرولتاریائی مسالمت طلب توجه است. زیرا "ن شکل از مبارزه طبقه ای و ستمگری طبقه ای که در آن منتهی است، از آنجا که شکار است برای پرولتاریائی در مبارزه برای محو طبقات بطور عام، تسهیلات - عظیمی را فراهم می نماید" (دولت و انقلاب لنین، تاکید از ما است)

مناسبات سرما به داری در بطور مناسبات فئودالی شکل گرفت و با سده گیری حاکمیت سیاسی توسط پرولتاریائی، قدرت سیاسی و ثا لوده مناسبات فئودالی - بعنوان مناسبات غالب جامعه - درهم شکسته شد. در او ان پیدایش سیستم سرمایه داری رخ داد. در آنجا که سرمایه داری داشته شد چندان نی کرده بود. کارهنوز شکل اجتماعی خود را بدستی نیافته بود. زنجیره های بهم پیوسته تولید سرما به داری شکل نگرفته بود تا میلیونها کارگر در صنایع و کارخانجات مختلف بیکدیگر پیوسته بودند، در عین حال هنوز کارخانجات عظیم با چندین هزار کارگر وجود نیافته بود. کارمفهوم اجتماعی خود را در اشکال ابتدائی چون کارگاههای چند نفره و کارخانهای کوچک بیاففت. از سوی دیگر مالکیت خصوصی بر ابزار تولید نیز اشکال ابتدائی خود را داشت. سرما به داران از طیف وسیعی از صاحبان کارخانجات و کارگاهها، تجار، ربا خواران و... تشکیل میشدند. هنوز تفاوتی در سرمایه به داران بین شکل اجتماعی کار و مالکیت خصوصی بر ابزار تولید اشکال ابتدائی خود را داشت. بهمین علت نیز رقابت آزاد متضمن رشد و تکامل سرما به داری بود. بهمین خاطر "رقابت آزاد دوسالمان اجتماع و سیاسی متناسب با آن همراه تسلط اقتصادی و سیاسی طبقه پرولتاریائی جانشین آنها شد. (ما نیفت)

سرما به داران در رقابت آزاد روبنای را می طلبند در عین خود کردن سلطنت مطلق بعنوان روبنای حافظ منافع اشرف و زمینداران، بتوانند رقابت آزاد سرما به داران را نیز بر اجتناب ممکن و میسر سازد. بقول لنین "رقابت آزاد دموکراسی تطابق دارد" (کاریکاتور از مارکسیسم و درباره "اکوئومیسما امپریالیستی" - لنین). این روبنای مناسبات آزادی حرکت سرما به داران که روجوه متفاوتی چون آزادی عقد قرارداد، آزادی حرفه و پیشه، آزادی تجارت آزادی مسافرت و انتخاب محل سکونت (جلوه گر می شد تا مین نماید. لنین) بعنوان روستا خت سیاسی - اجتماعی سرما به داران در رقابت آزاد شکل گرفت. یا به معنای دیگر این مرحله پرولتاریائی - دیکتاتوری خود را در شکل امپریالیسم (که در این مقطع به معنای واقعی خود یعنی

رهبری طبقه کارگرمبارزات ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلقهای ایران است

# رژیم جمهوری اسلامی، دیکتاتوری ارتجاعی یاد مومکراسی انقلابی

حاکم میکوشند پیروزیهای را که بدست آورده اند تشبیه کنند، به آن مشروطیت بخشدند ولی با قانونی به آن بیوشا نند. آنها میکوشند منافع و راه خود را در یک سیستم حقوقی و معیارهای قانونی تجسم بخشند.

در همانجا ما قانون اساسی جمهوری اسلامی را با قوانین اساسی الجزایر، لیبی و... مقایسه کردیم و نتیجه گرفتیم: "در یک چنین قانون اساسی از همان آغاز، حاکمیت از خلق سلب میشود و با مشتی الفاظ و عبارات میان تهنی و نهان پزکن بمظهور تحقیق توده های مردم، قانونا و عملا" بر حاکمیت بورژوازی صحنه میکندارد. در تمام قوانین اساسی که توسط خرده بورژوازی به تصویب رسیده است بر حاکمیت خلق تاکید شده و غالبا "شعوبه اعمال این حاکمیت از طریق شورا های خلقی (البته تحت هژمونی خرده بورژوازی) عنوان شده است. نمونه های مشخص آن - الجزایر، لیبی و غیره هستند. اما قانون اساسی جمهوری اسلامی در اصل ۶۵ صریحا حاکمیت را از خلق سلب میکند و اساسا متعلق به نیروی الهی و آسمانی قلمداد میکند و با لاجرم از آنجا نیکه حاکمیت بر روی زمین وارد دست طبقات معینی قرار دارد، بشکل کمیته بورژوازی حاکمیت طبقه حاکمه یعنی بر حاکمیت بورژوازی صحنه میکندارد

در قانون اساسی حقوق اساسی و دموکراسی تیک زحمتکشان، حقوق زنان و غیره با اعمال شده است. نه بطور مشخص از تعیین حق کارمندی در میان است، نه حقوق اعتصاب و داشتن اتحادیه ها و احزاب - مستطاب بر رسمیت شناخته شده، نه برابری حقوق واقعی زن و مرد تا کیده شده و نه حقوق خلقها بر رسمیت شناخته شده است... اگر به سراغ اصول قانون اساسی نظر بیفکنیم پی میبریم که قانون اساسی فی نفسه بیا نگر تفتیش عقاید است، زیرا که هر گونه حق و هر گونه آزادی مشروط به حدود قانون و رعایت ضوابط اسلامی است... در مورد آزادی مطبوعات نیز این محدودیتها به با رزترین شکلی وجود دارد... در اساس آزادی مطبوعات بطور کلی سلب شده و هر نشریه و هر مقاله علمی، سیاسی یا اقتصادی و هنری را میتوان بنام مباحثات با اسلام و حقوق عمومی منع کرد. نمونه های روشن آنرا تاکنون دیده ایم، همینکه اصول قانون اساسی در مورد - مطبوعات به تصویب رسید، بسیاری از - مطبوعات مترقی را ممنوع کردند... خلاصه در اساس قانون اساسی جمهوری اسلامی هر جا که آزادیها یا حقوق دموکراتیک بر رسمیت شناخته شده به آنجا - مختلف محدود و مشروط شده است.

عملگردها و اقدامات بعدی رژیم جمهوری اسلامی نیز هر چه عربا نتر ما هیت ارتجاعی آنرا آشکارا ساخت و نشان داد که رژیم جمهوری اسلامی بمانا به سیستم ورو - بنای سیاسی حاکم یک رژیم مترقی و دموکراسی انقلابی خرده بورژوازی، بلکه دیکتاتوری ارتجاعی بورژوازی است که حتی با دموکراسی بورژوازی نیز در تضاد قرار دارد. چرا که دموکراسی بورژوازی (بگذریم در دموکراسی انقلابی خرده بورژوازی) هر چند در ما هیت خود چیزی جز دیکتاتوری طبقه بورژوازی نیست و قادر نیست برای بری واقعی بین افراد جامعه را تضمین کند و لوی بطور صوری وظا هری برابری افراد مختلف را در برابر قانون بر رسمیت بقیه در صفحه ۱۳

از عمر رژیم جمهوری اسلامی این استدلالات نیز رنگ باخته و دیگر کمتر کسی را می تواند بفریبند. امروز دیگر بر همگان روشن گشته که نه تنها رژیم جمهوری اسلامی "دموکراتیک" تر نشده، بلکه مدام در جهتی سیر نموده که ما هیت ارتجاعی آن آشکارا تر شده است و آن ما سک عوا مغربیا نه ایگه برای حفظ ظاهر، با ضلالت دموکراسی تیک بر چهره داشت بکلی به کنارتها ده شده و ترور و اختناق - کامل حکم فرما شده است. امروز رژیم جمهوری اسلامی نه تنها خود را دشمن تمامی کمونیستها اعلام می کند، بلکه دشمنی خود را نسبت به دموکراسی انقلابی نظیر مجاهدین خلق ایران نیز پوشیده نمیدارد و دسته دسته اعضاء و هواداران مجاهدین را در کنار کمونیستها به جوخه های اعدا می سار د. و این اعمال جنایتکارانه درست زمانی صورت میگیرد که مزدوران - ساواک به حبسهای یک یا دو سال محکوم می شوند و یا آزاد شده بخدمت "ساواک" در - میایند. زمانه ما در آن کنونی نه تنها به خود دموکراسی انقلابی، بلکه حتی با لفظ دموکراسی نیز دشمنی میورزند.

این رژیم زهمان نخستین روزهای بقدرت رسیدنش در برابر برگشتن دامنسه انقلاب باینتکار انقلابی و اقدام مستقیم توده ها قرار گرفت. شورا های انقلابی را سرکوب نمود، حقوق دموکراتیک خلقهای تحت ستم را انکار کرد و به سرکوبی خونین آنها اقدام کرده و نیروهای انقلابی را - تحت فشار قرار داد، آزادیهای سیاسی را محدود کرد، مانع تصرف زمین زمینداران بزرگ توسط دهقانان شد، رفرما شکل تصویب جمهوری اسلامی را بدان شکل غیر دموکراتیک برگزار کرد. در مجلس مؤسسان که خمینی از مدتها پیش وعده آنرا ب مردم داده بود - تبدیل به مجلس خبرگان گردید که مضحکه همه مردم شد و قانون اساسی ارتجاعی را تنظیم و تصویب نمود. البته اگر مجلس مؤسسان نیز تشکیل میشد در آنجا که متکی به ارتش و بوروکراسی سابق بود و دولت موقت ضد انقلابی با زرگان قدرت را در اختیار داشت نمیتوانست بیا نگر ارا ده - توده های زحمتکش با شد و زمینه را برای - انتخابات و ا قعا "آزاد، مستقیم و مخفی فراموش کند، چرا که مجلس مؤسسان اگر متکی به نیروی مسلح توده ها نباشد دولت موقت حقیقتا "انقلابی قدرت را بدست نگرفته باشد، قادر نیست قانون اساسی به نفع زحمتکشان، تنظیم و تصویب کند. ولی نفس تبدیل مجلس مؤسسان به مجلس خبرگان نشان دهنده آن بود که رژیم جمهوری اسلامی حتی به دموکراسی در حد بورژوازی آن - نیز منتقد و بیا بیند نیست.

در همان زمان در تحلیل حاکمیت خود که در نبرد خلق شماره ۱ منتشر شد، مضمون - ارتجاعی و ما هیت بورژوازی قانون اساسی جمهوری اسلامی را مورد بررسی - قرار دادیم که: "یکی از مباحثی که نمیتواند ما هیت بورژوازی حاکمیت کنونی را بمان نشان دهد، قانون اساسی جمهوری اسلامی است... اصولا پس از هر انقلابی طبقه یا طبقات

در شماره قبل به این مسئله اشاره کردیم که لنین، چگونگی برخورد نیروهای غیر پرولتری به کمونیستها و دولت ستم شوری را یکی از معیارهای مهم تمیز و تشخیص دموکراسی انقلابی از فرمایشها می شما رد و حما بیت از جنبشهای انقلابی ملی و بطور عمده مومکراسی انقلابی را در صورتی جا نژمی شما رد که این نیروها ما نورا دع تبلیغ و ترویج کمونیستها و سازماندهی توده های تحت ستم توسط آنها نکرده و توضیح ندیم که دموکراسی انقلابی در مبارزه برای دموکراسی و هائی بنا به موقعیت اجتماعی و منافع طبقاتی شان، کمونیستها را که مدافع بیگانه ترین دموکراسی یعنی دموکراسی پرولتری هستند متحد خویش می یابند و ضرورتها ی - عینی مبارزه طبقاتی آنرا را بسوی اتحاد و همگاری با کمونیستها و نیروی سوسیالیسم می کشاند. این ما سائل بدیهی هستند که هر کس که با الفبای ما رکسیم - لنینیم آشنا باشد آنرا در ذهنی رهبران اکثریتی های راست نیز ناچار به تائید آن هستند و می گویند:

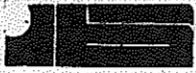
"اعتقاد ما اینست که چون خرده بورژوازی در نفس خود دمکرات است، چون خرده بورژواست و چون ضد امپریالیست است در مبارزه دموکراتیک و ضد امپریالیستی پیش از آنکه ضد کمونیست باشد متفلسف کمونیست ما ست. این موضوع طبیعی خرده بورژوازیست و تا زمانیکه مبارزه ضد امپریالیستی و دموکراتیک به پایان - نرسیده باشد در پیرویه انقلاب دموکراتیک یعنی تا زمانیکه پرولتاریا - ساختمان سوسیالیسم را آغاز نکرده باشد ما هیت خوا هدیافت.

این موضوع آنقدر آشکارا است که حتی تئوریسینهای "راه رشد غیر سربا به داری" نظیرا لیا نسکی نیز به آن اعتراف کرده اند. ا لیا نسکی در این باره می نویسد:

"دموکراسی انقلابی بمفهوم محدودتر چنان جریان می یابد که بی واسطه قبیل ما رکسیم قرار در روز مینه را برای شاعه آن آماده می کند" و "ما رکسیم - لنینیستها با دموکراسی انقلابی در یک اردو قرار دارند. همگاری آنها ضرورت حیاتی دارد. و "در دوران حرکت عمومی جهان بسوی سوسیالیسم، نمی توان انقلابی و دمکرات و بنا بنده منافع اکثریت خلق بود در - هما نحال به مقابله با کوشش ستم بر خاست" (در باره جنبه و احضاد امپریالیستی در کشورهای آزاد شده).

این حقایق آنچنان روشن و عیانند که بتوصیف نیاید. اما بقول معروف اگر قضا یی بدیهی هندسه نیز با منافع افراد برخورد میکرد محققا "آزاد" رد میکردند رهبران اکثریتی های راست نیز با این مسائل آشنا هستند ما، برای توجیه سیاستهای سازشکارانه و کوشش شان در - برای قدرت حاکمه تحریف حقایق آشکار دست میزنند و علیرغم دلایل و شواهد فراوان که حاکی از خصوصیت ضد دموکراتیک، ضد کمونیستی و ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی می باشد، این رژیم را دموکراسی انقلابی می نامند. برای توجیه این عمل کردهای ارتجاعی رژیم به قسرت، بناسا آگاهی و وجود برخی "دگمهای کهنسال" - روحانیت متوسل می شوند که گویا در پیوسته مبارزه طبقاتی و بتدریج بجا "زیک زاگهائی" به نفع منافع طبقه ای خرده بورژوازی و دموکراسی انقلابی سایش خواهد یافت. اما اینک پس از گذشت دو سال و نیم





# نگاهی به گزارشهای انتخابات ریاست جمهوری

پیش از این گفتیم که رژیم جمهوری - اسلامی نمی‌تواند خودتوان خودتوان حمله‌ها و نیرنگهای خود - از فتوا و تبلیغ و دروغ تا تهدید و ارباب و اجاب را بکار بست تا توده‌ها را به پای صندوقها بکشانند و مهترانه شیدی برشان سنا مه‌سرا با جنا بست و سرکوب خود بکوبند. و همچنین گفتیم که توده‌ها در روز انتخابات تجربه عملی گرانبهای می‌آید و خواهند دیدند که چگونه رژیم‌های وهوی، رژیم تبلیغ و دیوغ و رژیم سرکوب و گشتا و هراسان و وحشتزده با صندوقهای - رای خودتوانا مانند بهررو صحنه‌های تکراری توسط رژیم اجرا شد و آراء میلیونی از صندوقها بردارند مدبه گفته رژیم پیش از ۱۴ میلیون نفر در ایران رای دادند و رجا شی با بیش از ۱۳ میلیون رای انتخاب شد. اما خلوتی حوزه‌های انتخاباتی، سکوت و خاموشی حاکم بر شهرها در روز انتخابات و جریان داشتن زندگی عادی در مناطق و محلات و حمتکش نشین حاکمی از دروغ برداری و رسوایی رژیم سرکوب است. بر روی گزارشات که تا کنون از شهرهای مختلف بدست ما رسیده است بخوبی نشان میدهد که توده‌های میلیونی عملاً دست به تحریم انتخابات زدند.

رفیق گزارشگری از مناطق مرکزی و شمالی تهران می‌نویسد: «مروزشهر شلوغ و پر جنب و جوش تهران به گورستانی ساکت و خاموش شبیه است. شهرکاملاً خلوت است. (و در گزارش دیگری از مناطق میدان قزوین، جوادیه، مولوی و قیامت آباد آمده است) زندگی عادی مردم در جریان بود، جوانان سرکوجه‌ها مشغول صحبت بودند، خرید و فروش در خیابان قزوین جریان داشت، فوتیال در کوجه‌ها برقرار بود، از تنها چیزی که خبری نبود استقبال مردم از صندوقهای رای نبود، مردم با بی تفاوتی کامل زندگی عادی خود را دنبال میکردند» بهررو از جنب و جوش خیره کننده‌ای که ۲ سال پیش در صحنه‌های مشابه این روز - مشاهده می‌شد خبری نبود، از آن سیل عظیم توده‌ها که بسیار ری‌آژان آن سرمست از اوام خرد بورژواشی در قبال فراخوان بی‌وزاری حاکم به پای صندوقها کشیده شدن شری نبود. آن صحنه‌های امیدوارکننده برای رژیم جای خود را به چنین رکودی در قبال - فراخوان حکومت داده است که رفیق گزارشگر، مینویسد: «صاف نا توانی‌ها در بسیاری نقاط بیشتر از آنکسوف‌های حوزه‌های رایگیری بود» و در گزارشی دیگر می‌خوانیم: «از ساعت ۹ به سمت میدان آزادی رفته که در چهار طرف میدان سه چنگل بود بر برای رایگیری در سر راه چای و حدود ۳۰ نفر بودند در همین اثناء یک درویشی در نزدیکی ترمینال معرکه گرفته بود که جمعیت اطرافش چندبرابر برای دهندگان همه جا درها بود» رفیقی که از حوزه ۲۵ رای گیری واقع در بیمارستان شهدا می‌آید - تجزیه و تحلیل کرده گزارش میدهد که «در اینجا صف طولی در جلوی حوزه رای - گیری تشکیل شده بود، از مردم درون صف با ره‌گانندیدها این ریاست جمهوری سؤال کردم آنها با حالت مسخر جواب دادند، - کاندیدا چه ما برای عیادت بیماران نمان آمده ایم، پس از آن دقت بیشتر می‌کردم در

محل اخذ رای بجز با سدا ران مسلح و مامورین حوزه کسی را ندیدیم» این صحنه‌ها و تما می گزارشات تها تکرار شده است رفیقی مینویسد: «شهرچالوس در روز انتخابات خلوت بود، در حوزه اصلی رایگیری در شلوغ‌ترین ساعت روز تعداد جمعیت رای دهنده با پای سدا ران و مسئولین صندوق ۲۰ نفر می‌شد» و در گزارش دیگری از مرز آباد آمده «مردم زرای گیری هیچ استقبال نکردند» رفیقا زبا بل مینویسد: «امروز در مقایسه با جمعه گذشته شلوغ‌ت بود و این مساله کاملاً محسوس بود حتی جمعیت شرکت کننده در نماز جمعه هم جمعیت خیلی کم تر بود» (رومین رفیق ادا می‌دهد) «رای گیری در شهر با بل فقط بین همین دوساعت و نیم (۹/۵ تا ۱۲) بود و با تخمین من در با بل بیش از چهار هزار نفر رای ندادند. حوزه‌ها بقدری خلوت بود که با عت تعجب بعضی از مسافران شهر شده بود» (با دانستن اینکه رژیم تعداد آراء با بل را (۱۷۴۶۹۵) صد و هفتاد و دو چار - هزار و شصت و نود و پنج عدد اعلام کرد، و سویی انتخابات بیشتر روشن میگردد) و با لایحه رفیق دیگری برای ما نوشته است مسئول رای گیری چندین روستا در جاده‌ها و سه می گفت، در رای گیری قبلی (انتخابات - ریاست جمهوری قبل) یکی از روستاها ۲۰۰۰ رای داد اما در این رای گیری همان روستا با ۳ روستای اطرافش رویهم ۲۰۰۰ برگ از ۱۰۰۰ برگ تعرفه باقی ماند (یعنی ۸۰۰ نفر رای دادند) «چهره شهرها در روز انتخابات، چهره شکست نامی تمهیدات رژیم و اپورتونستیهای حاکمیش و چهره تحریم عملی انتخابات توسط توده‌ها بود.

حوزه‌های رای گیری در مردم مرداد ماه بیش از آنکه به محل انتخابات تشبیه باشد به یادگانه‌های نظامی و یا زندانهای سبایی شبا هت داشت، رفقای گزارشگر ما گزارش میدهند: «خیابانهای مشرف به حوزه‌ها هفگی توسط لاستیک، آجروسیا و ماشین‌های دولتی بسته شده‌اند، مامورین مسلسل بدست با چهره‌های خشن قدم قدم ایستاده‌اند» رژیم با سنگر بندی خیابانها و تسلیح حوزه‌ها هراس و وحشت بی پایان خود را به نمایش نهاد، توگوشی خشمگین توده‌ها منتهی به اعتراضات با تسی است که چون دملهای چرکین بر قامت شهرها روئیده بودند، برگردان دملهای چرکین جاسوسهای رژیم با ظرافت منفور دختران - چادرسیا و فالتراهای انجمن اسلامی پرسه میزدند، تنفر مردم از این قیافه‌ها با بحس است که رفیق دخترای زگزارشگران ما می‌نویسد: «بدلیل پوششی که داشتیم (چادر - مشکی و قیافه‌فالترازی) مردم با عیانیت بنمانگه میگردند، جوانها و مردها می‌حمله در حالی که از کنار ما می‌گذشتند چندبار به ما فحش دادند»

مراسم رای گیری بیشتر به با زوجی شبیه بود، توگوشی رژیم میخوابد بوزور سرنیزه‌های خود را محکومیت انقلاب و حقانیت خود را از صندوقها استخراج کنند، در گزارش آمده است: «افراد معدود رای دهنده را از سر تا پا با زرسی میگردند، کیف، ساک و ... بدقت مورد تفتیش قرار میگیرد و از ابتدای ورود به حوزه تا لحظه خروج مراقبت شدیداً موران مسلح و جاسوسهای دولتی

وجود داشت» موراد بسیار متعددی در گزارشات هست که رای دهنده به رجا شی در حوزه‌ها اجباراً «به رای دهندگان تحمیل شده است، رفیقی از لنگرود گزارش میدهد: «مسئولین مشخصاً می‌گفتند به رجا شی رای بدهید و اوراق رایگیری را هم کنتراست می‌کردند که فقط نام رجا شی نوشته شده باشد» رفیق دیگری از روستا های شمال مینویسد: «صدوقدار از دهقانسی بر سید اسمعیل کسبی را برای ت بنویسم، دهقان فوری جواب داد دبه هر بوفیوزی که میدانی بنویسم، ما رای خودمان را دادیم که اکونون در ریم پوشش را می‌خوریم و الا ن هم رای ما هیچ تا شیری نداد، صدوقدار فوراً اسم رجا شی را نوشت و در گزارش - دیگری از روستای شیردا رکلا آمده «به مردم گفته بودند هر کس به رجا شی رای داد به بهشت میرود و هر کس رای نداد کافراست» با وجود تمام تهدیدات مبنی بر قطع کوبنوشنا سایی شدن و عدم ثبت نام در مدارس به خصوص در گزارشات رسیده از روستاها و شهرها آنها موا ردمتعددی زاین تهدیدات است، به شکل کاملاً علنی دیده می‌شد، میزان رای دهندگان به شکل مفتضانه‌ای کم بود، درست همانند مسابقه فوتبالی که پس از هفته‌ها تبلیغ در یک استادیوم بزرگ برگزار کرد اما تعداد تماشاچیان از با زبیکان و ما مورین استادیوم کمتر باشد، در اکثر حوزه‌های رای گیری در غالباً ساعت ۹ تا ۱۲ هیجگونه مفی وجود نداشت در گزارشی از کرکچ آمده است: «در چند منطقه متوسط نشین از جمله حوزه شهر داری محل رای گیری خلوت بود، خیابان پرغان را که نزدیک زور آباد است کاملاً بسته بودند از مرید بر سید مردم سا سانی (محل کارگر نشین) چه خبر بود گفت خیلی خلوت است، فکر میکنم در سراسر ایران بیش از ۲۰ میلیون رای ندهند... در عظیمه کرکچ حوزه بقدری خلوت بود که شخصی می‌گفت ما مورجوزه‌ها در مگس می‌پراندند. ساعت ۳ تا ۵ که دو یا سه به اکثر حوزه‌ها سر زدیم همه تصور خلوت بود و بیش از ۲۰ نفر دیده نمی‌شدند. در گزارش دیگری از لنگرود آمده «در این شهر تعداد حوزه‌های رای گیری نسبت به دفعات قبل تقلیل یافته بود اما تعداد شرکت کنندگان بسیار کم و نا چیز بود اکثر شرکت کنندگان قلاتر ها و اکثریتی های راست و توده‌ها به با چون دیگران طوفان مردمی که با یک فراخوان رژیم خیابانهای شهرها را به لرزه در می‌آورد خبری نبود، زور و مردم را دشمن داد که از این پس نیز چنین طوفانی به نفعی حکومت نخواهد گردید.

در تهران تعداد رای دهندگان حاضر در شلوغترین ساعات روز یعنی ۹ تا ۱۰/۵ صبح در مناطق چون سنگان و میدان - خوران که از شلوغترین حوزه‌ها بودند از ۷۰ تا ۱۵۰ نفر قرار ترمینی رفت، از سوی دیگر تعداد دچین حوزه‌ها بی‌ز انگشتان دست تجا وزنی کرد، در اکثریت حوزه‌ها در همین ساعات تعداد مردم رای دهنده بین ۱ تا ۱۶ نفر در نوسان بود (این تعداد دینکسل می‌انگین از آما روزه‌ها بدست آمده است) بررسی آمارهای ارائه شده از سوی گزارشگران ما از مناطق مختلف تهران نشان میدهد که در زمان طق کارگری، زحمتکشان و خرد بورژوازی فقیر و میان نه علیرغم اینکه تعداد صندوقهای رای بسیار کم تشبیه شده بود تا از طریق این روش عوام فریبانه تعداد رای دهندگان از با دلجو داده شود - در جلوی حوزه‌ها بیجا دگر د، رای گیری با تحریم فعال ساکنان این مناطق روییو

بقیه در صفح ۱۲

## پیروز باد مبارزات ضد امپریالیستی دموکراتیک خلقهای ایران

# حذف بهره:

## کلاه شرعی دیگر!

براستی اینهمه هیا هویر سر چیست؟ آیا مقصود، حذف بهره و ربا به سود حتمکنان است و یا هدف دیگری تعقیب می‌شود؟ یا از نظر اقتصاد دسرما به داری، که جا معنه ایران نیز طبق ضوابط و قوا عدان اداره می‌شود، اصولاً حذف بهره ممکن و ضروری است؟ و در این صورت از حذف آن چه بهرهای عایدکل اقتصاد دویا وضع معاش تولیدکنندگان و واقعی جا معنه، یعنی کارگران و دهقانان می‌شود؟ از این گونه سئوالها بسیار است، لیکن نه در توضیحات نویسنده گان اسلام پناه به آنها اشاره می‌شود و نه پاسخ به تمام آنها در حوصله این نوشته است.

مقدمتاً یادآور می‌شویم که یکی از نخستین کسانی که با استفاده از حسابات مخالف عمومی نسبت به نظام بانکداری دوران شاهنشاهی که یکی از اجزای اساسی نظام دسرما به داری و وابسته بود، موضوع حذف بهره را پیش کشید بنی صدر بود. وی چند ماه پیش از ریاست جمهوری و به احتمال قوی به قصد جلب آرای عمومی به سود خویش و در عین حال در راه تلاش بورژوا - و فرمیستی برای برآوردن ختن چرخهای از حرکت مانده دسرما به داری، طرح اسلامی کردن بانکهای کشور را مطرح کرد و در عین حال قلمهای برای حذف بهره برداشت. چنان که در - مورد اسلامی کردن بانکها، با ملی کردن آنها، در صفحات نشریه توضیح داده ایم، مقصود از این کار، تقبیل با رزیا نهسای ناشی از ورشکستگی بانکهای کشور توسط خزانه عمومی بود و نخستین شمر اقدام در جهت حذف بهره این بود که مبلغ ۳۰ میلیارد تومان از اعتبارات بانک مرکزی که حتی با ضوابط بورژوازی می‌توانست در جهت ایجاد صنایع به کار آفتند، به عنوان وام - مسکن با بهره ۴ درصد (یا ۵ درصد) در اختیار متقاضیان مرفه الحال وام - مسکن در تهران و شهرهای بزرگ قرار گرفت و از آن طریق به جیب دسرما به داریان بسا زو بی فروش سرا زیشدوا زهما نجا بود که شمار "بنی صدر، با بهره ۴ درصد، صدر دسرما"

زبا نزد شد و این شگردا گرچه در جهت گشایش گزیه مشکلات مردم چاره ای نیکرد، اما برای بنی صدر اعتبار رورای ساخت علاوه بر این بتا بر طرح اسلامی کردن بانکها کسانی که سابقاً "زبا نکها وام مسکن گرفته بودند نیز به جای اصل و فرع مقسور سابق، بنیاً بر ضوابط اسلامی اقتساط بدهی خود را بنا زپرداخت کردند و در عین حال بتا برای این شده به داریندگان سپرده های ثابت و پتی اندا زکنندگان نیز به جای بهره (یا ربا) "بنی ۴ تا ۸/۵ درصد در سال تحت عنوان "تود شضمین شده" پرداخت شد. - میا لاج کلانی نیز طبق همین طرح "اسلامی"

با بهره نازل حدود ۱۲ درصد (یعنی ۱۸ درصد) ۴ درصد کارمزد) به ما حیایان صنایع و تجار - وام داده شد.

اما این طرح که در واقع به کمک محمد علی ملوی رئیس وقت بانک مرکزی و بنی صدر (اقتصاددان شورائی انقلاب) تدوین شده بود بیشتر به کمک صنعتگران می آمد و چیزی نبود که مستقیماً "با زرگانان را راضی کند. تجار بزرگ امیدوار بودند پس از کوتاه شدن دست دسرما به داری بزرگ، صنعتی از زرگان سیاست های اقتصاد دی، برانسیوه منابع اعتباری متمرکز در شبکه بانکهای ملی شده، آنهم بدون پرداخت بهره (به استناد آیات و اخبار و احادیث اسلامی) دست یابند و به "مشروطه خود از - انقلاب اسلامی برسند. ما بخشی از واکنش اعتراضی زرگانان نسبت به طرز کار بانکها را در سمینار "انقلاب فرهنگی" (!) با زا رو قعظنا مه آن که بموقع در صفحات نشریه مورد بحث قرار گرفت، بررسی کردیم در آن سمینار در مورد ضرورت حذف بهره - برای زرگانان کشور تا کید شده بود، از سوی دیگر روحانیون سرشناس نیز در برابر مسئله بهره با تنگی واکنش نشان می دادند. علی العموم بخشی از این واکنش ناشی از مخالفت سنتی روحانیون با ربا خواری بود و در عین حال رابطه دیرین روحانیون و بازاریان اقتصاد می کرد که در شرایط مناسب از "انقلاب اسلامی" روحانیون جانبیار زرگانان را بگیرند و خواهان حذف ربا باشند، در واقع بر اثر چنین عواملی بود که آیت الله منتظری در همان هنگام مدرا اعتراضی به نظام بانکداری "غیر اسلامی" اظهار کرد: - اینهمه آقا یعنی صدرا و قایان دیگر گفتند مسئله ربا و مسائل دیگر هست و با نکها اصلاح شد، هیچی از آن اصلاح نشده، همان - صدی ۸/۵ مربوط به پس اندازها را چسرا اینها به عنوان ربا می دهند، می گویند بهره است، بر فرض همین نویسند بهره، بنویسند کارمزد، یا بنحوری غلط است، وجه مشترک تقریباً تمام اقتصاددانان با اصطلاح مسلمانان و فقهای مربوطه اینست که تفاوت میان مفهوم بهره و مفهوم ربا را مطلقاً "درک نمی کنند و علت اصلی اینست که آنها نمی پندارند نظام اجتماعی - اقتصادی جهان و تقسیم جامعه به طبقات از ازل چنین بوده و فقط بنام هاست که عوض می شوند، اما همان گونه، که ما رکی در جلد سوم "سرما به داری" روشن کرده است سرما به تجاری به دو صورت سرما به سودا گر و سرما به بهره یا سرما به ربا - خوار) شکل بدوی وجود سرما به قبل از پیدایش دوران سرما به داری بوده است، اساساً "لفظ ربا که به معنای "و یاد و - "اضافه در لغت عرب استعمال می شده و

نشانه آن است که در نظام پیش از سرما به داری عربستان جاهلی، نرخ بهره ای کسه ربا خواریان در یافت می کردند، با لنسبه گزارا بوده است، در این گونه جوامع، ربا خواریان مورد بغض و عناد با زرگانان، خرده تولیدکنندگان و اشرف زمیندار و لاج بودند که برای تامین مالی اموخود ناگزیر بودند با زرخهای گزارا ربا خواریان بسازند. ادبیات دوران قبل از سرما به داری نمونه هایی از این ربا خواریان - گزارا طلب را معرفی می کند، مثلاً "بالتراک در نوبل معروف اوژنی گرانده با درگسک ربا خواری، نمونه برجسته اینان را معرفی می کند و پیش از وی شکسپیر در نما یشتا سه تا جرونیزی که به آنها مالیکان دانستان - ایرانی نوشته شده، چهره زشت این سرمایه داران دوران پیشا سرما به داری را ترسیم می کند. زمینه آیات قرآنی و خصوصت مسلمانان با ربا خواری و بویژه مخالفت شان، با بیهودان ربا خواری زهین امر است. زیرا مسلمانان صدرا سلام نیز که ترکیبی از تجار و پیشه وران و تولیدکنندگان خرد و اشرف زمیندار بودند، زیر فشار ربا - خواریان گرد قرا ردا شدند.

در حال پس از تکوین نظام سرمایه داری، طی بویشتی طولانی بخشی از سرمایه صنعتی، از ادشده صورت سرما به داری در خدمت رفع نیازهای مالی کوتاه یا بلند مدت سرما به داریان درآمد و نقش ربا خواریان شدت گاهش یافت و سرما به اینان نیز تحت تابعیت کل سرما به و نظام سرمایه داری نوبین درآمد، البته در جوامع تحت سلطه، آنجا که نظامهای پیشا سرما به داری با شکلهائی متاثر از نفوذ نظام سرما به داری، به حیات خود ادامه می دهند، دو نظام بانگداری سرما به داری و ربا خواری در کنار هم به حیات خویش ادامه می دهند. (در این زمینه نکته جالب این است که اقتصاددانان فقیه و مسلمان تقریباً هرگز به ربا خواری واقعی که شیوه جان خرده تولیدکنندگان را می مکد توجهی ندارند، الا این که در آغا زنگها بعضی ربا خواریان سرشناس - مورد تعقیب مقامات حکومتی قرار گرفتند. با این توضیحات معلوم می شود که ربا و ربا خواری، پدیده ای است مربوط به نظامهای ما قبل سرما به داری و بهره، یعنی بهای وام مربوط به نظام سرما به داری است و در ضمن خلاف آنچه بعضی فقهای اندیشمند، آنچهره را از بهره جدا می کنند تنها نرخ گزارا ربا نیست که در عین حال ارتباط با این دو مقوله با دو نظام موشیوه تولید متغای است.

نرخ بهره در نظام سرما به داری، بسر خلاف ربا در نظامهای پیشین که تا حدی - تصادفی، خودسرا نه و تابع شرایط "کسلا" محلی و عرف زمان بود، تا بنی است از عرفه و تقاضای سرما به داریا سرما به، در نظام های اقتصاد دی لیبرال یعنی آنجا که دولت نقش بیظار بر بیظرف اقتصاد دی دارد، در شرایطی که سرما به اندک و کمیا باشد، نرخ بهره برای رواد و برعکس اگر سرما به فراوان باشد، نرخ بهره کاهش میابد.

در این گونه جوامع نرخ بهره در حدفاصل معینی نوسان می کند و نمی تواند از حد معینی که با لاترین آن خدمت توسط سود سرما به دسرما برشته ها باشد، تجاوز کند و در یا از حد صفر به پایین میل کند (زیرا در حالت اخیر هیچکس حاضر نخواهد شد از حق بهره داری از سرما به آزا د خود صرف نظر کند و آن را به ربا یگان در اختیار رسا بر سرما به داری قرار دهد). این نکته را هم

بقیه در صفحه ۱۱

باید با استفاده از کارگران یگانه بساط "اضافه کار اجباری" در کارخانه ها برچیده شود



### حذف بهره: کلاه شرعی دیگر!

با بدافزود که در مقابل پسه با نرخ با حقی  
در داخل مرزهای یک کشور نرخ ن  
توانست به شدت نوسان زمانی و مکانی  
داشته باشد، در شرایط کامیبت سرما به  
جهایی (عصرا مپریا لیس) به علت ارتباط  
با زار سرما به نرخ بهره کمایش در سطح  
جهانی در حد معینی نوسان می کند و نوسان  
با افزایش آن نمی تواند از حد معینی تجاوز  
کند.

اما در اقتصادهای مالک سرما به داری  
تحت سلطه وضع نظام بانکداری و نرخ  
بهره بانظامهای با اصطلاح لیبرال تفاوت  
می کند. زیرا در این اقتصادها دولت نقش  
ویژه ای دارد و به خصوص بر منابع اساسی  
اعتبارات کنترل می کند و حتی ضوابط  
غیراقتصادی برای اعطای اعتبارات و نرخ  
بهره از شرعی گذارد. مثلا "در ایران خواه  
پیش از افزایش ناگهانی بهای نفت در  
سال ۱۳۵۲ و چه بهما زان به علت این که  
قسمت اعظم منابع مالی و اعتباری کشور از  
طریق درآمد نفت که در اختیار دولت قرار  
داشت، تأمین می شد، دولت می توانست  
به اقتضای سیاستهای گوناگون توسعه  
سرما به داری وابسته، میزان وامها و  
اعتبارات، رشته های اعتبار رگیزند ه  
و نرخ بهره را تعیین کند و در سودای ضوابط  
نرخا "اقتصادی نباشد. طبعاً "در چنین  
اوضاعی نرخ بهره ارتباطی با ضوابط تعیین  
بهره در یک نظام "عقلانی" سرما به داری -  
نداشت، به همین دلیل بنا بر توضیحاتی  
که در بالا خواهیم داد، حتی در دوران رومایه  
داری تا هفتاد و نینز نرخ بهره عملاً صفر بود  
و با حتی با شین ترازان و بنا بر این  
پیش از آن که "حکومت اسلامی" استقرار یابد  
بهره حذف شده بود!

برای روشن شدن موضوع مثالی می  
زنیم. فرض کنیم شخصی ۱۰۰۰ تومان به  
بانک می سپرد تا سال دیگر آن را پس بگیرد  
کمترین توقع او از بانک اینست که سال  
دیگر معادل هزار تومان واقعی به او پس  
بدهد. یعنی اگر ما سال می تواند با این  
مبلغ ۱۰۰۰ قالب ما بون بخرد، در پایان  
سال با بدیابولی که از بانک پس بگیرد  
همان هزار قالب ما بون را بخرد. و با اگر  
بخوا هیمن برای راقم رسمی تورم سخمسن  
بگوئیم و نرخ رسمی تورم را قبول کنیم (که  
خود جای چون و چرا ی بسیار دارد)، باید  
سال دیگر لاقل ۲۵ درصد علاوه بر اصل پول  
خود دریافت کند تا نه زان ببرد و نه سود  
کند. همچنین بانک نیز وقتی به یک -  
سرما به دار صنعتی یا تجاری و... وام می  
دهد، بنا به در پان مدت، علاوه بر اصل  
پول خود، مبلغی برای جبران تورم -  
وصول کند و در عین حال از آنجا که بانک  
با ید هزینه کارهای اجرائی خود را تأمین  
کند با محدودیت ۴ تا ۵ درصد بر این نرخ تورم  
ببفرا ید تا سود کند و نه زان. لیکن  
میدانیم که علاوه بر این سرما به دار  
در برابر عدم استفاده از سرما به خود، باید  
در حد معینی بعنوان بهره که خود قسمتی  
از سود متوسط سرما به داری است، در واقع  
کند. می بینیم که با این منوال در اوضاع  
کنونی نرخ بهره با نکی با بدیش از ۱۳۰  
صدهودود ۴۰ درصد باشد، و حتی اگر فرض کنیم  
دولت برای جبران تورم سرما به داری وقتاً  
از بهره واقعی صرف نظر کند، برای آنکه  
به اصل پول خود برسد، باید لاقل در صدی  
معادل نرخ تورم رسمی علاوه بر کارکنان  
و هزینه اداری و اجرائی از وام گیران -  
وصول کند. تا کید بر نرخ تورم، بویسژه  
در اقتصاد تورم زد کنونی ایران اهمیت  
فراوان دارد. از این طریق است که  
تفاوت نرخ بهره پولی و نرخ بهره واقعی

مشخص می شود.

الیه می دانیم که در شرایطی که میل  
سرما به گذاری در سرما به داران اندک  
است (به علت اختلال در گردش سرما به )  
دولتها بنا بر توصیه های طرفداران کینز  
اقتصاددانان انگلیسی، و در واقع بنا بر  
ضوابط سرما به داری معاصر، از طریق  
افزایش عرضه پول و اعطای اعتبارات -  
وسیع، از کمپانی سرما به می کا هند و نرخ  
بهره را کاهش می دهند. نگاه به آخرین  
فصل کتاب مشهور کینز تحت عنوان "نظریه  
عمومی بهره، پول و اشتغال" نشان می  
دهد که حذف بهره نه یک توصیه اسلامی که  
یک راهمود سرما به داری است و علاوه بر  
این نه تنها ممکن و میسر است که در ایران  
به برکت درآمد نفت که توده های زحمتکش  
هرگز به خرج و دخل آن هیچگونه نظارتی  
نداشته اند، نرخ بهره همواره با شین تراز  
صفر بوده و از این طریق سودهای گزافی  
از خزانه عمومی، بدون کمترین رنج و زحمتی  
نصب سرما به داران شده است.

در واقع مردستکاری نرخ بهره، تنها  
حدمقرر شدن و یا زیرمقرر شدن آن،  
یک مانور رایج دنیای سرما به داری برای  
رفع اختلال و تضاد میان بخش های مخفف  
سرما به است. منتهی از بخت بد سرما به -  
داری ایران، آنچه مانع از عملکرد این  
مانور به سود سرما به داری صنعتی است،  
این است که در شرایط کنونی تضاد اصلی  
میان بخش های سرما به نیست، بلکه گره  
اصلی با زاری نظام محکم را تضاد میان  
کار سرما به تشکیل می دهد. به این لحاظ  
است که گشاده دستی دولت و حاکم بخشی های  
آن از قبیل درآمد نفت و یا سایر منابع  
به نفع سرما به داران، گشایشی در کار -  
سرما به داری حاصل نمی کند، زیرا مبارزه  
بی امان زحمتکشان با مانع از آن است که  
رغبتی به سوی سرما به گذاری مولد بپسند  
آید. از همین روست که قسمت اعظم اعتبارات  
در خدمت ساده ترین کار سرما به داران -  
وابسته قرار می گیرد؛ آنها به واردات و  
تجارت هر چه بیشتر روی آورند و این  
سخنی است که هم آوارا قمار بر آن گواهی  
می کند و هم سخن مسئولان مملکتی که از  
رکود دم فزون اقتصاد می یابند -  
(والیه غالباً "فخفا!") فقدان یک  
نقشه اقتصادی برای زسازی بود و زاشی  
اقتصاد همواره با مبارزه طبقاتی، موجب  
شده که قسمت اعظم اعتبارات بانکی و -  
عمدتاً "فعالیت سرما به داران متوجه

بخش تجارت گردد. و به این لحاظ که همش،  
حذف یا حتی با شین تراز مقرر شدن نرخ  
بهره نه تنها کمکی به با زاری اقتصاد -  
وابسته و بیما را بران نکرده، بلکه تنها  
دانش از پیش تحت سلطه سرما به تجاری -  
قرار داده است و به قول مارکس آنجا که  
سرما به تجاری بر سرما به صنعتی حکومت  
کند، حاصل کار بر بر بریت و عقب ماندگی است!  
اکنون نرخ بهره در بالاترین حالت  
در نظام بانکی می شود، "حاکم ۱۲ درصد -  
صداست. (مقا به شود با نرخ بهره سرما به -  
داری پیشرفته آمریکا که ۴ درصد است) یعنی  
سرما به داران که اکثر آنها را تجار وارد  
کننده تشکیل می دهند، در شرایطی که نرخ  
تورم ۲۵/۴ درصد است، فقط ۱۲ درصد بهره می  
بردارند. (با بانک مرکزی در گزارش مربوط  
به شاخصهای عمده فروشی کالاها در خرداد  
ماه گذشته، اطلاعاتی دهده که این شاخص در  
مقایسه با خرداد ماه گذشته، بیش از ۲۵ درصد  
افزایش داشته است. - نقل از کمیته ن  
مورخ ۶/۶۰) بنا بر این رقم و متوسط  
توضیحات پیشین اگر بنا بر این باشد که  
بانک مرکزی و سایر بانکهای کشور، -  
"اما نت دار" واقعی باشند - چیزی که  
در نظام سرما به داری هرگز میسر نیست -  
با بدلاقل همین در صد را بعنوان نرخ بهره  
پولی وصول کنند تا به با حساب اصلی پول -  
یعنی مزه زحمتکش کشور زانی و زده شود

اما از آنجا که نقش نظام بانکی در سرما به  
داری صرفاً "راه انداختن کار سرما به داران  
به خرج تولید کنندگان واقعی است، نه  
تنها در جهت وصول افراد سودا بین هزینه های  
خود اقدام می نمی کند، بلکه مسئولان بانکها  
همواره با قبهای اسلامی که احقاً نه از -  
حذف بهره سخن می رانند، بر ندانه و با حفاقه  
خواستار حذف بهره می شود. اما از آنجا که  
نمی توان با ورکرد که در این دستگامریض  
و طویل کسی متوجه این نکته ساده اقتصادی  
نبا شد، با ید هرگونه تردیدی را به کناری -  
نهاد و پذیرفت که این دستگامه، هما هنگ  
با سایریندهای حکومتی در جهت چپا و ل -  
اموال مردم به سودنا مردمان سرما به دار  
است.

اکنون طبق یک حساب سرانگشتی می  
توانیم دریا بیم که از طریق به زیرمقرر  
رساندن نرخ بهره توسط نظام بانکی سرما به  
داری اسلامی، چه مقدار از زسوت مردم به طور  
مستقیم به جیب سرما به داران سرا زمی  
شود. با یک مرکزی در گزارش سال ۱۳۵۹ خود  
اعلام می کند که سال گذشته ۱۱۶۵ میلیارد ریال  
اعتبار در اختیار بخش خصوصی قرار داده -  
است. و فقط ۱۹۱ درصد بهره وصول کرده است.  
تفاوت این درصد با درصد نرخ بهره که باید  
برای رسیدن به نقطه بدون زیان وصول -  
شود، لاقل ۱۸ درصد است. بهره ۱۱۶۵ میلیارد  
ریال با نرخ ۱۸ درصد در سال بالغ بر  
۲۰۹۷۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ تومان (نزدیک به ۲۱ میلیارد  
تومان) می شود. یعنی در حالی که "حذف بهره"  
هنوز عملی نشده و با نکی به قول فقهای  
عالیقدر طبق ضوابط غیراسلامی کار می  
کنند، ۲۱ میلیارد تومان مفت و مجاناً به  
جیب سرما به داران بزرگ سرا زمی شود.

ولایت کنونی که قرار است طرف شن ما دولت  
مقررات حذف بهره را تنظیم کند، با بد در -  
سال آینده این رقم به دو برابر افزایش  
یا بد تا با نکی هم در صد "اسلام" شده، اشتباهی  
سیری ناپذیر سرما به داران را فرو بنشانند  
بدین گونه است که دولت سرما به داری  
زیرلوی اسلام می گوشت از منتهای ضوابط  
مطلوب برای رضای سرما به داران -  
استفاده کند؛ از یک سو به دستوروزرات -  
کار (بهتر بگوئیم: وزارت سرما به) سزد  
کارگران را ثابت نگه میدارد، از سوی  
دیگر به بهانه دشوار بودن نظارت بر نرخ  
کالاها به آنان اجازه میدهد تا سودهای  
گران و با ورکردنی (تا ۵۰ درصد)  
به جیب بزنند و به قول سرمداران -  
حکومت ظرف یک سال ۱۲۰ میلیارد تومان  
به جیب بزنند، علاوه بر اینها به بهانه  
نبودن دفتر و دستک در مو سات تجاری  
حد اقل مالیات از آنها وصول می شود  
(مثلاً سال گذشته فقط ۴/۵ میلیارد  
تومان از نیمه عنوان حقوق گمرکی  
و سود با زگانی برداشته اند) و از این  
طرف، به تنها زانان بهره وام ترا -  
نمی گیرد، بلکه عملاً "به وام گیرندگان  
۱۸ درصد در سال دستخوش می دهد.

و تازه فقهای عالیقدر ما شامت  
و برخاست می کنند و فتوا و قطعاته ما در  
میکنند که وصول بهره و یا اصولاً استسلام  
مباینت دارد، تا بلکه به شتران استوهای  
ستبر انقلاب را بدست آورند و با به جیب  
توده های خود را حفظ کنند!  
بزاستی که از آن اکنون بهشت  
واقعی سرما به داران شده است، با شتران  
بخور و میزبانان کارگران و موزان  
ارزان و فزوان برای سرما به داران -  
تنها شکل (۱) کار سرما به داری ایران  
اینست که مبارزه طبقاتی کارگران و  
زحمتکشان محال باشد که توسط مسئولان  
و غارت همچنان گسترده نماید!  
از اینجاست که می توان فهمید چرا  
سرکوب غریبان و وحشیانه توده کارمندان  
وظایف دولت سرما به داری قرار گرفته  
است!

# نگاهی به گزارشهای انتخابات ریاست جمهوری

بقیه از صفحه ۹

شد و در بسیاری ساعات تعداد افراد حاضر در پای صندوقها بین مغرتا و غیردر نوسان بوده است. تعداد حوزه‌ها بی‌گناه آنها به بیش از ۱۰۰ نفر میرسد بسیار محدود بود. در مناطقی چون حول وحوش جبا بان های گیسا، طاق خان، نارنگ و... بررسی اما ریگزارها نشان میدهد که در صحنه از کارمندان تحت تاثیر تهدیدات رژیم مبنی بر اخراج و قطع کویپن بیاید و صندوقها کشیده شده اند. اما همین گزارشات حاکی است که این در صحنه نیز با توسل به شیوه‌های غیرمستقیم به تحریم میفعلی انتخابات اقدام کرده اند. رفیق که از حوزه رایگیری واقع در روزا ربگ را زدید کرده مینویسد "این حوزه از نظر من جالب بود ظاهرا نتایج برای آرای دادن آمده بودند حکایت از کارمندان آنها میکرد... در پاسخ به سوالی که از آنها در جواب دادند که معلوم شد. جالب است که آنها در دوره رایگیری نمی نوشتند و فقط ضربدر می کشیدند" رفیق دیگری که از حوزه سید خندان دیدن کرده مینویسد "اصح تعدادی از اهالی و بیشتر مردان مشغول نظرخواهی از یکدیگر برای شرکت در انتخابات بودند و در بحث چند نفر شرکت کرده یکی از آنها می گفت من می ترسم حقوقم را قطع کنند چون حاکمیت آنقدر احمق است که هر کس رای زدستش برمی آید در این موقعیت که رای زدستش برمی آید و بدبخت می شوم... اگر شرکت کنم خودم تنها اینکار را می کنم و نخواهد آمد... این کار را نمی کنند. رفیق دیگری که بنا چندتن از اهالی امیرآباد که میخواستند رای بدهند صحبت کرده می نویسد "یکی از آنها می گفت من می خواهم برای چه ام در خارج کشور پول بفرستم و یا ویزا برای دیدن او بگیرم، اگر آری اینده ممکن است خیلی اذیتمان کنند اما روزی که ضربدرخوا هم کشیدند شعاری علیه آنها مینویسم و در گزارشی از یکی از محلات فقیرنشین اصفهان آمده است "عده ای میخواستند بجای کشیدن ادا به ما زمان رای دهند و وقتی من سوال کردم که چرا شما که معتقد به انتخابات نیستید می خواهید رای بدهید یکی گفت "منمیدانم چرا رای بدهم دیگر کویپن از راق به من نمی دهند و دیگری گفت شوهرم کارگر هست است می ترسم او را بیرون کنند و سومی توضیح داد که چون حکم شرعی است و امام - تکلیف کرده پس من با بدای بدمولی چون این چیز را نفی قبول ندا ر م به ما زمان رای میدهم"

وقتی حتی به چهره های همین تعداد - اندک مرعوب شدگان نیز میگریستی در قیافه های مغموم و سرهای پائین انداخته آنان نا راجتی عمیق را میدیدی گویا با لاجب را به رای دادن به حکومت توده های میلیونی و حتی خودشان تن داده اند ولی در همین چندین خطی که رای به حکومت رژیم داده شد. پای صحبت هر کدام از این دسته که می نشست با قیافه ای شاد با سبک میدانند "ضربدر کشیدم" "فحش نوشتم" ... گویی با این کنارتان در صدمه دند مقداری از شما را شتابان نشان بکا هند و خود را در کنار اکثریت عظیم تحریم کنندگان فعال قرار دهند. رفیق مینویسد "رای دهندگان با بی تفاوتی از خانه خارج شدند به حوزه ها رفته رای میدادند و فوری به خانه بر می گشتند بدون اینکه هیچگونه بحثی انجام دهند نگاه آنها شیکه رای میدادند در رفع تکلیف می کردند و رفیق دیگری گزارش میدهد "طبق اطلاع موشک یک صندوق در شهر ری کثرت رایها به ناما حجاب الزمان و صغری و کبری و جملاتی چون "خریدرتونه" بود. از بقیه

# مردم چه میگویند؟

## مردم چه می خواهند؟

صبح چهارشنبه ۵/۷/۶۵ عده ای در خیابان سلسبیل به دور یک پیکان کمیته جمع شده بودند. کمیته چی ها دور و نزدیک زن را به همراه دو بوطر مشروب دستگیر کرده بودند و از بلای جمعیت حرکت کردند و رفتند. پس از رفتن آنها جوان ۲۰ ساله ای میگفت "بیچاره را با طر همین موضوع عدا می میکنند" در جواب او زن چادری سنی گفت "همین ها هستند بیکه جوانهای مسارا بدبخت میکنند و به فساد می کشانند" که زن چادری دیگری در حالی که آتش در چشمانش جمع شده بود به او جواب داد "چیکار کنند از بیچارگی و بدبختی است که به این روز می افتند" در این حال مرد ۳۵ ساله ای که کفش آن محل بود پس از مقدار ریالی بدن از وضع کارکا سبی گفت "بله اگر کار داشتند و اگر وضعیت خوب بود که اینکارها را نمی کردند. چیکار کنند وقتی بیچاره شد فقر باشد خوب می روند عرق درست می کشند بی رویدنش فروشی می کنند" و مرد دیگری به نظر کارمندی فقیر مد گفت "مدت شش ماه است که مرا با کسای کرده اند با زن و ۲- بچه ام خجالت می کشم به خانه بروم، وقتی بچه ام تو خیا با ن طالبی خواست و من ندا شتم بخرم خوب معلوم است که من بروم یا نه زدی میکنم یا کارهای دیگر" و پیرمردی که شاتر ناوی بودند با له حرفش را گرفت که "سرعا طله رانان میدهم، با این مزد چند روزی ۱۲ طاق مستاجر شستم، تا زه نصف مزد مرا میدهم کارخانه این است وضع روزگار ما"

مرد کارمندی که آمد ۲ سال و نیم این دولت چرکشت و کشتا رجوانان ما، بهترین جوانان ما، کار دیگری نکردند، آن شاه خا شن به مردم خیانت کرد، اینها همه مردم خیانت کردند که در اینجا همه مردم و چرکشت، صحبت از اعداها شوهمه جمع جاضربه طاق مختلف با صحبت های خود نفرت و انزجارشان را از کشتا رجوانان و اعدا مودگان و نوجوانان ابراز داشتند در جمع توده ها، با دقت در برخوردشان به مسائل زندگی، به روشنگاری نشان در این مدت فکر کرده هر سخنان هیواد میداد که درخت تن و انقلاب به شکوفه نشسته است.

صندوقها خبری ندارم. گزارشات شهرستانها بی نیز که به دست ما رسیده موبدهمین مساله است رفیقی از کرچ می نویسد "چند نفر از شرکت کنندگان که می شناختم می گفتند ما با طرا یکنه شنا سنا ما مان مهربور در شرکت می کنیم... مردمی که من با آنها برخورد داشتم از عدم استقبال از رای گیری صحبت می کردند، اگر تقلب نکنند غیر ممکن است بیش از ۳۰٪ رای دهی را طرفی ادها طرف رای داده شود" (دیدیم که رژیم و قیحا نه ۳۵۵۲۷ رای از صندوقهای کرچ بیرون آورد) در گزارشی از زابل آمده است "وضعیت حوزه های رای گیری: تا ساعت ۸/۵ صبح حوزه ها کاملاً خلوت بود ۹/۵ به بعد مردم تک تک در حوزه ها رای میدادند در حوزه ای که من سرزدم هیچکدام صفت ندا شتند بجز یک حوزه (چهارشنبه پیش) که ۳۰٪ و حدود ۲۰۰ مرد بودند. رای دادن مردم عموماً ساعت ۵ تا ۱۲ بود. تا ساعت ۸/۵ به بعد در حوزه ها مگس پر نمودند و آوندها از نا راحتی به قدم زدن در حوزه ها می پرداختند. اوادامه میدهد یکی از مسئولان حوزه در ساعت ۵ بعد از ظهر در مورد علت خلوتی می گفت بیشتر مردم سر کار هستند و هنوز نیامده اند که به وقت امروز جمعه است تعطیل چطور مردم سر کارند و جوابی ندا شت که بدهد."

رفیقی که در تهران پای صحبت تعدادی از کارگران نانوا می نشست می نویسد "از او پرسیدم در انتخابات شرکت می کنی؟ جواب داد چرا شرکت کنیم که مرضی داریم من که نه زن دارم و نه بچه که آنها را اذیت کنند. پرسیدم میدانی چه کسی رئیس جمهور می شود جواب داد معلوم است رجائی... حالا کارم رای بدهیم یا ندهیم" همین رفیق در مصاحبه با یک لوله کش مینویسد "در باره رئیس جمهور پرسیدم و گفت با ما آخر مگر این ملاها برای ما چه کرده اند که به آنها رای بدهیم" درگز ارض، از - برورد آمده است "در یکی دو مورد حتی حوزه انتخاباتی بعد از چند ساعت تعطیل نموده و مسئولین حوزه های مربوطه نیز در اطراف به وقت گذرانی مشغول بوده اند یکی از این حوزه ها فرما نداری بود که ما مورین ناچار ساعت ۱۱ صبح صندوقها را برداشتند. در حوزه های دیگر جمعیت بسیار خلوت تر از رای گیریهای قبلی بود."

با تمام این واقعیات، همانند تمامی انتخابات رژیمها سرما به دار ریوا بسته دوباره راقا پیش بینی شده از جانب سران رژیم از صندوقها بیرون آمدن، اینبار رهم رژیم پیروز گشت" ما برعکس انتخاباتات یک با دوسال پیش که رژیم با به پای صندوق کشانیدن توده های وسیع به اعمال ضد خلقی خود مشروعت می بخشید تنها یک کمدر سوای بورژوازی تکرار گشت. کمدری که در آن رژیمهای بورژوازی خود را و حکومت خود را خلقی دولت خود را نماینداده - ها مینامند و برای رسمیت بخشیدن به این اراجیف همواره "پیروز" از صندوقها بیرون می آیند، کمدری که در آن سادات ها و پیلوشه ها و ماکوس ها حتی اگر یک نفر هم در رای گیری شرکت نکنند همچنان با "اکثریت" قاطع آراء "پیروزی می گردند، اما توده ها و طبقه کارگر قهرمان ایران در قبال چنین پیروزی رسوایی با گشاده روایی خوادند گفت چنین پیروزی مفتضحانه ای از زانی آنها با د، انقلاب فرا وینده ما این رژیم را نیز به کناری خواهد انداخت. انتخابات شکست خورده را سست جمهوری از سویی تجارب عملی گرانها بی

برای توده ها به ارمان آورد اما از سوی دیگر با ردیگروظایف خطیروستگین ما را خا طرنشان ساخت. توده های میلیونی که بر اثر توهما تشا در پی رژیم جمهوری - اسلامی روان بودند اینک پرده های خود را نه کنایه زده اند و در وجه غالب امید خود را از "بالایشها" بریده اند. اینک این برما ست تا با بگردن ایده ها و شعرا یمان در میان توده ها، با آرا نه آلترناتیوی - انقلابی، با طرح لزوم تشکل هر چه بیشتر در شورا های مردمی و لزوم تسلیح خلق در - مقابل ضد خلق، با به پیش بردن ایده تشکیل مجلس موسسان متکی به شورا های مسلح خلق در مقابل تمام نهاد های - پوسیده این رژیم ضد خلقی وظیفه تاریخی خود را به انجام رسانیم.

پس رفقا به پیش از هر تجربه یاد بگیریم و نتایج پیچ با زتاب های آنرا به توده ها نیز به موزیم، شعرا یمان را با تمام توان به میان توده های خلق ببریم و از این طریق به بسیج هر چه بیشتر توان انقلابی آنها بر ضد رژیم جمهوری سلاسی که اینک عمده ترین سداها انقلاب است، یاری رسانیم.





## رژیم جمهوری اسلامی، دیکتاتوری ارتجاعی

بقیه از صفحه ۸

می شناسد، البته این برابری صورتی است چرا که بقول انگلس "در جمهوری دموکراتیک ثروت بطور غیر مستقیم، بهمین سبب مطمئن تر از قدرت خود استفاده میکند." و "قدرت مطلق ثروت در جمهوری دموکراتیک از این لحاظ مطمئن تر است که در این رژیم سرمایه داری با لقا فیه سیاسی زشت پوشانده نمی شود. جمهوری دموکراتیک بهترین سرمایه فیه سیاسی ممکن برای سرمایه داری است و بهمین جهت سرمایه به پس از بدست آوردن این بهترین لقا فیه (توسیع) بالچینسکی ها، چریکها، تره سلی ها و - (شکاف) بنای قدرت خود را بر پایه ی آن چنان مطمئن و موثق مینماید میسازد که هیچگونه تبدیل افراد و ادارات و احزاب در جمهوری دموکراتیک بورژوازی این قدرت را متزلزل نمیسازد (لنین دولت و انقلاب) - و این کار را بورژوازی "ولا" بوسیله رشوهدی مستقیم به مستخدمین و ثانیاً بوسیله عقدا تفاق میان بورسو دولت انجام میدهد. و البته "توده های متمسک در دموکراتیک ترین کشورهای غربی ماهرها مباحث تفاق حش بین - برابری - ظاهری که "دموکراسی" سرمایه داران - آکلان میدا رده و هزاران محدودیت واقعی و حیل و نیبرنگی که پروولترها را به بردگان مزدور بدل می نماید، روبرو هستند." (لنین انقلاب پرولتری و کاتونسکی مرتد).

دموکراسی و پارلماناریسم بورژوازی در یک دوران تاریخی مشخص (دوران تهاوی بورژوازی) از لحاظ تاریخی دارای خصلت انقلابی و نقش مترقی بود، اما در دوران تاریخی حاضر از لحاظ تاریخی فاقد چنین نقشی است و جای خود را به دموکراسی پرولتری حکومتی شورائی داده است. -

لنین در این باره می نویسد:

"اینکه پارلماناریسم از لحاظ تاریخی کهنه شده است، مفهوم جهانی - تاریخی است، یعنی عمیقاً پارلماناریسم بورژوازی سپری شده و عصر دیکتاتوری پرولتاریا آغاز گردیده است. در این امر تردیدی نیست (لنین چریکها را تا کیدها از لنین است) و "کارگران و دهقانان حکومت شوروی را بعداً زسنگون کردن بورژوازی و پارلماناریسم، بنا کردند. امروز مشکل نیست دیدن اینکه این کار نه تارونه عمل احفانسه از طرف بلشویکها، بلکه سرآغاز تغییرات جهانی دوعصر دورا ریخ جهان بود - عصر بورژوازی و عصر سوسیالیسم، عصر پارلماناریسم سرمایه داری و عصر نهادهای دولتی شورائی پرولتاریا." (جلد ۲۹ صفحه ۲۳۰ چاپ انگلیسی)

البته دموکراسی بورژوازی (و بطریق اولی دموکراسی انقلابی خرد بورژوازی) یا اگر دقیقتر بگویم دموکراسی انقلابی - ملی در جوامع تحت سلطه امپریالیسم که انقلاب دموکراتیک را بیایان نرسانده اند در محدود و نه از لحاظ تاریخی - جهانی دارای نقش انقلابی و مترقی است (در جوامع تحت سلطه ایگه شیوه تولید سرمایه داری که سرمایه داری به راه رسیه است) اما "حاکم شده بورژوازی ملی استحال - یافته، خرد بورژوازی چنین گرایشی را میتوان نامندماندگی کند - نظیر ایران، - بعنوان نمونه لنین در ارزیابی نقش سونیات سونیمنا به نام یافته بورژوازی ملی در چین در دوران که بورژوازی - خصلت ارتجاعی و حتی مافوق ارتجاعی از لحاظ تاریخی کسب کرده است می نویسد:

"بخودی خود انسان ناگزیر بمقاومت بین رئیس جمهور موقت در چین وحشی، و سران و آسیائی با رؤسای جمهورهای مختلف

## درستایش کار غیر قانونی

### بوتل پرست

چه شکوهمندست  
ندای نبرد طبقاتی را در دامن  
توده را با بانگی رسا و پرطنین به میدان  
نبرد کشانیدن  
بیروی سرکوبگران را خرد کردن، بندهای  
توده های تحت ستم برکشادن  
اما چه سخت و چه پربهره است کارهای کوچک  
هر روز  
شبکه حزبی را با کار مخفی پیگیر گسترانیدن  
در برابر لوله تفنگ سرمایه داران  
سخنرانی کردن  
وینها ن کردن سخنران  
فتح کردن  
وینها ن کردن فاختان  
جان سپردن  
ومرگ را کردن پنهان  
کیست که برای شهرت در آب و آتش نراند؟  
ولی کیست که چنین کند و در گمانا می ماند؟  
شهرت و نام، به عبث، می جوید آنرا  
که می کنند کارهای عظیم و نمایان را  
قدم پیش گذارید، لحظه ای، ای گروه ناشناس  
- که پوشیده اید چهرهتان را -  
تا نشانرتان کنیم در دوسویا س!

ا شدیدترین فشارها و محاصره اقتصادی قرار گرفت  
حاضرندگامی در جهت زدودن این دشمنی  
و موضع گیریهای خصمانه بردارد. اما  
بلافاصله پس از حل مسئله گروگانها (که  
امروزه دیگر ما هیت این گروگانگیری و  
آزاد کردن گروگانها بزرگمان معلوم شده  
است) روابط اقتصادی و سیاسی خود را با  
سرعت بی سابقه ای با دنیای غرب گسترش  
داد و قرار دادهای کلان پشت سر هم بیا  
انحصارات امپریالیستی منعقد نمود و  
این خود را ثیدیست بر ما هیت ارتجاعی  
رژیم کنونی.

رژیم جمهوری اسلامی اینک در سایه  
اقدامات ارتجاعی خود بیش از پیش  
پایگاه توده ای اش را از دست داده است و  
برای حفظ حاکمیتش ناچار است که به  
سرکوب خونین توده های مبارز نیروهای  
انقلابی و خلقهای تحت ستم متوسل شود  
و حما خون برآهید تا زنده اما و خود در -  
این حمام خونی که بر آه انداخته غرق خواهد  
شد.

"زندگی کا خود را خواهد کرد، بگذار  
بورژوازی به خود پیچد، ز شدت خشم سر  
حدجنون برسد، شورش را در آورد، حماقت  
بکند، پیش از وقت از بلشویکها انتقام  
بگیرد و بگوشد تا مدها و هزارها و صدها هزار  
تن از بلشویکها و بیروزی یا بلشویکهای  
فردا را زباید بشکند و در هندوستان،  
مجارستان، آلمان و غیره) بورژوازی با  
این رفتار خود همان کاری را میکند که  
کلیه طبقات از طرف تاریخ بمرگ محکوم شده  
می کردند. کمونیستها با بدیداند که آینه  
بهر حال از آن آنهاست و لذا ما میتوانیم  
(و موظفیم) شور عظیم خود را در مبارزه عظیم  
انقلابی با خون سردانه ترین و هشیارانه  
ترین حصابها روی قتلایهای دیوانه وار -  
بورژوازی توماس رژیم (لنین - بیما روی  
"چپ روی" در کمونیسم)  
در این میان تنها با بدبحال کسانی  
افسوس خورد که آنری خود را در پشتیبانی  
از بیرونی ارتجاعی حاکم حرف می کنند که  
از نظرات ریخ محکوم بمرگ و زوال است.

در اروپا و آمریکا، در کشورها که فرهنگ  
بیشرفته دارند، میشود روسای جمهوریهای  
اینجا از مدیر تجارت، کاردار و عروسک  
ها شای در دست بورژوازی اند، اما مومکمال  
پوسیده، از سر تا پا غرق در کثافت و خون  
ولی نهدرخون پادشاهان بزرگ مولان،  
بلکه در خون کارگران حین اعتصاب که  
بنا میبشرفت و تمدن بگلوله بسته شده اند.  
رؤسای جمهوریهای اینجا نمایندگان  
بورژوازی اند که مدتهاست از آرمای نهی -  
جوانی روی گردانیده، تا سر حد ممکن به  
منجانب روسپیگری در غلطیده و خود را تمام  
و کمال به میلیونها، میلیاردها و حتی  
فئودالهای بورژوازی و غیره فروخته  
اند.

در عرض این رئیس جمهور موقت  
آسیائی را در نظر بگیریم و دموکراسی  
انقلابی است، سرشار از مالت و قهرمانی  
... با این گفته احیاناً "بدان معنی  
است که غرب ما دی دیگر پوسیده گشته است  
و نورتنها از آسیای عرفانی و مذهبی به  
جهان می تابند؟ خیر، درست بعکس، معنی  
آن گفته چنین است که شرق دیگر بطور قطع  
پادرا غرب نهاده که صدها و بانه صدها  
میلیون انسان در مبارزه با ظلمت  
ها شای که غرب بدانها تا ثل گشته شرکت  
میورزند. آنچه پوسیده شده بورژوازی غرب  
است که گورکش، پرولتاریا، روبروی او  
ایستاده است. ولی در آسیا هنوز بورژوازی  
موجود است که قافا در است در یک دموکراسی  
صادقانه، رزمجو و پیگیر نمایندگی کند.  
(دموکراسی و آیدئولوژی بوبولنیستی در  
چین) ولی هر چند که قانون اساسی جمهوری  
اسلامی را جستجو کنید و بکا و بدو عملکردهای  
آنرا مورد مداقه قرار دهید نشان از -  
دموکراسی انقلابی، صادقانه، رزمجو و  
پیگیر، نخواهید یافت. چرا که قدرت حاکمه  
بورژوازی ارتجاعی را نمایندگی میکند  
که غرق در خون و کثافت است، که بنام  
اسلام کارگران و دهقانان را بگلوله می  
بندد، خلقهای که برای تحقق خواستهای  
خود مبارزه می کنند با خاک و خون می کشد،  
دسته دسته کمونیستها و مکرراتهای انقلابی  
را بجوخه های اعدام می سپارد، چرا که  
هژمونی سیاسی در دست بورژوازی متوسط  
تجاری است که تمام "پوسیده و ارتجاعی  
شده است.

در قانون اساسی رژیم جمهوری اسلامی  
حتی دموکراسی ظاهری بورژوازی نیست -  
نقض شد و راه دولتی قبیله مافوق و برتر از  
اراده توده ها قرار گرفته است. قوانین  
قضائی زنان را در ردیف محرومین و متغیر  
شده و از حقوق انسانی محروم کرده است.  
حزب جمهوری اسلامی حتی همان قانون -  
اساسی ارتجاعی را زیر پا نهاده و سلطه  
مطلق العنان و فاسدگسیخته اش را که  
متکی به هیچ قانونی نمیشود خداحکم نموده  
است.

رژیم سیاسی حاکم، بجز دیکتاتوری -  
تروریستی و ارتجاعی بورژوازی چریکری  
نیست و همه خواهد، دلایل و عملکردهای آن  
بطور انکارناپذیری خط بطلان بر هر گونه  
یا وه گوئی و عوام فریبی در باره حاکمیت  
دموکراسی انقلابی در کشور، کشیده است.  
سیاست خارجی رژیم نیز که انعکاس  
همین سیاست ارتجاعی داخلی است امروز  
بیش از پیش روشنتر شده و ما هیت شعار "نه  
شرقی و نه غربی" زما مداران کنونی که  
مضمون حقیقی آن گسترش روابط با دنیای  
غرب و پشتیبانی از نیروهای ارتجاعی  
نظیر، جنبش ارتجاعی در افغانستان، حزب  
الدعوه در عراق، جنبش امل در لبنان و -  
منطقه می باشد هر چه عربها نترگشته است.  
رژیم جمهوری اسلامی در طول این مدت حتی  
دره ای نیز از دشمن خویش نسبت به اردوگاه  
سوسیالیسم و بزرگم و "بر قدرت" و "سوسیال  
امپریالیسم شرق نکاسته است. این رژیم حتی  
در شرایطی که بعلت گروگانگیری تحت

# رژیم برای سال تحصیلی آینده "خوابهای طلایی" دیدهاست

روزنامه اطلاعات مورخ دوشنبه ۵ مرداد بخشنا می‌های را که در طرف فرخ‌روز مدیتر کل آموزش و پرورش استان فارس خطاب به روسای ادارات شهرستانها صادر شده، منتشر کرد. در این بخشنامه تمام ملاحظات کنار گذاشته شده و با کمال وقاحت دستور قلع و قمع دانش آموزان، معلمان و کارمندان وزارت آموزش و پرورش صادر شده است. این جناب مدیرکل با ذکر این که "توطئه تنها بمب گذاری و آدم‌کشی نیست" دستور العمل‌های غلاظ و شاد خود را درباره "دانش آموزان بی‌نظم و وابسته به گروهها" "معلمین و کارمندان منحرف و متخذا بسر قدرتها" و "خانمها نیکه رعایت شئون اسلامی را نمی‌کنند" که البته بزعم ایشان "هم مشغول توطئه هستند" صادر کرده است.

در بند ۱ این بخشنامه که به روسای ادارات دستور داده است: "۱- خودداری از ثبت نام دانش آموزان که به سبب بی‌نظمی و فعالیت‌های گروهی و ضد اسلامی اخراج شده‌اند. ضمناً "لیست و نام و مشخصات آنها به ادارات آموزش و پرورش گزارش شود." همانطور که مبادا از واسطه سال گذشته اخراج دانش آموزان مبارزان - مدارس بطور وسیع به بیانه‌های مختلف شروع شود همین امر باعث اعتراضات و اغماضات و نظاهرات وسیع دانش آموزان گردید. اکنون با این دستور العمل برای همیشه این دانش آموزان را از تحصیل معروم کرده و در عین حال با خواستن لیست و مشخصات آنها میخواهند حتی مانع نام نویسی این دانش آموزان در مدارس سایر نقاط ایران شوند.

در بند ۲ و ۳ این بخشنامه دستور میدهد: "تهیه صورتجلسات و اعلام اسامی معلمان و کارمندان که شایستگی را به علت انحراف فکری و تضعیف بر قدرتها قوت بخشیده و سعی در تضعیف جمهوری اسلامی داشته و وابستگی آنها به گروهها مشخص شده است. ۳- تحقیق در مورد اینکه باید آماه به خدمت شوند و معرفی آنها با داره کل آموزش و پرورش بوسیله روسای ادارات در اینجا صحبت از معلمینی نیست که تاکنون با کسری و بیادراختیار داده - گذاشته شده‌اند، بلکه منظور معلمان و کارمندان است که "شایستگی را قوت بخشیده و سعی در تضعیف جمهوری اسلامی دارند" یعنی هر معلم شریفی که حاضر نباشد مجبور رژیم را گفته و برای آنها علیه معلمین، کارمندان و دانش آموزان همانند مریبان تربیتی جاسوسی کند، بنامش بعه برآکشی، منحرفین فکری و تضعیف کنندگان جمهوری اسلامی مشغول تضعیف و پاکسازی خواهند شد. و در اینجا ریش و تیغی را هم بدست - روسای ادارات شهرستانها گذاشته حکم خود را در باره اخراج آنها داده بخدمت معلمان و کارمندان را ما در بیه مورد اجرا بگذارند.

و بالاخره در بند ۴ بخشنامه هم چاق - اختناق خود را تحت عنوان "حجاب اسلامی" بلند کرده و گفته است: "جلوگیری از ادامه کارخانمها نیکه در مدارس و ادارات آموزش و پرورش رعایت شئون اسلامی و حجاب را نمی‌کنند و رسیدگی به وضع آنها و بالاخره بکار گرفتن کلیه امکانات مقدساتی جهت

هما هنگی در مورد یثولوجی سیاسی و مسائل پرورشی برای جذب و تربیت نیروی اسلامی دانش آموزان".

و با این ترتیب رژیم جمهوری اسلامی با این بند برای تمام معلمان و کارمندان زن خط و نشان می‌کشد که اگر صدایشان در آید تحت عنوان "عدم رعایت شئون بکارخانمها خاتمه خواهد داد. در ضمن این بند می‌رساند که با کسب چه برنامها مستخدمه‌ای در جهت ترویج "ایدئولوژی سیاسی" یعنی ایدئولوژی حزب جمهوری اسلامی برای معلمان و دانش آموزان دارد؟

با این توجیهات که این بخشنامه نمونه‌ای از بخشنامه‌های است که به تمام ادارات آموزش و پرورش تهران و شهرستانها صادر شده و بنام براین مفاد آن دستور العمل کلی برای همه ادارات است، و از هم اکنون روسای ادارات بکمیته‌های مدارس و بخصوص مریبان پرورشی (یعنی ساواکیها) آموزش و پرورش) است که دست اندازگی ربابا ده کردن مفاد بخشنامه فوق - هستند. شک نیست که رژیم جمهوری اسلامی که نفوذ وحیثیت خود را در بین اقشار وسیعی از مردم از دست داده در همه زمینه‌ها به سرکوب و ترور عربیان متوسل شده و کوشش هم برای حفظ ظاهر نمیکند. رژیم ضد خلقی که پورش به سازمانها انقلابی، توفیق تمام روزنامه‌های غیر دولتی و جلوگیری از فعالیت هر سازمان سیاسی بجز حزب - دولتی جمهوری اسلامی و وابستگان را آغاز کرده اکنون پورش لجام گسیخته خود را به تمام اقشار و طبقات خلق به کارگران، دهقانان، کارمندان، معلمان، دانش آموزان و... را گسترش میدهد. این سیاست رژیم است که در جهت ایجاد گروستان برای - غارت خلق و پرکردن جیب گشا در ما به - داران حرکت میکند، اما طرف دیگر مقاومت و مبارزه خلق است که در سطوح مختلف به مقابله با رژیم برخاسته است. رژیم بسته عیب می‌کوشد اینجا با صدور بخشنامه، آنجا با تعطیل ادارات، و در جای دیگر با اخراج و پاکسازی، زندان و اعدام مسلطه خود را بر اقشار و طبقات جامعه بگستراند. اما

مبارزان توده‌ها، در تمام سطوح، اجرای نقشه‌های اهریمنی رژیم را با اشکالات جدیدی روبرو ساخته است. همچنانکه شک نیست تمهیدات آموزش و پرورش هم در باره معلمان و دانش آموزان آگاه و مبارزان شکست قطعی روبرو خواهد شد.

اما این امر به خودی خود انجام پذیر نیست. باید با شکل و سازماندهی مبارزه و مقاومت در زمینه اخراجها و اعمال فشارها جلوی خیره سربهای رژیم گرفته شود. بسر دانش آموزان آگاه و مبارزان است که با تشکیل کمیته‌های اتحاد عمل در هر مدرسه و هر محله و هر شهر به فعالیتها مشترک در مقابل اخراج فکری دانش آموز خود، به اشکال مختلف مبارزه از نظاهرات، تحصن، اعتصاب اقدام کنند. نباید گذاشت رژیم با لهای سیاه اختناق خود را بروی جامعه بگستراند، همچنانکه سازمانهای انقلابی با اقدامات انقلابی خویش در مقابل تعرضات رژیم به حقوق و آزادیها دموکراتیک مردم بنیاد است. وظیفه نیروهای دموکراتیک، معلمان و دانش آموزان - است که با سازمان دادن مبارزه و مقاومت در هر کوی و برزن، در هر مدرسه، دبستان و دبیرستان مبارزه و مقاومت را علیه رژیم سازمان دهند. در چنین شرایطی، در برابر مریبان یکبارچه معلمان دانش آموزان خواهند دید که بخشنامه‌های فرخ - روزها و امثالهم ورق پاره‌های هستند که جایشان در سبزه باغ نخواهد بود.

## امام جمعه مرتجع شیراز را

### بهرتر بشناسیم

از تشریح فروش هوا داران سازمان چریک های فدائی خلق ایران - شیراز شماره ۳ نیمه اول مرداد ۱۳۶۰

زمانی که فدائیان خلق و سایر یارانشان را با این انقلابی به مبارزه علیه شاه و امپریالیستهای حامی آن برخاسته بودند و در زیر شکنجه‌های وحشیانه ساواک قهرمانانمان از منافع کارگران و توده‌های زحمتکش دفاع کرده و شهادت را پذیرا می‌شدند، دستگیرها، بهشتی‌ها، فلسفی‌ها، حجازی‌ها و... به شنا گوشتی شاه می‌پرداختند و انقلابیون خلق را عده‌ای "بیگانه" و "وابسته" مینامیدند. در آن دوران حقان شاه ایان بگوشتی خریدار بودند و از شاه و ساواک در کیشمان بنیاد خدمات میدادند. جایزه میگرفتند و زمانی که به برکت قیام توده‌ها به قدرت خریدند با تغییر چهره یک شبه انقلابی شدند و در زیر شعار دروغین مبارز آمریکا خیانست‌های خود را لاپوشی کردند.

اما زهی خیال باطل برای مردم جای سوال است که چگونه دستگیر شدند؟ حرکت اعتراضی توده‌ها را "نظاهرات - عده‌ای جوان احساساتی و تندرو" مینامیدند امروز که به قدرت رسیده‌اند است این همه خود را انقلابی جا می‌زنند.

برای مردم جای سوال است که چگونه زمانی که ساواک در رژیم خون آشام - دست توانا نشان فتح گردید و پرونده‌های موجود بدستمان افتاد، دستگیرا زترس - اینکه سندا افتخارشان بدست مردم افتاده - هما نشب مریض مملحتی شده و خود را پنهان کرد.

مردم خوب بیا دادرند که بعد از فتح ساواک چگونه روحانیت فتوا داد که تمام مدارک را به مسجد بیاورید و همان شب روحانیون مبارزان را صبح در مسجد ولی عصر تشکیل جلسه داد و تا دوروز لابلای پرونده‌های ساواک بدنیاال سندا افتخارشان می‌گشتند که می‌دان این اسناد بدست مردم بیفتند.

سند زیر نمونه دیگری از مدها نمونه‌ای است که این جلادان خلق را آشفاء کرده و میکند...

### سند افتخار امام جمعه شیراز!!

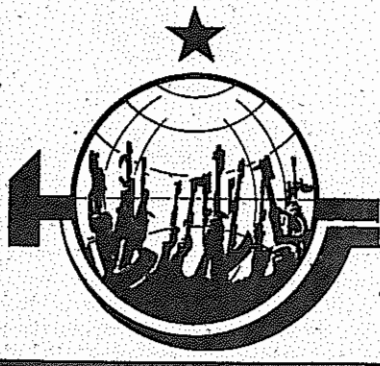
بسم الله الرحمن الرحیم  
این سند در روز ۱۳ مرداد ۱۳۶۰ در دسترس قرار گرفت و به دست مبارزان رسید.  
تقریباً ۱۳۶۰-۱۳۶۰  
تقریباً ۱۳۶۰-۱۳۶۰

بهر روز ملاقاتی که آقایان سید کاظم دستگیر و سید محمد دستگیر و سید محمد دستگیر با این بنیاد بکار آوردند عطا از آقای سید کاظم دستگیر بدین نام انسان اظهار داشتند جوانها و تندروها را که تم بمبارا سید کاظم دستگیر را در نظام ارتش علیه دولت قرار دادند املاح اینگونه بعد از بارش عقاب از تریه کوه، شیراز زاترک گویم  
رئیس تهراندینا و انسان از تریه کوه شیراز

# مبارزه ضد امپریالیستی از مبارزه برای دموکراسی جدا نیست



### جنبش جهانی



## همبستگی بین المللی با خلق السالوادور

### کارگران بارانداز کلیه بنادر غربی آمریکا از حمل اسلحه به السالوادور جلوگیری کردند

## کاهش بودجه رفاهی، افزایش بودجه نظامی



بقیه از صفحه ۱

السالوادور اقدامات اتحادیه از حدود  
بایکوت فراتر رفته است. اتحادیه در  
بیست و چهارمین اجلاس خود (که هر دو -  
سال یکبار تشکیل میشود) قطعنامه ای -  
صادر کرد که در آن "شدیدا" به کمکهای -  
نظامی و اقتصادی آمریکا به حکومت  
نظامی السالوادور اعتراض کرد "قطعنامه  
همچنین حاوی حمایت از تمامی  
نیروهای بود که در راه آزادی، عدالت  
و پیشرفت اقتصادی مردم السالوادور -  
مبارزه میکنند. همچنین در نامه فوری به  
اتحادیه همراه با گروههای دیگر کارگری  
در یک کارزار مبارزاتی که شامل ارسال  
تلگراف و نامه و برگزاری سخنرانی ها  
و میتینگ ها بود شرکت کرد. هدف این  
مبارزات جلوگیری از ارسال کمک نظامی  
آمریکا به السالوادور می باشد. در همان  
ماه اتحادیه میتیگی در سان فرانسیسکو  
ترتیب داد که سه تن از نمایندگان  
اتحادیه های کارگری السالوادور در آن  
شرکت کردند.

هر چند این بایکوت ارسال اسلحه به  
السالوادور را متوقف نساخته ولی ارزش  
سمبلیک این عمل در تقویت حمایت  
جهانی از مبارزات خلق السالوادور -  
بسیار با اهمیت بوده است. مسئله ای که  
نقش مهمی در پیروزی خلق ویتنام علیه  
امپریالیسم آمریکا ایفا کرد. همچنان که  
رئیس اتحادیه کارگران بارانداز گفت:  
"ما میدانیم مبارزه سربازان از مبارزات  
در واقع مصیبت بار السالوادور است و  
در ادامه دادن با این کار بوس و حشمتناک و  
در بار زگرداندن امنیت و آزادی برای  
مردم السالوادور سهیم باشیم".

از ماه دسامبر (آذر ماه) سال گذشته  
تا کنون کارگران بارانداز در طول کلیه  
بنادر غرب آمریکا با رگبری و اسلحه  
نظامی به مقصد السالوادور را بایکوت  
کرده اند. پس از قتل ۴ راهب آمریکایی  
توسط دولت السالوادور، اتحادیه  
بین المللی دریا نوردان و کارگران  
بنادر غربی آمریکا، زلوس آنجلس تا  
اوکلند (یعنی تمامی ۳۰ بندر غربی)  
این بایکوت را رعایت کردند. رئیس  
اتحادیه ( ) گفت: "ما سادگی این  
بایکوت را اجرا نکردیم. این بایکوت  
نشانه اعتراض عمیق ما به ترور و وحشی  
است که از سوی دولت السالوادور به  
مردم این کشور تحمیل شده است. در اثر  
این بایکوت دولت آمریکا مجبور شده با  
صرف هزینه های فوق العاده تمامی  
وسائل نظامی را از طریق هوا و یا بنادر  
شرقی بفرستد. زیرا اتحادیه برینسادر  
غربی نظارت کامل دارد تا کوچکترین  
محموله ای از این طریق حمل نشود.

این اقدام اتحادیه نقطه عطفی بود  
در تمرکز جنبشهای اعتراضی که در جهت  
فایان دادن به حمایت آمریکا از دولت  
فاشستی السالوادور فعالیت میکنند.  
این نکته قابل یادآوری است که  
اقدامات اتحادیه ( ) همیشه جهت  
تترقی نداشته است مثلاً در کنار بایکوت  
حمل اسلحه به السالوادور، اتحادیه  
نظیر چنین اقدامی را در رابطه با داخل  
شوروی در افغانستان و گروگان گیری  
در ایران انجام داده است. ما در مورد

عمومی سرمایه داران را شاره کردیم. ما  
نوشتم که چگونه در این کشورها، پس  
کارگران و توده های زحمتکش اندک  
بیشترین بار بحران و اثرات ناشی از  
آنرا بردوش می کشند و توفیق دیدیم که در  
کشورهای امپریالیستی، بدلیل اتخاذ  
سیاستهای نژادپرستانه، به منظور ایجاد  
تفرقه و جدائی بین کارگران بومی و غیر  
بومی، آن بخش از طبقه کارگر که بیشترین  
ستم و استثم را میریالیستی را تحمل می  
کنند، یعنی کارگران مهاجرو سیاه پوستان  
تعارض طبقاتی با سرمایه داران و -  
با نتیجه با دولتهای حامی آنها بیشتر  
است.

در این شماره با نگرش مختصری به  
برنامه اقتصادی دولت ریگان و سیاست  
میلیتاریستی سر کرده امپریالیستها، به  
روند گسترش مبارزات کارگری در آمریکا  
می پردازیم.

بحران عمومی جهان سرمایه دار،  
دولت آمریکا را همچون دیگر کشورهای  
امپریالیستی واداشته تا به تلاش های -  
مذبوحانه ای جهت خروج بحران اقتصادی  
دست زند. کاهش بودجه رفاهی و خدمات  
اجتماعی و افزایش بودجه نظامی، بخشی  
از برنامه اقتصادی دولت ریگان، جهت  
رویا روشی با مشکلات اقتصادی کشور بوده  
است. اما هر قلم کار جنبش است:  
قطع کوپن غذا به مبلغ ۱/۹ میلیارد -  
دلار و محروم کردن یک میلیون نفر از این  
کوپن ها.

حذف کمک تا مین اجتماعی به کارگران -  
نیکه در آمدنا چیزی دارند (کارگران -  
خانگی). هم چنین قطع کمک به فرزندان -  
محمل آنان که بیش از ۱۸ سال دارند.  
کاهش کمک به خانواده های بی -  
عائله به مبلغ ۱/۱۱ میلیارد دلار.

کاهش وام دانشجویی به مبلغ ۳۶۰ -  
میلیون دلار که در نتیجه حدود یک میلیون  
داانشجویان از دریافت وام محروم میشوند.

بدیهی است اتحادیه جنبش جهانی  
بیشترین فشار را بر زحمتکشان تحمیل کرده  
و میلیونونها نفر را به تنگدستی و فقر و بی  
خانمانی می کشاند.  
و در مقابل این کاهش ها افزایش  
فوق العاده بودجه نظامی از طرف ریگان  
بیشترها دگر دیده و از جانب سنا و مجلس  
نمایندگان ایالات متحده به تصویب رسید.  
است: افزایش ۲۳ میلیارد دلار بودجه  
نظامی آمریکا برای عملیات ۱۹۸۲ و ۱۹۸۱  
بودجه نظامی که در سال مالی ۸۱ (که در ۳۰  
سینا میریالیسم می رسد) به ۱۷۷ میلیارد  
و ۷۰۰ میلیون دلار در سال بعد از آن به  
۲۲۲ میلیارد و ۸۰۰ میلیون دلار خواهد  
رسید. بقیه در صفحه ۱۶

قطع ۳۷۸ میلیون دلار کمک مالی و  
غرامت های ناشی از بیمه ریه ای ریوی،  
کاهش وام خرید خانه و کمک به  
اجاره خانه به مبلغ ۲/۲ میلیارد دلار، در  
نتیجه خانواده های فقیر با یدمیلینگ  
بیشتری از درآمد خود را برای سرپناه -  
بپردازند.

کاهش کمک دولت به غذای مدرسه به  
مبلغ ۱/۷ میلیارد دلار و حذف غذای مجانی  
و تخفیف یا فته برای کودکان زحمتکشان.  
حذف بورسیه های تحصیلی به میزان ۲۵  
درصد.

کاهش بودجه تا مین زندگی سالمندان  
همچنین کاهش بودجه بهداشت و خدمات  
درمانی.

## مستحکم باد پیوند جنبش طبقه کارگر و جنبشهای رها ئی بخش سراسر جهان



# کاهش بودجه رفاهی، افزایش بودجه...

بقیه از صفحه ۱۵

در طرح بودجه ریگان افزایش هزینه های نظامی دیگری نیز معادل ۱۴۲ میلیارد دلار، یعنی ۱۶۲ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۱ به ۳۰۴ میلیارد دلار در سال مالی ۱۹۸۵ و در صورت انتخاب مجدد ریگان، این رقم به ۳۴۲ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۶ خواهد رسید. علاوه بر این، سیاست میلیتاریستی ریگان موافق ارتقای قبیل نکات ذیل را - نیز در بر میگیرد: تقویت نیروهای ۲۵۰ هزار نفری در آلمان غربی، افزایش کمک های نظامی به رژیم های ارتجاعی فاشیستی جهت مقابله با جنبشهای رهاشی بخش، مانند انقلاب سالوادور، منطقه خاور میانه و خلیج فارس، تشکیل نیروهای مشترک در منطقه خاور میانه با دستپاچگی اسرائیل و مصر، اگر جنوبی و تقویت پایگاه های نظامی در مناطق مختلف از جمله تقویت فوق العاده پایگاه هدیه گوگاریسیا.

آنچه بر شمرده ایم تنها گوشه ای از سیاست ضد مردمی و ضد کارگری دولت آمریکا است. دولت ریگان با قبول نرخ تورم ۱۳/۵٪ و نرخ بیکاری ۱۲٪ که جهت تامین منافسع انحصارات غارتگری با شدت همناهای انگلیسی، آلمانی، فرانسوی و... را از پشت بسته است.

علاوه بر اجزای افزایش زمان متوسط بیکاری (۱۰/۸ هفته در سال ۱۹۷۹ به ۱۳/۵ هفته در سال ۱۹۸۰) دولت ریگان برای سرکوب کارگران و زحمتکشان به شیوه دیگر سرکوب متوسل میشود. بکارگیری کولکوس کلان ها در سرکوب جنبش سیاهان در اتلانتا و قتل و کشتار کودکان و جوانان در این منطقه توسط این گروه فاشیست نژادپرست بیابانگرا هیت واقعی سرما به داران - جنایان کارگر در برابر حرکات اعتراضی خودها - خصوصا "زحمتکشان رنگین پوست آمریکا است. غارتگران تنها با این شیوه های تیر بکنده نمی کنند. پلیس فاشیست وحاشی منافع امپریالیستها، به هر حرکت اعتراضی سیاهانه هجوم می برد. اما علیرغم تمام تلاش های مذبحخانه امپریالیستها برای اهرای از بحران و جبران کاهش سودهای غارتگرا شان، مبارزات توده های زحمتکش هر روز گسترش و عمق بیشتری می یابد. راهپیمائی و تظاهرات یکصد هزار نفری سوم ماه مه در مقابل پنتاگون و کاخ سفید در اعتراض به سیاست میلیتاریستی ریگان و مداخله نظامی در آل سالوادور و کاتلانتا و ونیز رفاهی و در دفاع از کودکان اتلانتا و ونیز تظاهرات چند هزار نفری اخیر در شیکاگو در اعتراض به کاهش بودجه برنامه های اجتماعی و برهم زدن گردهم آشی حزب - جمهوریخواه تماما "بیانگر مبارزات مردمی است که در برابر سلب حقوق اساسی خویش بیاخته اند.

در کنار رنجین حرکت های توده ای جنبش کارگری نیز زرفاشی دیگری فته است. مبارزه بخشهای مختلف صنایع آمریکا نیز فریاد اعتراضشان را بصورت اعتصابان کارگری و حرکت های انقلابی در جهت تشکیل بیشتر طبقه کارگر به نمایش گذاشته اند. در پی اعتصابات ۱۶ هزار نفری - کارگران معدن ذغال در ویرجینیا و کنتاکی و تظاهرات گسترده و پیوستن سایر کارگران معاند از جمله در پنسیلوانیا با آنها که در پی قطع ۳۷۸ میلیون دلار فرامتن های ناشی از بیمه ریه ای ریوی بوقوع پیوست، در ۱۷ مارس نیز بیش از ۳۵۰ تن از کارگران -

کارگران میوتروکارگران تعمیرکار عراضو اتحادیه کارکنان خدمات عمومی دا نشگاه آلابا مبارزه با تین بودن سطح دستمزدها و نابرابریهای اقتصادی دست از کار کشیدند. این برای دومین بار است که در سال جاری کارگران کامپیوتریستس اعتصاب میکنند. در ژانویه گذشته نیز کارگران کامپیوتریستس اعتراض به همین مسائل اقدام به اعتصاب نموده بودند که پس از چند ساعت، هنگامی که مقامات دانشگاه تعهد کردند که در جهت حل مشکلات کارگران اقدام نمایند، به سرکار خود با زنگشتند. ولی این تعهدات هیچگاه تحقق نیافت و کارگران کامپیوتریستس در پیگردست با اعتصاب زندگانه این کارگران کارکنان تعمیرکار نیز به پشتیبانی آنها به اعتصاب پیوستند. کارگران به ۲۸ ساعت کار در هفته و عدم پرداخت دستمزد یکسان برای کارکنان و سلب حقوق کارگران در طبقه بندی مشاغل اعتراض دادند. این حرکت اعتراضی بدلیل مبارزه پیگیر کارگران و نیز پشتیبانی کارگران تعمیرکارها، از اعتصاب قبلی موفقیت آمیز تر بود. کارگران سرانجام مقامات دانشگاه را مجبور به پذیرش موافقتنامه ای نمودند که طی آن درخواستهایشان تضمین شده بود.

در آوریل نیز بیش از دو هزار نفر از کارگران کارخانجات مختلف شهر سا مینتر (شهر ۲۵ هزار نفری در کالیفرنیا - شمالی) به پشتیبانی از ۱۱۰ تن از کارگران کارخانه چوب بری این شهر، دست به راهپیمائی دادند. این راهپیمائی در اعتراض به سیاستهای نژادپرستانه دولت و سرما به داران نسبت به سیاهان پوستان و سلب حقوق مدنی آنان و ونیز اعتراض به نحوه تجدید قرارداد ۱۱۰۰ تن کارگران کارخانه چوب بری انجام گرفت. ما حیان کارخانه قصد داشتند با سیری شدن مدت قرارداد، دستاوردهای تازه اتحادیه در گذشته بدست آورده بود زیرا گذارند و قرار دادی مطابق دلخواهشان به کارگران تحمیل کنند. کارگران برای دستیابی به حقوق خویش و برای آنکه نشان دهند چنانچه خواهانهاشان با سختمت داده نشود، نصف یکبار چنانچه در راست در برابر کارفرمایان ایستادگی نمایند اعلام راه پیمائی کرده و از تمام اتحادیه های کارخانجات مختلف و حتی اتحادیه های بین المللی درخواست اعلام همبستگی کردند. در پی سیاهانای وحدت طلبانه کارگران، کارخانه چوب بری شهر سا مینتر، سا زمانهای مختلف کارگری و از جمله اتحادیه های کارگری بیما رستانها فعالانه در راهپیمائی شرکت کردند. حمایت وسیع و گسترده از راهپیمایان ما حیان کارخانه را مجبور کرد در متن قرارداد تجدید نظر بعمل آورد. بطوریکه در متن قرارداد - مسائل مربوط به بهداشت و ایمنی و ونیز افزایش دستمزدی معادل یک دلار و ۲۷ سنت در ساعت برای مدت سه سال برای تمام کارگران اعمال زکارگران سفید و سیاهان تضمین گردید. کارگران پس از ایمنی پیروزی در یک گردهم آشی با صدور بیانیه ای اعلام داشتند: "کارگران با دفاع از حقوق دمکراتیک کارگران سیاه پوست کسسه کمترین دستمزد را دریافت میداشتند و بیشترین سختی ها را متحمل شده و در بدترین شرایط استقامت می شدند، نشان دادند که امروز دیگر مسئله لایحه قدیمی "کارگران سیاه" نمی تواند مطرح حیا شد. کارگران اعلام داشتند: "درست است که کارگران سیاه پوست برابر سایر سیاهان نژادپرستانه امپریالیستها، ضربه پذیرترین بخش جنبش کارگری میباشند (کارگرانی که آخرین کسانی هستند که استخدام می شوند و نخستین کسانی میباشند که آتش بر

رویشان کشوده میشود) ولی کارگر سیاهان اکنون در قلب صنایع جنوب و در قلب جنبش کارگری قرار دارند. ما باید تمام نیروها را برای حمایت از این حلقه ضعیف در جنبش کارگری متمرکز کنیم. زیرا تنها طبقه کارگر زمان یافته و متحدان در دست در برابر هرگونه نظام اجتماعی نژادپرستانه که در جنوب و در تمام کشور اعمال میشود، مبارزه و ایستادگی کند. در هفته گذشته نیز، اعتصاب سرتاسری ۱۵۵۰ نفر از کارکنان کنترل پرواز فرودگاه های آمریکا بود که رسوما و (۱۲ مراد) پس از شکست مذاکرات آغاز گردید و با عت فلج شدن ترافیک هوایی آمریکا شد. کارکنان کنترل پرواز فرودگاه های آمریکا خواستار ۳۳ ساعت کار در هفته، مزایای بهتر بازنشستگی و هزار دلار اضافه حقوق سالانه هستند که در آمد سالانه آنان را به میزان ۵۹ هزار دلار در سال میرساند. علیرغم تهدیدات ریگان و همچنین قضا دادگاه های فدرال آمریکا مبنی بر جریمه سیاهان اتحادیه در صورت ادما اعتصاب، اعضا مبنی تصمیم گرفتند تا با پیروزی قطعی به اعتصاب خود ادامه دهند.

همزمان با واگیری حرکات اعتراضی و اعتصابی کارگری، حرکت در جهت تشکیل سازماندهی در بین کارگران آمریکا، بخصوص در جنوب با موفقیت به پیش می رود برای نخستین بار در کارخانه نیوگلاس برور "کدیک کارخانه بلورسایز برای لات جنوبی آمریکا است. کارگران پیروزی - تشکیل اتحادیه کارگری و پیوستن به اتحادیه سراسری را جشن گرفتند. در این کارخانه، سه هزار کارگر وجود دارد که پیش از این فاقد هرگونه شکل سازماندهی بودند. یکی از کارگران کارخانه می گفت: "ما با لایحه بین نتیجه رسیدیم که برای حل مشکلات ما باید متحد شویم. ما دیدیم که نیا زبه اتحادیه داریم، دستمزدها بسیار پایین و تنه ها سده دلار هستند در ساعت (ساعت حدودی تومان) و بندرت هم دستمزد. ما افزایش می یابیم. هیچگونه سیستم ترتیبی و با وجود سندفرد. کارفرما هر وقت که دلش خواست میسوزاند ما را موقتا "از کار برکنار کند. اگر هم اعتراض کنیم مقابل خواستهایمان آتش می کشند."

کارگر دیگری که سال در ایمن کارخانه کار کرده می گفت: "من کارم را در اینجا با ۱۸ ساعت در ساعت شروع کردم و اکنون پس از سی سال سال سه دلار و ۷۰ سنت میگیرم اینست شرایط کارخانه ای که کارگران آن برای حقوق خود را زانو نیسته گذشته دست به مبارزه ای سخت زدند. کارفرما برای آنکه ما نر هرگونه شکل کارگران شود فوراً "پنجا ساعت در هر ساعت دستمزد کارگران اضافه کرد. اما کارگران در پاسخ به این اقدام مذبحخانه گفتند: "کارفرمایان ما این فکری میکنند که می توانند ما را با چند سکه بی ارزش بخردند، ما تا تشکیل اتحادیه ما ن مبارزه خواهیم کرد" و بدین ترتیب کارگران با آگاهی به نیروی متحد و یکپارچه خویش، تا تحقق تشکیل اتحادیه مبارزه خود را مدتها دند و اکنون نیز در جهت اتحادیه کارگران دیگر مناطق جنوب برای رسیدن به برابر دستمزدها و بهبود شرایط کارگام مبرمیدارند.



### سازماندهی جوخه‌های رزمی و عملیات رزمی

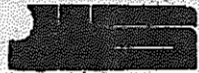
بقیه از صفحه ۴

میکنند که هرگونه ترور، سم گذاری، هر گونه عملیات پارتیزانی، هرگونه حمله به ارگانهای سرکوب و سازمانهای باند های سیا، آنا ریشم، و توطئه گیری است. از این رو در مقابل هر عمل نظامی موضع گیری خصمانه میکنند و بمنظور سرپوش گذاری بر نظرات نادرست و راست روانه خود، بر این بیان عملیات نادرست تاکید میکنند. گویی که میخواهد از طریق تکیه بر این بیان، شبهه نادرست عملیات پارتیزانی که در این بیان لحظه از طریق بیان سازمان حزب سوسیالیست لهستان اعمال شده است منسوخ و علیه اصول شرکت سوسیال دمکرات آنها در جنگ پارتیزانی علم کنند (جنگ پارتیزانی لنین). اما ما مطمئنیم که همانگونه که تاکنون سیر خود بخودی رویدادها، سواى هرگونه راجی مهر خود را بر سر میسر رویداد ها باقی گذارده است و این آقا بیان با هر چرخش تازه و تغییر و تحول خود را در دنیا له رویدادها دیده اند و سیر مبارزات توده ها بر تمام تئوری باقی ها و آئین بردار زبانی خشک و جامد آنها مهربانانه است. در آینه اندیشه سرنوشت آنها همان خواهد بود که امروز است. نمونه تئوریک یک چنین طرز تفکری سازمان پیکار است. پیکار که هیچگاه درک درستی از مبارزات توده ها، اشکال مبارزه آنها و مپانی آنها در تاکتیکها نداشته است. اکنون پس از یک دوران حرکات و تاکتیکهای آنا ریشمی، بسا یورش ارتجاع مغرور می شود، بسا اگونومیسیم دیرینه خود پناه می برد، و عملیات رزمی را آنا ریشم میدانند. در همین جا دوباره تاکید میکنیم که در اینجا صحبت بر سر درستی یا نادرستی این بیان عمل نظامی نیست، بلکه سخن بر سر شیوه تفکر پیکار است. سازمان پیکار هنگامی که توده ها در حال قیام و در حال حمله به پادگانها بودند، تمام نیروی خود را بسیج کرده بود تا کارگران را برای افزایش چند درصدی حقوق و جبران یکسری خواسته های اقتصادی در کارخانه محبوس کند. پس از قیام و درست هنگامی که هنوز اکثریت توده ها نا آگاهانه به حاکمیت اعتماد داده اند، آنها را بسا سرنوشتی حکومت دعوت می کرد و با اتخاذ تاکتیکهای آنا ریشمی در مسواریت متعدد ضرباتی جدی به جنبش طبقه کارگر و توده های مردم وارد آورد. اما دوباره با یورش اخیر ارتجاع و ائتلاف موقت در جنبش توده های به اگونومیسیم پناه میبرد و عملیات نظامی را بنام آنا ریشم نفی می کند. پیکار و دیگر کسانی که عملیات رزمی جوخه های رزمی از جمله ترور را در شرایط کنونی ردمی میکنند، تفاوتی میان دوران های مختلف مبارزات توده ها، و عملیات نظامی جوخه های رزمی با تروریسم قائل نیستند. لنین در پاسخ به کسانی که عملیات نظامی جوخه های رزمی را همان تروریسم میدانند، می گفت ما فکسر میکنیم که همطرازی است این عملیات (یعنی عملیات نظامی جوخه های رزمی) با نوع قدیمی تروریسم نادرست است. عملیات چریکی و اخدهای رزمی مآذاری با هیت و خصلت اعمال تروریست نیست. تروریسم بهیچوجه منسوخ کننده فلسفه توده ها نبود. تروریسم هرگز در خدمت

آموزش رهبران رزمنده توده ها نبود. تروریسم نتیجه - و همچنین نشانه و ملازم - فقدان ایمان به قیام، فقدان شرایط برای قیام بود. عملیات چریکی اعمال انتقامجویانه نیستند، بلکه عملیات نظامی اند. (وضعیت در روسیه و تاکتیکهای حزب کارگران) بنا بر این در دوران کنونی که ما در آن بسر میبریم، ترور انقلابی رهبران باندهای سیا، حملات نظامی به مراکز سرکوب توده ها و دیگر عملیات نظامی با آن خصلت و اهدافی که ما برای آن قائل شویم تروریسم محسوب نمی شود، بلکه عملیات نظامی در جهت تدارک قیام اند. ترور در شرایط محکوم است که بقول لنین "خلق انقلابی نیست و ترورها ناشی از یاس و کینه جوئی و خونخواهی است و بهیچوجه متعکس کننده خلق توده ها نیست. علاوه بر این ما امروز با کسانی برخورد میکنیم که اقامت موقت کنونی در جنبش را دلیل شکست انقلاب می گردانند و همان نتیجه گیریهای پیکار میسرند. آنها خواستار تممیم این ائتلاف بکل دوره آینده و تغییر اساسی در تاکتیکها هستند. این افراد که صرفاً سطح پدیده ها را می بینند و عمق پدیده را بررسی نمی کنند، همیشه به دنیا لبروی از سیر رویدادها و جنبش خود بخودی می افتند. این شیوه برخورد بمسائل جنبش از ای نیست منشیوکی روسیه و اگونومیسیتها نماینده تئوریک این طرز تفکر بودند. لنین در پاسخ به چنین افرادی که فقط ظاهر سطح پدیده ها را می دیدند و عمق آنها را میگفتند: "رفیق تئوریتسین حال را می پرستد، او فقط چیزهای را می بیند که در سطح قرار دارند. اما به آنچه که در عمق، در زیر سطح در جریان است توجه نمی کند. او اشیاء را در پیرویه تکاملشان بر سر نمی گذارد. این افراد که با دیدن لکتیک تکامل پدیده ها آشنا نمی شوند، حرکت درونی پدیده ها را درک نمی کنند. سطح گرا هستند و ظواهر پدیده ها را می بینند. اگر از آنها سؤال شود که چه عواملی باعث می شود که شما یک ائتلاف موقت در مبارزه توده ها را بیکل یک دوران بسط دهید و بیک رکود سیاسی طولانی و بالنتیجه شکست انقلاب برسید، پاسخ آنها لحظه کنونی وضعیت جنبش توده ایست و نه اینها". علت آنها انفجار بیک بمب و سرکوب حاکمیت است. یک بمب بیک انقلاب را به شکست می کشاند، و دیگر توری و سرکوب قرار است، جلومبارزات توده ها را سد کند، عبارات دیگر این شیوه استدلال در زمینه نقش قهر در تاریخ بهمانجه می رسد که آقای دوربینگ رسیده. در حالیکه یک ما رکسیست استدلال میکنند که با دلایل عینی یک رکود سیاسی وجود دارد؟ یا تحت تاثیر شرایط مادی مبارزه طبقاتی تخفیف یافته است؟ یا بحران اقتصادی، از هم گسستگی مالی، سلب ابتدائی ترین حقوق انسانی توده ها، فقر و فلاکت و بی خانمانی آنها از زمین رفته است یا لا اقل تخفیف پیدا کرده است؟ یا توده ها آنقدر فرسوده و خسته شده اند که بیک دوران زندگی آرام باز گردند؟ و بنام این سؤالات پاسخ منفی میدهد. در شرایط کنونی جامعه ما، سرکوب و دیگر توری تنها شی قیام نیست روحیه انقلابی توده ها را در هم نشکند. سرکوب ممکن است اقامت موقتی در جنبش توده ها پدید آورد، اما مطمئناً

نیروهای تازه نفسی را بر عرصه مبارزه خا هدا کنند. البته ما با بددرا کتیکهای روزمره خود خالت و وضعیت توده ها را در نظر داشته باشیم، اما حق نداریم تاکتیکهای پیگیر پرولتری را از این لحظه با آن لحظه و از این واقعیه است و واقع تغییر دهیم. مبتذل کنندگان - ما رکسیسم، دنباله روان جنبش خود بخوی چنین تبلیغ میکنند که گویا هر کار که توده ها کردند، ما هم باید همان کار را بکنیم. آنها توجه نمی کنند که وقتی گفته می شود با بددرا اتخاذ تاکتیکها روحیات توده ها در نظر گرفته شود، باید دید که آیا جنبش توده ای در کلیت خود در یک دوران رکود سیاسی، حال است و فعال، فقدان اعتراض و تعرض بسر میبرد، یا در یک دوران انقلابی، در دوران تعرض و اعتراض، در دوران مبارزه آشکار و انقلابی. بقول لنین "ما نمیتوانیم از اینکه شعار رسانی تاکتیکهای منگالنگان در پس رویدادها روان باشند و پس از بروز هر حادثه با رویدادها منطبق گردند خوشنودیا شیم. ما باید شعارها را داشته باشیم که ما را به پیش سوق دهد. راه روبروی ما روشن سازد و ما را فراتر از وظایف لحظه ای قرار دهد. حزب پرولتاریا برای اینکه بیک مبارزه پیگیر، مقاوم، دست نازد نمیتواند تاکتیکهای خود را از این واقعیه است و واقع تغییر دهد" (انقلاب می آورد) مثلاً هنگامیکه ما زمان با در نظر گرفتن مجموعه شرایط، دوران کنونی روحیات توده ها، میزان اعتماد توده ها به حاکمیت، توازن نیروهای طبقاتی و جهت تکامل رویدادها، شعار محلیس مؤسسان را طرح نمود، این شعار از یک سازجانب دنیا لبروی جنبش خود بخودی و از سوی دیگر جنبش افراطی در سطح جنبش موردا انتقاد قرار گرفت. دنباله روان جنبش خود بخودی که تاکتیکهای خود را از این لحظه با آن لحظه اتخاذ میکنند و می گویند هر چه توده ها بگویند و هر کار که آنها بکنند ما نیز همان کار را می کنیم، استدلال میکردند که این شعار ربطی به خواسته ها و مبارزات توده ها ندارد. آنها در نهایت خود را به همان پذیرش رفتار دوم بینی مدر محدود میکردند. از سوی دیگر کسانی که عبارت پر از زبانی چپ و غالباً بی محتوا عادت کرده اند و تصور می کنند بدون توجه بوضعیت جنبش، کیفیت شکل و آگاهی پرولتاریا، توازن نیروهای طبقاتی و بالآخره تجربه توده ها قادرند، حکومت شورائی را برقرار کنند، این شعار را راست قلمداد کردند. اما امروز بسا گذشت مدتی کوتاه، همه با دید ببردستی این شعار بی برده باشند. ما امروز در مقابل بنی صدر که میخواهد با حفظ اساس جمهوری اسلامی جنبش را به بیراهه بکشاند، همچنان به تبلیغ و ترویج مجلس مؤسسان و دولت موقت انقلابی تاکتیکهای پیگیر و انقلابیست و شعاری است که "تنگ لنگان در پس رویدادها" بلکه "ما را فراتر از وظایف لحظه فوری" قرار میدهد. اما ما میانه کنندگان - ما رکسیسم - لنینیمس با ارائه یک درک نادرست از تاکتیک و مپانی اتخاذ آن برده وار دنباله رولحظت گذرا هستند و این چیزی جز اپورتونیسیم نیست. لنین در پاسخ کسانی که از سلطه ارتجاع اپورتونیسیتی می گردند و تاکتیکهای با ثبات و پیگیر پرولتاریائی را نفی میکردند، می گفت: "من گفتم کسی که حقیقتاً می پذیرد، بسا

بقیه در صفحه ۱۸



## سازماندهی جوخه‌های رزمی و عملیات رزمی

بقیه از صفحه ۱۷

اعتلا انقلاب اجتناب ناپذیر است، باید نتیجه درست را در مورد شکل عمده جنبش بگیرد. زیرا که این مسئله اساسی علمی و سیاسی است که ما باید حل کنیم و منشویکها از پاسخ با آن طفره می‌روند. آنها چنین استدلال میکنند، هنگامیکه یک دوما وجود دارد، ما از دوما حمایت خواهیم کرد. هنگامیکه اعتصاب و قیام وجود دارد، ما از اعتصاب و قیام حمایت خواهیم کرد. اما آنها تمایل ندارند و قادر نیستند معین کنند که آیا این یا آن شکل جنبش اجتناب ناپذیر است. آنها جرات نمی‌کنند که به پرولتاریا و عموم خلق بگویند که کدامیک شکل عمده جنبش است. وقتی هم که قضیه با این شکل باشد، آنگاه هرگونه عبارتی درباره اعتلا انقلاب و تکمیل آن... چینی‌گری جزبی مزگی و ابتذال نیست. ما نباید برده وارد نباله رولحظت گذار باشیم. (تاکید زماست) این اپورتونیسیم است ما باید بر علل ژرف تر رویدادها و نتایج دوررس تر تا کتیکهای ما تعمق کنیم (گزارشی درباره کنگره وحدت حزب سوسیال دمکرات کارگری روسیه) اما دنباله روان لحظت گذار و جنبش خودبخودی ما حتی در تاکتیکهای خود دچار تزلزل و ناپی گیری هستند و از پاسخ قطعی به شکل عمده جنبش طفره می‌روند و تاکتیکهای دوران رکود را که منطبق با شکل عمده جنبش یعنی قانونیست، ارائه نمی‌دهند، زیرا کسی که می‌پذیرد دوران انقلابی بفرجام خود رسیده است، باید مسئله قیام و تدارک فوری و عاجل آنرا بکنار بگذارد، زیرا با قیام نمی‌شود. باز برگرد و کنار گذاردن مسئله قیام عملاً بیان معناست که دوران انقلابی بی پایان رسیده (وضعیت در روسیه و تاکتیکهای حزب کارگران) بلکه باید منطبق با رکود سیاسی، و اشکال مبارزه قانونی، بسوی بسط و گسترش اتحادیه‌های سندیکائی و نه شوراها و به طور کلی طرده شعارهای انقلابی یعنی شعار - های قیام، پیش رود. در حالیکه ما همچنان علیرغم سرکوب عیان گسیخته و بیورش دیوانه‌وار ارتجاع صورانه و بی گیرانه تدارک قیام می‌پردازیم، فعالیتهای زیرزمینی و تدارک منیتی را تشدید می‌کنیم، اما نه برای عقب‌نشینی بلکه برای یک ضد حمله و تعرض گسترده‌تر، ما در همان حال که بر مسئله تدارک قیام در دوران کنونی تاکید می‌کنیم، هرگونه وسیله قانونی را نفی نمی‌کنیم "ما باید برای این امر تدارک ببینیم، البته بدون اینکه هرگونه وسیله بسط و تبلیغ



وترویج سازماندهی قانونی را رد کنیم، بشرط اینکه هیچگونه توهمی در باره تداوم و استمرار او اهمیت این وسایل را من نزنند (وضعیت در روسیه و تاکتیکهای حزب کارگران) زیرا هرچه بحران عمیق‌تر شود، نا رضایتی توده‌ها گسترده تر گردد و نوسان توده‌ها بی‌وزنه توده‌های خرده - بورژوا کم‌تر شود، اهمیت اشکال و وسایل انقلابی بیشتر می‌گردد و تدارک قیام ضرورت بیشتری کسب می‌کند. ما دوباره بر این مسئله تاکید می‌کنیم کسی که به تدارک قیام با ورود دنیا بدست می‌دهد جوخه‌های رزمی را بپذیرد و کسی که سازماندهی جوخه‌های رزمی را نفی کند بتدارک قیام اعتقادی ندارد (رجوع شو دبه نشوری زایش خودانگیخته، لنین) همچنین کسی که سازماندهی جوخه‌های رزمی را می‌پذیرد، باید به عملیات رزمی، عملیات مسلحانه این جوخه‌ها معتقد باشد و خط و هدف این عملیات را بپذیرد. کسی که بگوید من سازماندهی جوخه‌های رزمی را می‌پذیرم، اما عملیات رزمی این جوخه‌ها را نپذیرد، او نه به سازماندهی جوخه‌ها و نه بتدارک قیام اعتقاد دارد. پذیرش سازماندهی جوخه‌های رزمی بدون عملیات رزمی، فریب خود و دیگران است. زیرا بقول لنین نمیتوان از طریق ناموسیستی جوخه‌های رزمی را تشکیل داد (رجوع شویبه انقلاب دمکراتیک روسیه و وظائف پرولتاریا). اکنون دیگر زمان لفاظی و پرحرفی گذشته است، خود شرایط واقعی جنبش و حکومت ما را از مرحله حرف بعمل واداشته است. ما نه به علل سطحی و لحظه‌ای بلکه بععلل ژرف پدیده‌ها می‌نگریم. ما آیه‌ها را سرنمیدهم، بلکه کارگران، دهقانان و دیگر اقشار خلق را بمبارزه ای پی‌گیری می‌خواهیم و شرایط سرنوشت ساز کنونی را با آنها خاطر نشان می‌سازیم. ما در پاسخ بکسانی که لحظه کنونی را دلیل شکست انقلاب می‌گیرند خاطر نشان می‌سازیم که "البته بهیچوجه برای انقلاب ما ناممکن نیست که مانند آن (پایان دوران انقلابی و شکست انقلاب قیامیها در آلمان ۱۸۴۹) پایان یا بدو در بر توجیه کنونی، هنگامیکه ارتجاع حاکم میشود، گاملا" ما آن است که نتیجه گیری شود، یک چنین پایانی هم اکنون آغاز شده است... (وضعیت در روسیه و تاکتیکهای حزب کارگران) اما ما بنا بر دلایل اقتصادی، اجتماعی و سیاسی موجود یک چنین نتیجه‌گیری نمی‌کنیم و هیچگونه تغییر اساسی در تاکتیکهایمان پدید نمی‌آوریم. اما دوران انقلابی بی پایان رسیده، و یک دوران رکود سیاسی حاکم شده است، - آنگاه تدارک قیام سازماندهی جوخه - های رزمی را بکنار خواهیم گذاشت و تاکتیکهای را که منطبق بر شکست قانونی جنبش است اتخاذ خواهیم کرد.

ما در اینجا در همان حال که در شرایط کنونی با احراف بر است درون جنبش مرزبندی می‌کنیم، در مقابل انحراف چپ نیز که بعضی تا کید بر سازماندهی مبارزات توده‌ها، تا کید بر سازماندهی اعتراضات و جنبش خودبخودی توده‌ها، تا کتیک مسلحانه را محور تاکتیکهای خود قرار می‌دهد، و تاکتیکهای مسلحانه - ای را که میتوانم مضمون انقلابی داشته باشد، از مضمون واقعی خودتپسی میسازد و بامیکوشد قیامی زودرس را بتوده‌ها تحمیل کند، مرزبندی داریم. زیرا بقول لنین وظیفه تدارک قیام البته شامل مانع شدن از قیام‌های زودرس - نیز هست. برخی عملیات نظامی که در یک ماه اخیر صورت گرفته است دارای خلعت و اهدافی جز آنکه ما بدان اشاره کردیم می‌باشد. این تصور که حکومت بسیار زود سقوط خواهد کرد، منجر به اتخاذ تاکتیکهایی میشود که دارای خلعت سرنگونی هستند، و آنجا که هنوز میان مبارزه توده‌ها و اتخاذ این تاکتیکها با چنین خلعتی شکافی وجود دارد، - توده‌های مردم کشش توان لازم را در قبال این تاکتیکها ندارند، و در نتیجه منجر به یک وقفه در مبارزات توده - ها خواهد شد. شکاف میان مبارزه توده - ها و عملیات نظامی بسیار بزرگ - باعث می‌شود که عملیات نظامی از خلعت و اهداف واقعی خودتپس گردد. نا نسیا با ید همیشه و در هر حال روحیات و خلقیات توده‌ها بی‌وزنه در مناطق متعدد در نظر گرفته شود. ما اگر و اهداف معین شده دقیق و حساب شده باشد، از هرگونه آسیب رسیدن به توده‌ها تا آنجا که ممکن است جلوگیری شود. در حالی که ما در بررسی از عملیات اخیر شاهد بوده‌ایم که این مسائل در نظر گرفته نشده است. تروریک عنصر منفور که میتوان ندسیا نگر و حیاست و خلقیات توده‌های مردم و خواست واقعی آنها باشد، در یک موقعیت نامناسب یا در یک ترور دستجمعی، نتیجه مطلوب را ببارتصی آورده. علاوه بر این بسی توجهی به اهداف تعیین شده با عت می‌گردد که حکومت منتهای تبلیغات خود را بسوی آن معطوف دارد، و از یک عمل نظامی نتیجه معکوس درجهست مبارزات توده‌ها و روحیات آنها پدید آید.

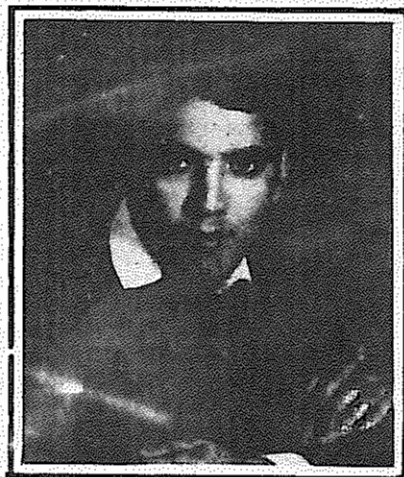
خلاصه تنها آن عملیات رزمی در شرایط کنونی میتوان نمود را تید باشد، که اولاً تا خلعت آموزش رهبران توده‌ها برای قیام آینده منطبق باشد، و اهداف آن در جهت راهگشائی و هموار کردن راه برای مبارزات توده‌ها باشد و نه سرنگونی فوری و بلاواسطه رژیم. ثانیاً تا کید بر سازماندهی مبارزات توده‌ها باشد. و تاکتیکهای مسلحانه بعنوان تاکتیک فرعی در نظر گرفته شود که تنها در خدمت تدارک قیام قرار دارد.







## بازهم اکثریتی های جناح راست شهید دروغین آفریدند



یکی از رفقای ما از آبادان طوسی نامه ای خواستار افشای خبر دروغین اکثریتی های راست در مورد شهسادت رفیق هیبت الله بهرامی سامانی شده و مینویسد:

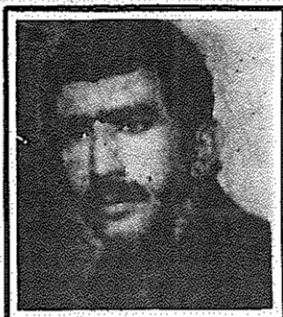
اکثریتی ها در ارگان سراسری خود بتاريخ چهارشنبه ۱۶ اردیبهشت ۶۰ به درج خبر شهادت رفیق هیبت الله بهرامی سامانی میادرت کرده اند و او را از شهدای جبهه جنگ دانسته و منتسب به سازمان خود نموده اند و حال آنکه او پس از انشعاب راه فدائیان راستین (اقلیت) را برگزیده بود و حتی نشریه کار سازمان را می فروخت.

دوستان اکثریتی او بدون اینکه با خانواده اش تماس بگیرند پس از گذشت چند ماه که از این واقعه اطلاع پیدا کرده اند، او را شهید اکثریتی در جنگ مینهند! با صدام قلمداد کرده اند و حال آنکه او هنگامیکه از آبادان به سامان میرفت در نزدیکی اهواز بعثت اصابت خمپاره به یک ماشین و تصادفی که با ماشین او بوجود آمده باشد شهادت رسید.

آنها بعثت بی اطلاعی شان او را متولد آبادان ذکر کرده اند و حال آنکه او متولد سامان از توابع شهر کرد بود و پدرش بی از تولد او جهت یافتن کار به همراه خانواده به آبادان مراجعت کرد و در آنجا ساکن شد. آنان بخاطر استان بوسی بورژوازی از مبارزات او بسا رژیم جمهوری اسلامی کوچکترین اسمی نبرده اند که بورژوازی آزاده نشود بلکه با کلی گوئی وستودن سجایای اخلاقی او همچنان که رسم همه رویزیونیستهاست سعی کرده اند پوسته او را گرفته و مضمونش را بر حسب سیاست خود تغییر دهند.

آنها صحبتی از شرکت فعال رفیق در مبارزات دانشجویان هنگام تعطیل دانشگاهها در اهواز سازماندهی مقاومت دکهداران در مقابل تهاجم رژیم آنها نکرده اند بلکه برعکس به دروغ و برای نزدیکی خود به حاکمیت

## گرامی باد خاطره فدایی شهید اکبر حق بیان



رفیق اکبر حق بیان در سال ۱۳۳۰ - در امیرآباد از توابع نور، در یک خانواده کشاورز متولد شد. دوران تحصیل را در روستا بیا بیان رسانید و تحصیلات متوسطه را در شهر آمل گذارنید. در کنکور سراسری موفق شد و از دانشگاه تهران لیسانس گرفت. در دوران دانشجویی یک بار توسط ساراگ برای مدتی از دانشگاه اخراج شد. پس از پایان تحصیلات دوران سربازی را در بیرجند بیا بیان رسانید. در پادگان بعثت حمایت از منافق سربازان با یک افسردرگیر شد که بهمین دلیل محاکمه گردید. پس از پایان دوره سربازی وارد اداره آبادانی و مسکن شد اما بعد از دو ماه این شغل را رها کرد و در شهر قاشم شهر شغل دبیری را انتخاب نمود. در طول انقلاب در آگاهی دانش آموزان نقش بسزائی داشت و در سال ۵۷ به جرگه هواداران سازمان بیوست و بعد از انشعاب اکثریت، از خط سازمان دفاع نمود. در سال ۵۸ از دبیرستان بعثت داشتن افکار انقلابی تصفیه شد سپس به روستای امیرآباد رفت و در آنجا با همکاری برادرش هاشم حق بیان (که

از هواداران سازمان پیگا بود) و به همت کشاورزان ده، سیمدهکتا زمین سه فئودال معروف یعنی سرهنگ درویش صدیقیانی و سالاریان را بین کشاورزان تقسیم کردند. و در همانجا به فعالیتهای انقلابی خود ادامه داد تا اینکه در تاریخ ۶۰/۴/۴ حدود ۶۰ پادار سرمایه به خانه آنها حمله کردند و با ایراد ضرب و جرح به خانواده، اکبر و هاشم حق بیان را با خود بردند و بعد از ۱۵ روز یعنی در تاریخ پنجشنبه ۶۰/۴/۱۸ هر دو رفیق یعنی اکبر و هاشم را بدون اینکه حتی یکبار اجازه ملاقات با خانواده را به آنها بدهند بجوخه اعدا سپردند. بسی شک خون آنان نهال انقلاب ایران را شکوفا تر خواهد ساخت.

## کارگری در اثر انفجار کپسول گاز در کارخانجات نیروی دریایی بوشهر کشته شد

کارگران به نبودن وسایل ایمنی و امکانات پزشکی در محیط کار اعتراض دارند.

در دما را حس نمی کند" در همین حین رئیس شرکت و اعضای انجمن اسلامی به صفا کارگران می رسند و خود را با اعتراض گسترده آنها روبرو می بینند. کارگران که از کشته و زخمی شدن همکاران خود بشدت خشمناک شده بودند به رئیس شرکت و اعضای انجمن اسلامی می گفتند " شما هم ما را کما رمیخواهید، می گوئید کارکنید و اخلاص در شرکت بوجدنیا ورید چون دولت درگیر جنگ است اما بفکر امکانات ایمنی که جان ما را از خطر نجات بدهد نیستید". رئیس شرکت با چرب زبانی وریاکاری سعی داشت کارگران را بفریبد تا از اعتراض خود دست بکشند. تروژ کارگران متفسرق شدند اما اعتراضات و مبارزاتشان را ادامه می دهند.

بر اثر انفجار کپسول گاز در یک ناوچه نیروی دریایی در بوشهر، یک کارگر کشته و چهار نفر زخمی شدند. صبح روز پنجم مرداد کارگران که در کارخانجات نیروی دریایی بوشهر کار می کنند و آنروز در یک ناوچه سرگرم کار بودند با صدای انفجار یک کپسول گاز به محل حادثه می روند. در این انفجار یکی از کارگران کشته شده، دو کارگر و دو دوجده دار نیز مجروح میشوند. کارگران و دوجده داران در جین دور کردن مجروحین از محل حادثه و تلاش برای رساندن آنها به پزشک و بیمارستان، به نداشتن وسایل ایمنی مثل پزشک، دارو، آمبولانس، کفش و کلاه ولباس ایمنی و... در محل کار اعتراض میکردند. آنها میگفتند: " ۳ میولانس، دکتر و امکانات کجاست؟ دولت همه اش از ما کار میخواهد و دولتی

خائن بشود و به طبقه کارگر خیانرت ورزد. البته این اولین بار نیست که این خائنین شهید دزدی میکنند آنها حتی افراد زنده را مرده جا میزنند تا شاید بر تعداد شهدایشان بیفزایند و نگاه این شهدای جنگ، بوجه المصلحه سازش با حاکمیت قرار گیرند. بگذارویزیونیستهای خائنین توده ای و اکثریتی های راست برای خوش خدمتی به هر خائنتی تن دهند، توده های انقلابی میهنمان در فردای نه چندان دور، حساب خود را با تمام دشمنان طبقاتی خود روشن خواهند ساخت.

ضد انقلابی، او را از منده جبهه نام برده اند و حال آنکه او در مناطق جنگی تنها برای کمک به جنگ زدگان و تبلیغ مواضع سازمانی در مورد جنگ ارتجاعی باقی مانده بود و با لایحه آنها از شرکت فعال او در تحمّن خانواده های شهدای سینما رکن نامی نبرده اند. آیا ممکنست رفیق کارگری که فقط ۲۰ سال در پشت تنور ناواشی چسبون فولاد آبدیده شده بود و استشارا بسا پوست و گوشت خود را خورده بود و با آگاهی طبقاتی تلقیق داده بود و عضو سندیکای پروژه ای بود آنوقت چنین کارگری به آستانبوسی بورژوازی برود و اکثریتی

# پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر



# باردیگر جلاد، دو فدائی زبر خلق ربود

به مناسبت چهلمین روز  
شهادت فدائی خلق  
سعید سلطانیپور

پیشمرگان فدائی طی عملیاتی در مهاباد،  
بیش از ۱۰ نفر از مزدوران را کشته و  
یک پاسدار را دستگیر و چندین نفر را  
زخمی نمودند

روزی که شب ۶/۵/۴۰ از ساعت ۵ بعد از ظهر چند تیم از پیشمرگان قهرمان فدائی قسمتهاً از شهر مهاباد (میدان ملاجانی) خیابان حافظ، خیابان زند، بلوار سر - آسیاب، آسما (ماجد) را به کنترل خویش در آوردند و مورد استقبال گرم و بیشرور مردم قرار گرفتند. پیشمرگان، طبق نقشه عملیاتی، در محل های تعیین شده مستقر گشته و به کمین دشمن نشستند. حدود ساعت ۶/۳۰ بعد از ظهر یک ماشین سیمرخ و دو لندرو را ملجاها و پاسداران به کمین پیشمرگان افتاده و مورد شلیک رگبار پیشمرگان قرار گرفتند که در نتیجه چند نفر از سرنشینان آنها از جمله خدمه کالیبر ۵۰ به هلاکت رسیدند همچنین یک آمبولانس که حامل ۴ سرنشین بود بدست پیشمرگان افتاد که تنها یک نفر از آنها که پاسدار ربود دستگیر شد. پیشمرگان سپس به مقربسپاه پاسداران در میدان (ملاجانی) مهاباد و "مهد کودک" که بنا زگی محصل استقرار آنها شده است حمله کردند و از فاصله ۲۰ متری با نارنجک انداز زونا رنجک دستی مقرهای مزدوران را کوبیدند که در نتیجه چند نفر دیگر کشته و مجروح شدند. درگیری تا ساعت ۹ بعد از ظهر ادامه داشت و پیشمرگان تا ساعت ۱۲ شب مناطق فوق را تحت کنترل خویش داشتند.

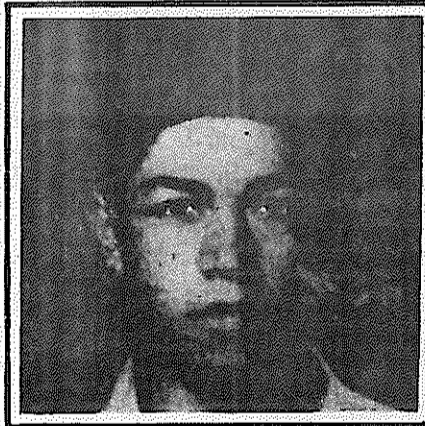
در این عملیات بیش از ۱۰ نفر از مزدوران کشته، چند نفر زخمی و یک پاسدار بدست پیشمرگان اسیر گردید.

پس از اتمام عملیات پیشمرگان همگی سالم به پایگاه های خود بازگشتند. در این عملیات مردم قهرمان مهاباد ایثار و فداکاری به حمایت از پیشمرگان خویش برخاستند و هنگام بازگشت، آنان را بدرقه کردند.

این عملیات تنها گوشه ای از انتقام خلق از سرکوبگرا نش بود.

نگاهی به گزارشهای  
انتخابات  
ریاست جمهوری

۱۳۵۸ با سازمان ارتباط برقرار کرد و فعالیت تشکیلاتی خود را آغاز نمود. رفیق بعد از تشعب آگاهانه مواضع سازمان را پذیرفت. رفیقی جدی و سخت کوش بود، به زحمت کشان عشق می ورزید و همواره در فکر تبلیغ و ترویج مواضع سازمان بود موقع عبور از خیابان جای نوشتن شعارها را تعیین می کرد و همواره تلاش داشت تا به هر تکلی که شده اعلامیه ها و روزنامه های سازمان را بدست توده ها برساند و همواره وظایف سازمانش را با تمام نیرو با تمام میسرانید. رفیق ساعت ۱ بعد از ظهر ۲۹ تیر به همراه رفیق فرزاد صیامی هنگام پخش اعلامیه در شرق تهران بتوسط پاسداران سرما به دستگیر شدند اما کیهان ۳۰ تیر اعلام کرد: "دو نارنجک انداز زنا مفا پرزیادی اعلامیه اقلیت دستگیر شدند".



رفیق شهید قدرت الله (مجید)  
شاهین سخن

در سال ۱۳۲۷ در خا نواده ای زحمتکش در تهران بدنیا آمد و از سال ۱۳۵۵ فعالیت خود را به عنوان هوادار سازمان آغاز کرد. در مبارزات توده ها و قیام - دلاوری نه خلق فعالانه شرکت جست و یکسال بعد از قیام بعنوان کارگردان شهرداری مشغول کار شد. او در میان کارگران از محبوبیت خاصی برخوردار بود. در اواخر

شاه به زندان افتاده بود آغاز کرد. در سال ۵۷ بعنوان یک هوادار صدیقی سازمان در نظرات صدر رژیم شاه و حمله به آراگانهای سرکوب فعالانه شرکت نمود و پس از قیام با سازمان ارتباط مستقیم گرفت و در بخش تبلیغ بکار مشغول شد و با ایجاد بساط در نقاط مختلف شهر، مواضع سازمان را بمیان توده ها میبرد.

رفیق کارگرنیافته سوزنی بود و ۸۰ - ساعت کار در روز انجام میداد و با بقسی وقتش را فعالانه به انجام وظایف سازمانش میپرداخت. بارها در شرایطی که کار پخش اعلامیه زیاد بود رفیق تا صبح کار میکرد و صبح بسرکار میبرفت و خیلی از شبها ۳ ساعت می خوابید. رفیق را به همراه رفیق همزمش مجید (قدرت الله شاهین سخن) هنگام پخش اعلامیه دستگیر کردند اما مزدوران حکومتی در روزنامه ها شان اعلام نمودند که هنگام پرتاب نارنجک دستگیر کرده اند. و بجرم عشق به توده ها و باختر آلمان مقدسشان که همانا راهائی زحمتکش و نا بودی سرما به داران بود چند روز پس از دستگیری یعنی در تاریخ ۵ تیر ماه به جوخه اعدام سپردند



رفیق شهید فرزاد صیامی

رفیق در سال ۱۳۲۸ متولد شد. فعالیت سیاسی را از سال ۵۴ و تحت تاثیر سر مبارزات بزرگ در مبارزه با رژیم

زندانی سیاسی آزاد باید گردد، شکنجه و اختناق نابود باید گردد